

# ضرورت حکمرانی حزبی در اینجا و اکنون کشور



طبقات ناراضی در جدال با سرمایه‌داری



صاحب امتیاز:

حزب اراده ملت ایران

مدیرمسئول:

رحیم حمزه

سردبیر:

علیرضا مقدم

مدیر اجرایی:

حسن غلامی

ویراستار:

مریم کوشکی

همکاران این شماره:

افشین فرهانچی / زهره رحیمی / محمد حسین واحدی / محسن عوضوردی / فاطمه قدم / اطیبه معصومی / محمدرضا لشینی / فاطمه امامی / علی اسدیان / بهزاد میقانی / فاطمه وهابی زاده / عباس امامی / نیروانا مهر آیین / مهتاب قصابی / مرضیه نیک فلاح

نشانی:

خیابان جمالزاده شمالی - نبش کوچه زند - ساختمان

۱۱۰- واحد ۲۲

تلفن:

۰۲۱۶۶۴۳۱۶۱۶ - ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵



این هفته نامه

ارگان رسمی حزب اراده ملت است



کلام مدیر مسئول: ضرورت حکمرانی حزبی در اینجا و اکنون کشور..... ۳

سرمقاله: طبقات ناراضی در جدال با سرمایه‌داری..... ۵

### بین المللی

گرجستان در تقاطع بحران‌ها؛ انتخابات شهرداری و اعتراضات خیابانی..... ۷

### مدار توسعه

انقلاب وسطی (وسط) پیش‌درآمد..... ۱۲

### سیاست

از برجام تا بازگشت تحریم‌ها؛ روایت ناهام دیپلماسی و منطق قدرت..... ۱۵

مکانیسم ماشه: «مرگ تدریجی امید در پازلی از تحریم و بحران»..... ۱۷

استراتژی ایران در شرق: موازنه قدرت یا طراحی نظم منطقه‌ای؟..... ۲۲

توسیه نامه سیاسی..... ۲۳

### اقتصاد

معرفی کلی مدل اقتصادی سوئد:..... ۲۶

### اجتماعی

چین گودال تولد و دوران کودکی..... ۳۱

جاماندگی..... ۳۳

ریشه‌ها و ورود گوجه‌فرنگی به ایران..... ۳۴

زنان غیرنظامی در غزه: بار سنگین جنگ بر دوش بی‌صدایان..... ۳۶

### اندیشه

من پاییز سرد می‌خواهم..... ۴۱

فشار اقتصادی و بحران خاموش خودکشی..... ۴۲

سالاد کاهو..... ۴۳

### معرفی کتاب

تا می‌توانی بنویسی..... ۴۵

کتاب نهنگ که بیشتر می‌خواست..... ۴۷

### جهان در هفته ای که گذشت ۹۹

### اخبار حزبی

ارسال کتاب «پلنوم چهارم حزب اراده ملت ایران» به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی..... ۵۲

انتصاب مدیر جدید پژوهشسرای ملاصدرا زنجان..... ۵۲

برگزاری پلنوم چهارم حزب اراده ملت ایران پیش از کنگره سراسری یازدهم..... ۵۳

برگزاری نشست اصلاح‌طلبان نیشابور برای انتخابات شورای شهر..... ۵۳

نشست هم‌اندیشی اصلاح‌طلبان نیشابور با موضوع «برای انتخابات شوراها چه باید کرد؟»..... ۵۴

تشکیل نخستین نشست کارگروه تدوین برنامه استراتژیک «حاما»..... ۵۴

(بعضی از مطالب این نشریه گردآوری می‌باشد و بسیاری از عکس‌ها از سایت‌های مختلف برداشته شده است.)

از همه تهیه‌کنندگان اولیه تشکر می‌نمائیم

## ضرورت حکمرانی حزبی در اینجا و اکنون کشور



رحیم حمزه

### مقدمه

جامعه ایران در لحظه‌ای تاریخی ایستاده است؛ نه صرفاً برای تغییر چهره قدرت، بلکه برای بازتعریف خود مفهوم حکمرانی. بحران‌های تو در توی مشروعیت، ناکارآمدی و بی‌اعتمادی عمومی، دیگر صرفاً محصول ضعف مدیریتی یا فساد ساختاری نیستند. این بحران‌ها ریشه در غیاب یک «نظام عقلانی واسط» میان جامعه و قدرت دارند؛ نظامی که در جهان مدرن نامش حزب است.

حکمرانی حزبی در این معنا، نه یک گزینه مدیریتی بلکه ضرورتی تمدنی است. به تعبیر مرحوم دکتر فیرحی، حزب با اصل دموکراسی ملازمه دارد؛ یکی بدون دیگری نه زاده می‌شود و نه پایدار می‌ماند. دموکراسی بی‌حزب، صدایی است بی‌ساز و حزب بی‌دموکراسی، ابزاری است بی‌روح.

در «اینجا و اکنون»، سخن گفتن از حکمرانی حزبی یعنی بازخوانی نسبت جامعه‌ی ایران با عقلانیت سیاسی، با مسؤولیت جمعی و با مفهوم قدرت در معنای مدنی آن.

### بحران فردمحوری و ضرورت نهاد

یکی از ریشه‌های ناکارآمد مزمن در سیاست ایرانی، استمرار ذهنیت فردمحور است. جامعه ما هنوز در کی نهادمند از سیاست ندارد؛ سیاست همچنان صحنه قهرمانان و کارگزاران است، نه سازوکارها و نهادها. از

دوران مشروطه تا امروز، بسیاری از جنبش‌ها با اشتیاق آغاز شدند اما در فقدان نهادهای پایدار، در برابر فشارهای درونی و بیرونی فروریختند. در چنین وضعی، هر تغییر سیاسی به جای اصلاح قواعد، به تغییر چهره‌ها فروکاسته می‌شود. گویی جامعه همواره در انتظار «فرد نجات‌بخش» است، نه در جست‌وجوی ساختار رهایی‌بخش.

حکمرانی حزبی تلاشی است برای عبور از این چرخه‌ی تاریخی. حزب، سیاست را از اراده‌ی افراد به عقل جمعی می‌سپارد؛ تصمیم را از عاطفه به تحلیل منتقل می‌کند. در حکمرانی حزبی، سیاست محصول روند است، نه واکنش؛ محصول گفت‌وگو و یادگیری است، نه گزینه و مصلحت لحظه‌ای.

### تجربه‌های جهانی و درس‌های آن برای ایران

هیچ جامعه‌ای به دموکراسی پایدار نرسیده مگر آنکه نهاد حزب را به‌عنوان ستون میانی میان قدرت و مردم به رسمیت شناخته باشد. تاریخ تحولات سیاسی قرن بیستم، به‌ویژه در اروپا و شرق آسیا، سرشار از نمونه‌هایی است که نشان می‌دهند چگونه نهادینه‌سازی حکمرانی حزبی، پیش‌شرط گذار از هرج‌ومرج سیاسی به ثبات و توسعه بوده است.

۱. آلمان پس از جنگ جهانی دوم

جمهوری فدرال آلمان پس از فاجعه نازیسم، تنها با بازسازی نظام حزبی توانست از ویرانی سیاسی و اخلاقی رها شود. حزب دموکرات مسیحی و



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۹۹

۱۰ آبان سال ۱۴۰۴





حزب سوسیال دموکرات، دو قطب عقلانیت سیاسی جدید شدند. قدرت، نه در اختیار افراد کارزماتیک، بلکه در چارچوب نهادهای حزبی و با توافقات میان حزبی توزیع شد. نتیجه آن شد که آلمان از دل شکست، به یکی از باثباتترین دموکراسی‌های جهان بدل گشت.

۲. ژاپن و حزب لیبرال دموکرات

ژاپن پس از جنگ، با ایجاد نظام حزبی منسجم توانست مسیر توسعه اقتصادی را با ثبات سیاسی پیوند بزند. حزب لیبرال دموکرات، با وجود انتقادات، نقشی اساسی در تبدیل خواست‌های اجتماعی به سیاست‌های بلندمدت داشت. در ژاپن، تغییر نخست‌وزیرها اغلب تغییری در جهت کلان کشور ایجاد نکرد، زیرا حافظه‌ی برنامه‌ای حزب پابرجا بود.

۳. هند، دموکراسی پر تنش اما نهادمند

در هند، حزب کنگره و سپس مجموعه‌ای از احزاب منطقه‌ای، ساختار سیاست را از فردگرایی نجات دادند. با وجود تنوع زبانی و مذهبی، نظام حزبی توانست میدان گفت‌وگو و رقابت را به جای خشونت و انقطاع بنشانند. نتیجه این شد که هند، علی‌رغم فقر و تضادهای درونی، دموکراتیک‌ترین نظام در جهان جنوب شد.

۴. تجربه‌ی ترکیه

ترکیه، به‌رغم نوسان میان سکولاریسم و اقتدارگرایی، در دوره‌هایی توانست از دل رقابت احزاب، نظام تصمیم‌گیری نسبتاً پاسخ‌گو بسازد. اصلاحات دهه‌های گذشته و گسترش مشارکت عمومی، به مدد حضور نهادهای حزبی بود؛ هرچند بازگشت اقتدارگرایی نشان داد که اگر حزب به نهاد بدل نشود و در شخص ادغام گردد، دموکراسی نیز فرو می‌ریزد.

### درس‌های کلیدی برای ایران

دموکراسی بدون حزب، به سرعت به پوپولیسم یا تکنوکراسی بی‌پایه می‌لغزد.

توسعه‌ی اقتصادی بدون ثبات حزبی پایدار نمی‌ماند؛ زیرا اعتماد عمومی و سرمایه‌گذاری اجتماعی متزلزل می‌شود.

حزب ضامن عقلانی‌سازی دولت است؛ دولت قوی از دل حزب قوی بیرون می‌آید، نه از دل خلأ سازمانی.

هرگاه حزب تضعیف شده، نهادهای غیررسمی و پنهان جای آن را گرفته و فساد و بی‌اعتمادی گسترش یافته است.

### حزب به مثابه نهاد یادگیری جمعی

در ساختار مدرن، حزب صرفاً وسیله‌ی دستیابی به قدرت نیست، بلکه «مدرسه‌ی مدنیت» است. حزبی که زنده است، شهروند می‌سازد؛ و جامعه‌ای که شهروند می‌پرورد، دموکراسی را نه در صندوق رأی بلکه در زیست روزمره تمرین می‌کند. حزب باید بستر گفت‌وگوی منظم میان اندیشه و عمل سیاسی باشد؛ جایی که ارزش‌ها، تجربه‌ها و تحلیل‌ها به دانش مشترک بدل شوند. این دانش همان سرمایه‌ی عقلانی است که ساختار قدرت را پاسخگو نگه می‌دارد.

در حکمرانی حزبی، حزب محصول روند است نه واکنش، و فرآیند

یادگیری جمعی، روح سیاست را زنده نگه می‌دارد. جامعه‌ای که در آن احزاب آزاد و پایدار فعالیت می‌کنند، از چرخه‌ی فرساینده‌ی خطا و تکرار رها می‌شود؛ زیرا تجربه‌ها فراموش نمی‌شوند، بلکه به حافظه‌ی نهادی بدل می‌گردند.

### از دولت محوری به جامعه‌محوری

در نظم سیاسی ایران، دولت هنوز مرکز ثقل همه‌چیز است: منابع، تصمیم‌ها، حتی معناها. تجربه معاصر نشان داده هیچ دولتی، هر قدر نیرومند، نمی‌تواند جای جامعه را پر کند. حکمرانی حزبی، نقطه‌ی گذار از دولت محوری به جامعه‌محوری است. دولت یکی از بازیگران عرصه‌ی عمومی است، نه همه‌ی آن. احزاب، شوراهای، نهادهای مدنی و رسانه‌های مستقل، شبکه‌ای از مسئولیت و نظارت متقابل می‌سازند.

چنین ساختاری عقلانیت قدرت را تضمین می‌کند و مانع تمرکز و فساد می‌شود. در این چارچوب، جامعه به جای مطالبه‌گری صرف، به شراکت در تصمیم‌سازی می‌رسد؛ و سیاست از صحنه فرمان دادن به عرصه‌ی گفت‌وگو تبدیل می‌شود.

### دموکراسی به مثابه فرآیند، نه رویداد

دموکراسی در ایران غالباً به‌عنوان یک «رویداد» تجربه می‌شود: انتخاباتی، مشارکتی، شعاری. اما بدون حزب، این رویدادها به نهاد بدل نمی‌شوند. دموکراسی، در معنای اصیل خود، فرآیند دائمی گفتگو، اصلاح و بازنگری است؛ تنها در قالب حکمرانی حزبی نهادینه می‌شود. حزب، میدان تمرین مسئولیت‌پذیری است. انتخابات بدون حزب به پوپولیسم می‌لغزد، آزادی بیان بدون حزب به پراکندگی صداها ختم می‌شود. حکمرانی حزبی، دموکراسی را از سطح شور به عمق شعور می‌برد.

### جمع‌بندی و چشم‌انداز: از دولت به جامعه، از اقتدار به مشارکت

در افق آینده ایران، حکمرانی حزبی بازسازی شکل دولت نیست، بلکه بازتعریف نسبت قدرت و جامعه است. حزب، نهاد تربیت شهروند و سازمان‌دهی اراده جمعی است، نه ابزار تصرف دولت.

این تحول دگرگونی زبان قدرت است: از فرمان دادن به فهمیدن، از کنترل به اعتماد. حزب، پلی میان ملت و دولت می‌سازد؛ میان خواست و دانش، میان ارزش و تصمیم.

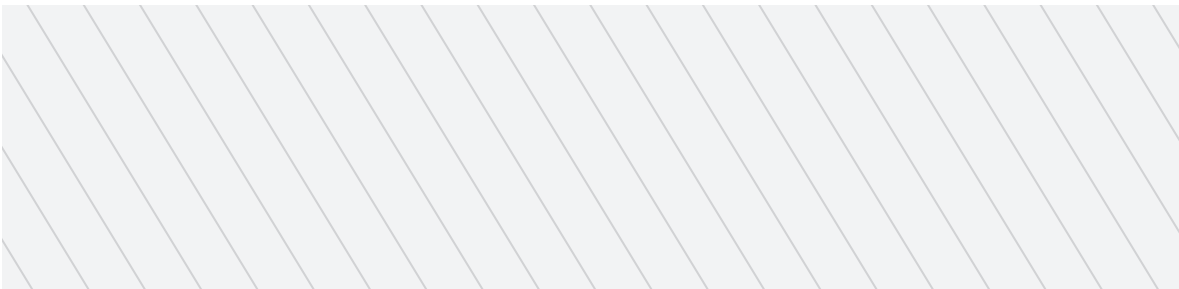
بدون این پیوند، دموکراسی در ایران به مراسمی بی‌جان فرو می‌ریزد. اما با نهادینه شدن حکمرانی حزبی، سیاست خانه عقل می‌شود و قدرت شفاف و پاسخگو.

از حزب مصلحت‌طلب تا حزب معناجو

از حزب شخص‌محور تا حزب اندیشه‌محور

از حزب تابع تا حزب مؤسس

بازسازی آینده ایران از بازسازی حزب آغاز می‌شود و بازسازی حزب، احیای جامعه است.





## طبقات ناراضی در جدال با سرمایه‌داری



علیرضامقدم

جنگ با سرمایه‌داری برخیزد!

در قرن بیستم، دموکراسی‌های صنعتی با ابزارهایی چون مالیات تصاعدی و بیمه‌های اجتماعی، سرمایه‌داری را مهار کردند. اما از دهه ۱۹۸۰ به این سو، با موج نئولیبرالیسم، دوباره توازن برهم خورد. جهانی‌سازی، خصوصی‌سازی و آزادی بازار، اگرچه رشد آورد، اما نابرابری را عمیق‌تر کرد. همان موقع بود که توما پیکتی هشدار داد که بازده سرمایه، از رشد اقتصاد پیشی گرفته؛ یعنی پول برای خودش پول می‌سازد، بی‌آنکه ضرورتی به کار و تولید باشد. این همان نقطه‌ای است که ناراضیتی از طبقه به احساس بی‌معنایی بدل می‌شود.

در جوامع رانتی ما، سرمایه‌داری بیشتر نامی پوشاننده برای رانت‌خواری است. نظام اقتصادی نه شفاف است، نه رقابتی، و نه قابل پیش‌بینی. سرمایه‌دار واقعی، که با کار و دانش پیش می‌رود، دیده نمی‌شود؛ اما نوکیسه‌ی پر سر و صدا در مرکز صحنه است. و چون مرز میان این دو در ذهن مردم پاک شده، نفرت از سرمایه‌داری در کل فوران می‌کند.

مشکل، البته فقط در ساختار نیست. هر شهروند مدرن، به نحوی، شریک این بازی است. ما در شبکه‌ای از مصرف، تبلیغ و مقایسه زندگی می‌کنیم. درون هر یک از ما سرمایه‌داری کوچکی خانه دارد که با حرص، خرید، و رقابت زنده می‌ماند. شاید مبارزه‌ی واقعی از همین‌جا آغاز شود: از مهار سرمایه‌دار درون، از بازگرداندن ارزش به کار و معنا به زندگی.

سرمایه‌داری، نه دشمن است و نه ناجی. همان قدر که می‌تواند ویران‌کننده باشد، می‌تواند بسازد. مسئله این است که چه کسی افسار آن را در دست دارد: انسان یا

پیش از آن که بخواهیم از سرمایه‌داری بگوییم، باید بدانیم دقیقا از از چه حرف می‌زنیم. چرا که باید به تمایز بین «سرمایه‌داری» و «نوکیسه‌گی» اشاره کنیم. سرمایه‌داری حاصل کار، زمین، و انباشت نسل‌هاست؛ ثروتی که آرام و پیوسته از دل تولید برمی‌خیزد. اما نوکیسه‌گی، فرزند نامشروع رانت و رابطه است؛ پولی که ناگهان به دست می‌آید و همان قدر سریع هم اخلاق را می‌بلعد. خودنمایی می‌کند و در مقابل طبقه فقیر صف بندی ایجاد می‌کند! در واقع تفاوت ذاتی این دو، تفاوت تمدن و تصادف است.

با این حال، در ذهن طبقات فرودست، هر دو یکی‌اند! فقیر امروز، چه در کارخانه و چه در خیابان و ادارات سرمایه‌داری را زانو می‌بیند. چرا؟ چون تجربه‌اش از سرمایه، نه در تولید بلکه در انحصار است. او کارآفرین صبور را نمی‌بیند، بلکه مدیر رانتی و دلال سفته‌باز را مشاهده می‌کند! همان کسی او را می‌شناخت که وضعیتی مشابه خودش داشت! در چنین شرایطی و چنین جامعه‌ای، سرمایه از چهره‌ی انسانی‌اش جدا می‌شود و به هیولایی بی‌چهره بدل می‌گردد؛ همان «سرمایه»‌ای که مارکس آن را قدرتی مستقل از انسان می‌دانست.

اما ناراضیتی امروز فقط اقتصادی نیست، بعدی اخلاقی نیز دارد، زیرا که جامعه احساس می‌کند راه‌های مشروع پیشرفت بسته شده است و ثروت، دیگر پاداش کار نیست، بلکه نتیجه‌ی نزدیکی به قدرت است. این احساس، ریشه‌ی مشروعیت هر نظام اقتصادی را می‌سوزاند. انسان فقیر اگر باور کند که زمین بازی منصفانه است، فقر را موقتی می‌بیند؛ اما وقتی عدالت از میان می‌رود، فقر به تحقیر بدل می‌شود. و خود را قربانی این بازی کثیف می‌یابد، بنابراین طبیعی است که به هر شکل و صورتی به

# بين الملل



## پایش گرجستان (۳):

# گرجستان در تقاطع بحران‌ها؛ انتخابات شهرداری و اعتراضات خیابانی



افشین فرهانچی  
دبیر کل حزب اراده ملت ایران

گرجستان، کشوری کوچک در قفقاز با تاریخی پر تلاطم و موقعیت ژئوپلیتیکی حساس، بار دیگر شاهد رویدادهای سیاسی مهم و بحران آفرین است. انتخابات محلی شهرداری‌های این کشور که در ۴ اکتبر ۲۰۲۵ برگزار شد، با پیروزی قاطع حزب حاکم رویای گرجستان همراه بود، اما همزمان اعتراضات گسترده خیابانی نشان داد که فضای سیاسی داخلی همچنان متشنج و پرچالش است.

انتخابات نشان‌دهنده قدرت حزب حاکم و تداوم بحران سیاسی داخلی بود، زیرا تحریم گسترده اپوزیسیون باعث کاهش مشارکت و تضعیف مشروعیت نسبی انتخابات شد.

حزب «رویای گرجستان» موفق شد در سراسر کشور بیش از ۸۰ درصد آرا را به دست آورد. این انتخابات اولین آزمون حزب پس از انتخابات پارلمانی سال گذشته بود که با اتهامات تقلب و اعتراضات خیابانی همراه شد و موجب توقف روند عضویت گرجستان در اتحادیه اروپا شد.

کمیسیون مرکزی انتخابات، روند انتخابات را آرام و مشروع ارزیابی کرد و هیچ شواهد قابل توجهی از تقلب گسترده ارائه نشد. با این حال، برخی احزاب اپوزیسیون طرفدار غرب نتایج را نپذیرفتند و تحریم گسترده‌ای را پیش از انتخابات اعمال کردند. البته شکاف بین احزاب اپوزیسیون نیز مسأله ساز شد. ایشان در انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته توانسته بودن اکثریت آرا را در منطقه تغلیس بدست بیاورند لذا بعضی احزاب بر این گمان بودند که اگر انتخابات تحریم نشود می‌توان شورا و شهرداری تغلیس (مهمترین شهر کشور) را بدست آورد ولی نهایتاً نتوانستند سایر احزاب را به مشارکت در انتخابات راضی نمایند و در تغلیس، کاخا کالادزه از حزب رویای گرجی با حدود ۷۱ درصد آرا دوباره به عنوان شهردار انتخاب شد. با اعلام نتایج، هزاران نفر از طرفداران اپوزیسیون در میدان آزادی تغلیس تجمع کرده و به سمت کاخ ریاست جمهوری حرکت کردند. درگیری میان نیروهای پلیس ضدشورش و معترضان به سرعت شدت گرفت و استفاده از گاز اشک‌آور و خودروهای آب‌پاش برای کنترل اوضاع و جلوگیری از ورود معترضان به کاخ ریاست جمهوری لازم شد. ده‌ها نفر از جمله ۲۱ افسر پلیس و چندین معترض زخمی شدند.

معترضان، عمدتاً با پرچم‌های اتحادیه اروپا و گرجستان، خواستار برگزاری انتخابات مجدد، استعفای دولت و ادامه مسیر پیوستن به اتحادیه اروپا بودند. با این حال، دولت این تحرکات را نه اعتراض مردمی، بلکه تلاشی

انتخابات شهرداری‌های گرجستان در تاریخ ۱۲ مهر ۱۴۰۴ برگزار شد تا شهرداران و اعضای شوراهای محلی در ۶۴ ناحیه انتخاب شوند. این انتخابات در میانه بحران سیاسی ۲۰۲۵-۲۰۲۴، ناشی از اختلافات بر سر نتایج انتخابات پارلمانی ۲۰۲۴ و توقف مذاکرات عضویت در اتحادیه اروپا، برگزار شد.

حزب حاکم رویای گرجی پس از انتخابات پیروزی قاطع خود را اعلام کرد. پس از داده‌های اولیه کمیسیون مرکزی انتخابات، این حزب در هر ۶۴ شهرداری این کشور پیروز شد. از سوی دیگر، دولت اقدامات سرکوبگرانه‌ای علیه نامزدهای مخالف و سازمان‌های جامعه مدنی انجام داد و بسیاری از احزاب مخالف، از جمله دو ائتلاف اصلی، انتخابات را تحریم کردند.

انتخابات بر اساس قانون سال ۲۰۱۷ برگزار شد، با اصلاحاتی که در سال‌های بعد، به‌ویژه در ۲۰۲۱، اعمال شد. انتخابات شامل انتخاب ۲۰۶۸ عضو شورا و ۶۴ شهردار بود. سیستم دومرحله‌ای و کاهش حد نصاب رأی از جمله تغییرات مهم بود.

اکثر احزاب مخالف مانند وحدت، میدان آزادی، برای مردم و فدرالیست‌ها شرکت در انتخابات را رد کردند و خواستار برگزاری انتخابات پارلمانی زود هنگام و آزادی زندانیان سیاسی بودند. برخی احزاب، مانند گرجستان نیرومند و برای گرجستان، ابتدا به مشارکت در انتخابات امیدوار بودند، اما پس از بررسی شرایط، برخی ائتلاف‌های مشترک تشکیل دادند تا نامزدهای مشترک معرفی کنند.

حزب حاکم، با پروژه‌های عمرانی و توسعه‌ای مانند بازگشت تراموا به تغلیس، تلاش کرد محبوبیت خود را افزایش دهد. اپوزیسیون نیز با دیدارهای بین‌المللی و ارائه برنامه‌های مشترک، به دنبال جلب حمایت خارجی بود. گرچه حزب «رویای گرجی» با بیش از ۸۰ درصد آرا در اکثر مناطق پیروز شد اما میزان مشارکت در انتخابات فقط ۴۱ درصد بود. این



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۹۹

۱۰ آبان سال ۱۴۰۴



سازماندهی شده برای براندازی حکومت از طریق خشونت خیابانی توصیف کرد.

وزارت کشور گرجستان اعلام کرد پنج عضو اپوزیسیون از جمله پاتا بور چولادزه، خواننده و فعال سیاسی شناخته شده، به اتهام برنامه‌ریزی برای سرنگونی خشونت‌آمیز دولت و تحریک به شورش بازداشت شده‌اند. این افراد متهم به رهبری اقداماتی برای تصرف کاخ ریاست‌جمهوری و تغییر نظم قانون اساسی از طریق خشونت خیابانی هستند. معاون وزیر کشور افزود که معترضان پیش از انتخابات نیز در نشست‌هایی موسوم به «مجلس ملی» از مردم خواسته بودند تا قدرت را از دولت پس بگیرند.

علاوه بر بحث انتخابات، معرفی مجدد قانون موسوم به «عوامل خارجی» از سوی حزب «رؤیای گرجستان» نیز مسئله‌ساز است. بسیاری از مردم گرجستان این قانون را به شکل روتین «قانون روسیه» می‌نامند؛ چرا که از روی قانونی الگوبرداری شده است که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در سال ۲۰۱۲ با مهر خود در دوما تصویب کرد تا به سرکوب جامعه مدنی کمک کند.

یکی از ابعاد مهم بحران جاری، نقش رقابت‌های ژئوپلیتیکی در گرجستان است. دولت بارها نسبت به دخالت خارجی هشدار داده و اتحادیه اروپا را به حمایت از اپوزیسیون متهم کرده است. نخست‌وزیر ایراکلی کوباخیدزه این تحریکات را کودتای برنامه‌ریزی شده توسط سرویس‌های اطلاعاتی خارجی توصیف کرد. سفیر اتحادیه اروپا و برخی مقام‌های اروپایی نیز متهم به اتخاذ مواضع دوگانه و تشویق معترضان شده‌اند. این موضع‌گیری باعث افزایش شکاف میان گرجستان و بروکسل شده و

نشان‌دهنده پیچیدگی تعاملات داخلی و خارجی کشور است. گرجستان از سال‌ها پیش برای پیوستن به اتحادیه اروپا تلاش می‌کند، اما فشارهای خارجی و ملاحظات داخلی روند این مسیر را پیچیده کرده است. در نوامبر ۲۰۲۴، دولت اعلام کرد مذاکرات عضویت اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۲۸ به تعویق می‌افتد. این تصمیم باعث شکاف میان دولت گرجستان و بروکسل شد و یکی از دلایل اصلی اعتراضات خیابانی عنوان شد. دولت اعلام کرده است که این تعلیق برای حفظ استقلال ملی و مدیریت اصلاحات داخلی بدون فشار خارجی ضروری است و هدف آن جلوگیری از تحمیل ارزش‌ها و سیاست‌هایی است که با هویت سنتی و فرهنگی گرجستان سازگار نیست.

این کشور در منطقه‌ای حساس واقع شده و همواره در تقاطع رقابت‌های شرق و غرب است. روسیه با کنترل مناطقی مانند آبخازیا و اوستیای جنوبی نفوذ خود را حفظ می‌کند، در حالی که غرب از طریق حمایت سیاسی و اقتصادی تلاش دارد گرجستان را به مدار خود جذب کند. این رقابت‌ها موجب قطبی شدن فضای سیاسی داخلی و پیچیده‌تر شدن بحران‌ها شده است.

گرجستان اکنون با مجموعه‌ای از بحران‌ها مواجه است:

- بی‌ثباتی سیاسی و نارضایتی بخشی از جامعه
- فشارهای خارجی و رقابت ژئوپلیتیکی
- مشکلات ساختاری داخلی از جمله فساد و ضعف نهادهای دموکراتیک

کارشناسان هشدار می‌دهند که اگر کشور نتواند تعادل دیپلماتیک میان شرق و غرب را حفظ و فضای سیاسی داخلی را آرام کند، خطر ورود به بحران‌های عمیق‌تر بسیار جدی خواهد بود.



انتخابات شهرداری‌های ۲۰۲۵ گرچه با پیروزی حزب حاکم به پایان رسید، اما اعتراضات و بازداشت‌ها نشان داد فضای سیاسی گرجستان هنوز متشنج و شکننده است. حدود ۵۹٪ مردم در این انتخابات شرکت نکردند و ۹ حزب انتخابات را تحریم نمودند لذا مشروعیت انتخابات به نوعی زیر سوال رفت. رقابت‌های داخلی، فشارهای خارجی و تنش‌های ژئوپلیتیکی شرایطی پرجاش برای آینده این کشور رقم زده است. دولت باید ضمن حفظ ثبات، اصلاحات بنیادین را پیش ببرد و از تبدیل شدن گرجستان به صحنه‌ای برای بازی قدرت‌های بزرگ جلوگیری کند.

### احزاب شرکت کننده در انتخابات

حزب/ائتلاف	رهبران	ایدئولوژی
۱ رویای گرجستان	ایراکلی کوباخیدزه	محافظه کاری، پوپولیسم، یورو-اسکتیسیسم
۲ گرجستان نیرومند	مامو کاخازارادزه	لیبرالیسم، طرفداری از اروپا
۳ برای گرجستان	گیورگی گاخاریا	سوسیال دموکراسی، طرفداری از اروپا
۴ مرکز سیاسی جدید - گبرچی	یاگو خویچیا	لیبرترین راست گرا
۵ ائتلاف میهن پرستان گرجستان	داویت تارخان-هوراوی	محافظه کاری ملی، پوپولیسم راست، بی طرفی
۶ محافظه کاران برای گرجستان	گیورگی کارداوا	محافظه کاری ملی، پوپولیسم راست، روسوفیلی
۷ حزب سبزیهای گرجستان	گیورگی گاچچیلادزه	سیاست‌های سبز
۸ گرجستان آزاد	کاخاکو کاوا	محافظه کاری
۹ وطن، زبان، ایمان	زاور خاچیدزه	ملی گرایی
۱۰ قدرت مردم	مارینا کورادزه	-

### احزاب تحریم کننده انتخابات

حزب	رهبران	ایدئولوژی
آحالی	نیکا گوارامیا، نیکا امیلیا	لیبرالیسم، طرفدار اروپایی بودن
دروا	الینه خوشتاریا	لیبرالیسم، طرفدار اروپایی بودن
گرجستان اروپایی	آکاکی بوخیدزه	لیبرالیسم، طرفدار اروپایی بودن
فدرالیست‌ها	گیگایو کریا	لیبرالیسم کلاسیک، طرفدار اروپایی بودن
برای مردم	آنادولیدزه	سوسیال دموکراسی، طرفدار اروپایی بودن
میدان آزادی	لووان تسوتسکیریدزه	لیبرالیسم اجتماعی، طرفدار اروپایی بودن
گبرچی - آزادی بیشتر	زوراب جاپاریدزه	لیبرتاریانیسم راست، طرفدار اروپایی بودن
استراتژی آغشتنبلی	گیورگی واشادزه	لیبرالیسم، طرفدار اروپایی بودن
جنبش ملی متحد	تیناتین یوکوچاوا	محافظه کاری لیبرال، طرفدار اروپایی بودن

### ضمیمه ۱: جمهوری خودمختار آبخازیا: تاریخچه، وضعیت سیاسی و انتخابات ۲۰۲۵



در سال ۲۰۲۵، انتخابات ریاست جمهوری آبخازیا برگزار شد که تحولات مهمی را در عرصه داخلی و روابط خارجی این جمهوری به همراه داشت. آبخازیا با تاریخی کهن، از دوران پیشاتاریخ تا دوران معاصر،

آبخازیا، منطقه‌ای در سواحل دریای سیاه، از سال ۱۹۹۹ خود را به عنوان جمهوری مستقل اعلام کرده است. با وجود حمایت‌های محدود بین‌المللی، به ویژه از سوی روسیه، این منطقه همچنان تحت فشارهای سیاسی و اقتصادی قرار دارد.



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۹۹

۱۰ آبان سال ۱۴۰۴





همواره نقش مهمی در تحولات قفقاز جنوبی ایفا کرده است. در قرون وسطی، این منطقه بخشی از پادشاهی‌های گرجستان بود و در دوره‌های مختلف تحت تأثیر امپراتوری‌های مختلف قرار گرفت. در قرن شانزدهم، با نفوذ امپراتوری عثمانی، تحولات فرهنگی و مذهبی در این منطقه آغاز شد. در دوران شوروی، آبخازیا به‌عنوان جمهوری خودمختار در داخل گرجستان شوروی قرار داشت و پس از فروپاشی شوروی، تنش‌ها میان آبخازیا و گرجستان افزایش یافت. در سال ۱۹۹۳، پس از جنگی خونین، آبخازیا اعلام استقلال کرد که تاکنون تنها تعداد محدودی از کشورها این استقلال را به رسمیت شناخته‌اند.

آبخازیا به‌عنوان یک جمهوری خودخوانده، با چالش‌های متعددی در زمینه حکمرانی، اقتصاد و روابط بین‌المللی مواجه است. حمایت روسیه از این جمهوری، به‌ویژه در زمینه‌های نظامی و اقتصادی، همچنان ادامه دارد. با این حال، برخی از شهروندان آبخازی از نفوذ بیش از حد روسیه انتقاد دارند و خواستار حفظ هویت ملی و استقلال بیشتر هستند.

انتخابات ریاست‌جمهوری آبخازیا در ۱۵ فوریه ۲۰۲۵ برگزار شد. در این انتخابات، بدرا گونبا، رئیس‌جمهور موقت و معاون سابق، با کسب ۵۵.۶۶ درصد آرا در دور دوم، به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید انتخاب شد. رقیب اصلی او، آدگور آردزینبا، رهبر جنبش

## ضمیمه ۲: جمهوری خودمختار اوستیای جنوبی



مردم آبخازیا، ۴۲.۲۵ درصد آرا را کسب کرد. این انتخابات پس از استعفای رئیس‌جمهور پیشین، آسلان بجانیا، در پی اعتراضات گسترده برگزار شد. اعتراضات به‌ویژه به توافقات اقتصادی با روسیه و نگرانی‌های مربوط به افزایش نفوذ مسکو در آبخازیا مرتبط بود.

در انتخابات ۲۰۲۵، چندین حزب و ائتلاف سیاسی در عرصه حضور داشتند:

بدرا گونبا: رئیس‌جمهور موقت و معاون سابق، با حمایت از ائتلاف‌هایی مانند "آیتابرا"، "آمتسخارا" و "آپسادیل".

آدگور آردزینبا: رهبر جنبش مردم آبخازیا، با حمایت از ائتلاف‌هایی مانند "آماتا"، "آیاییرا" و "آپسنی".

این احزاب و ائتلاف‌ها در مسائل مختلفی مانند روابط با روسیه، اقتصاد و هویت ملی دیدگاه‌های متفاوتی دارند.

روابط نزدیک آبخازیا با روسیه، به‌ویژه در زمینه‌های نظامی و اقتصادی، همچنان ادامه دارد. در دیدار با رئیس‌جمهور جدید، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، از ادامه تأمین برق به آبخازیا و حفظ تابعیت روسی برای شهروندان آبخازی خبر داد. با این حال، بحران انرژی ناشی از کاهش سطح آب در سدها و استخراج غیرقانونی رمزارزها، چالش‌هایی را برای این جمهوری به همراه داشته است.

در سال‌های اخیر، مقامات اوستیای جنوبی اعلام کرده‌اند که قصد دارند به‌طور رسمی به فدراسیون روسیه ملحق شوند، اما این درخواست‌ها با مخالفت‌های بین‌المللی مواجه شده است.

در اوستیای جنوبی، احزاب سیاسی به‌طور عمده تحت حمایت یا هدایت روسیه فعالیت می‌کنند. از جمله احزاب برجسته می‌توان به حزب «وحدت» اشاره کرد که در گذشته نقش مهمی در سیاست‌های داخلی این منطقه ایفا کرده است. با این حال، به دلیل نبود انتخابات آزاد، فعالیت‌های حزبی در این منطقه محدود و تحت کنترل شدید است.

آخرین انتخابات پارلمانی در اوستیای جنوبی در تاریخ ۹ ژوئن ۲۰۲۴ برگزار شد. در این انتخابات، حزب «نیکهاس» به رهبری رئیس‌جمهور آن گالوف با کسب ۳۰.۵۹ درصد آرا، ۱۰ کرسی از ۳۴ کرسی پارلمان را به دست آورد. حزب «اوستیا» با کسب ۳۱.۷۵ درصد آرا، ۷ کرسی را از آن خود کرد. حزب «مردم» نیز ۵ کرسی و حزب «کمونیست» ۳ کرسی به دست آوردند. با این حال، این انتخابات از سوی گرجستان و جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخته نشده و به‌عنوان بخشی از خاک گرجستان محسوب می‌شود.

این جمهوری در منطقه قفقاز جنوبی واقع شده است و از نظر بین‌المللی به‌عنوان بخشی از گرجستان شناخته می‌شود. این منطقه پس از جنگ ۲۰۰۸ گرجستان و روسیه، که منجر به استقلال اعلامی اوستیای جنوبی شد، تحت کنترل روسیه قرار گرفت و از آن زمان به‌عنوان یک منطقه مورد مناقشه باقی مانده است.

اوستیای جنوبی در دوران شوروی به‌عنوان یک منطقه خودمختار در داخل جمهوری سوسیالیستی گرجستان قرار داشت. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تنش‌ها میان گرجستان و اوستیای جنوبی افزایش یافت و در نهایت در سال ۱۹۹۲ جنگی میان دو طرف در گرفت که به دنبال آن اوستیای جنوبی اعلام استقلال کرد. در سال ۲۰۰۸، پس از جنگ پنج‌روزه میان گرجستان و روسیه، روسیه استقلال اوستیای جنوبی را به رسمیت شناخت و از آن زمان نیروهای نظامی روسیه در این منطقه مستقر هستند.

اوستیای جنوبی از نظر سیاسی تحت نفوذ و کنترل روسیه قرار دارد. این منطقه از زمان استقلال اعلامی، هیچ‌گونه انتخابات آزاد و عادلانه‌ای برگزار نکرده است و نهادهای دولتی آن تحت نظارت مستقیم مسکو فعالیت می‌کنند.

# مدار توسعه



## انقلاب وسطی (وسطا) پیش در آمد



علیرضا مقدم



هفته‌نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۹۹

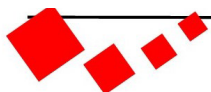
۱۰ آبان سال ۱۴۰۴

این کتاب تلاش می‌کند تا پرده از این واقعیت بردارد و راهکارهای عملی و نظری برای بازتوانی مدیران میانی ارائه دهد. ما شاهد ادارات و وزارتخانه‌هایی هستیم که در ظاهر کار می‌کنند، اما در واقع با پرونده‌های ناتمام، تصمیم‌های نیمه‌تمام و سیستم‌های ناکارآمد، هر روز فرصتی برای توسعه از دست می‌رود. حتی کوچک‌ترین اصلاحات اجتماعی، اقتصادی یا آموزشی بدون حمایت و توانایی این طبقه، محکوم به شکست است.

در هر جامعه‌ای، تغییرات بنیادین نه از رأس هرم بلکه از میان بدنه‌ی اجرایی شکل می‌گیرد. در ایران امروز، این واقعیت تلخ به وضوح قابل مشاهده است: هر دولت یا سیاستی که بر روی کاغذ، به لحاظ نظری، درخشان باشد، در عمل با انبوهی از مدیران و کارمندان میانی روبرو می‌شود که نه انگیزه دارند، نه ابزار و نه گاهی دانش کافی برای اجرای آن سیاست‌ها. نتیجه آشکار است: اصلاحات نیمه‌تمام، برنامه‌هایی روی کاغذ و وعده‌هایی که فقط توقعات مردم را به جای اجابت بیشتر می‌کند!

«انقلاب وسطی» یا همان «انقلاب در لایه‌های میانی» دقیقاً به همین نقطه اشاره دارد. ایده ساده اما جسورانه است: تا زمانی که کارمندان و مدیران میانی توانمند، پاسخگو و شایسته نباشند، هیچ اصلاحاتی در رأس قدرت نمی‌تواند به نتیجه برسد. این طبقه میانی است که تصمیمات و برنامه‌ها را عملیاتی می‌کند، حلقه پیوند بین سیاست‌گذاران و جامعه است و در عمل، سرنوشت شهروندان را رقم می‌زند. بی‌انگیزگی، فساد، دلالت صفتی و بی‌سوادی این لایه، مهم‌ترین سد راه هر تحول واقعی در کشور شده است.

بررسی نقش مدیران و کارمندان میانی در اجرای سیاست‌های کلان





هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۹۹

۱۰ آبان سال ۱۴۰۴

اما «انقلاب وسطی» تنها تحلیل و انتقاد نیست؛ برنامه‌ای عملی نیز دارد. باز توانی مدیران میانی باید شامل آموزش مستمر، تعریف شاخص‌های عملکرد (KPI)، شفاف‌سازی وظایف، تقویت پاسخگویی و ایجاد مکانیزم‌های مردمی کنترل باشد. طراحی پایلوت در چند وزارتخانه یا اداره کل، سنجش اثر و سپس تعمیم ملی، مسیر پیشنهادی برای تحقق این انقلاب است. این نه تنها یک پروژه اداری است، بلکه یک پروژه اجتماعی و اخلاقی برای احیای اعتماد عمومی و بازگرداندن امید به جامعه ایرانی است. در نهایت، «انقلاب در لایه‌های میانی» یعنی باور به این حقیقت که هیچ تغییر واقعی بدون باز توانی بدنه میانی ممکن نیست. این انقلاب نه به معنی شورش یا بحران، بلکه به معنای باز تعریف شایستگی، پاسخگویی و اخلاق حرفه‌ای است. هر تصمیم‌گیرنده‌ای، از رئیس‌جمهور تا مدیر میانی یک اداره، باید بداند که تحول واقعی از همین نقطه آغاز می‌شود و تنها کسانی که جسارت شروع آن را دارند، می‌توانند تاریخ‌ساز شوند.

### نگاهی راهبردی به باز توانی نظام مدیریتی به عنوان ضرورت ملی

پیش‌درآمد این کتاب، خواننده را دعوت می‌کند تا با نگاهی تازه، مشکل اصلی ایران را درک کند و آماده شود برای همراهی با راهکارهای عملی و نظری که در فصل‌های بعدی ارائه خواهد شد. «انقلاب وسطی» نه شعار است و نه ایده‌ای رویایی؛ بلکه یک ضرورت ملی برای ایران امروز است، برای مردمی که سال‌ها در انتظار تغییر و امید به سر می‌برند و برای مدیرانی که باید از خواب بیدار شوند و به جایگاه واقعی خود بازگردند.

در این مسیر، توجه ویژه به «طبقه متوسط» ضروری است. این طبقه نه تنها ستون فقرات اقتصادی و اجتماعی کشور است، بلکه عمده مدیران میانی نیز از همین طبقه برآمده‌اند. بنابراین «انقلاب وسطی» همزمان دو هدف را دنبال می‌کند: تقویت شایستگی، انگیزه و پاسخگویی مدیران میانی و احیای نقش طبقه متوسط به‌عنوان پیش‌شان توسعه ملی. این دو اقدام به هم پیوسته، می‌تواند موتور واقعی تغییر در ایران را به حرکت درآورد.

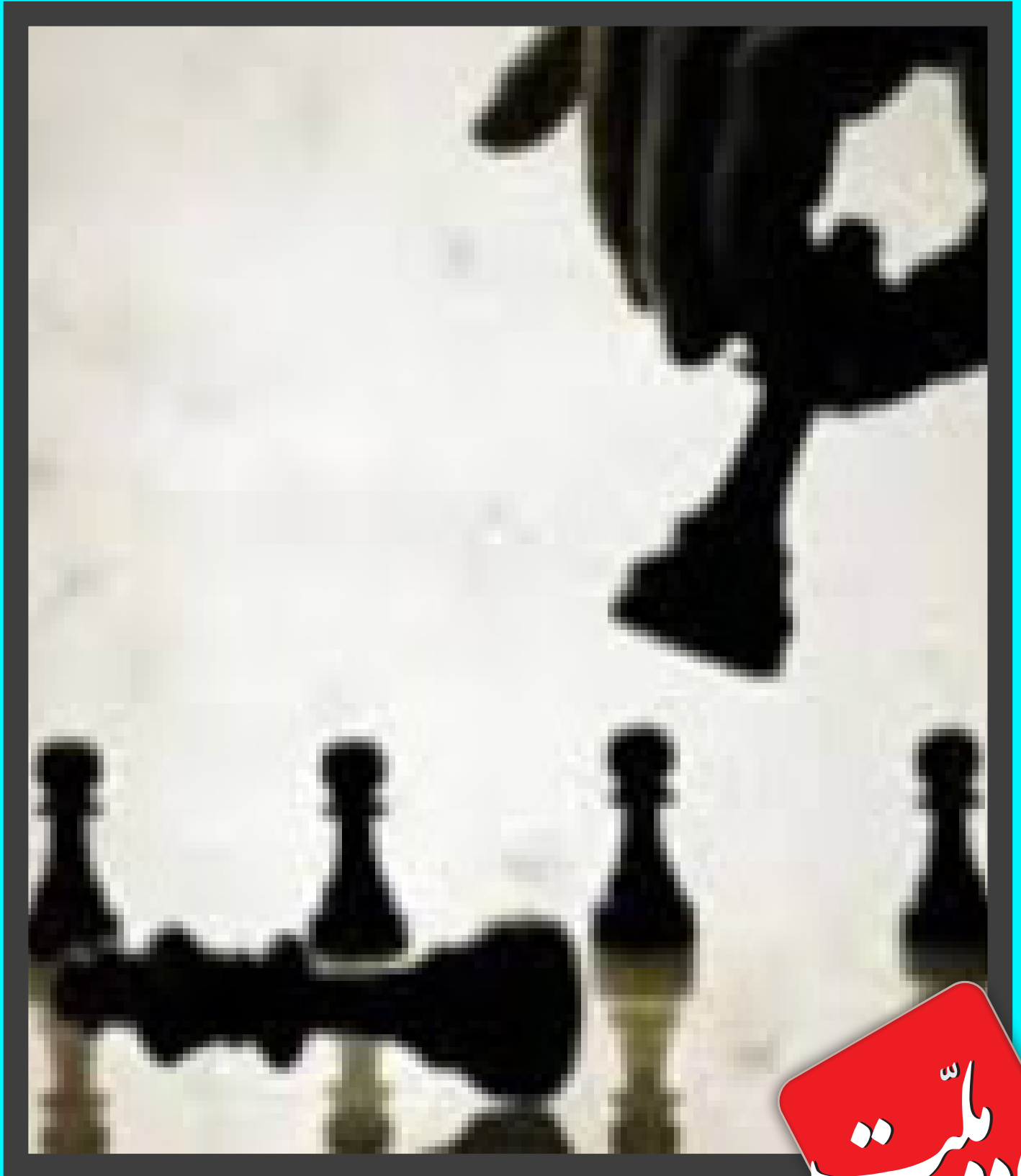
### واکاوی ساختارهای بروکراتیک و فرهنگ سازمانی باز دارنده

چرا تاکنون چنین تحولی محقق نشده است؟ پاسخ ساده اما تلخ است: ساختارهای اداری و بروکراسی فعلی، میراثی از مدل‌های قدیمی است که با فرهنگ سازمانی ناکارآمد، حقوق و مزایای نامناسب و کمبود شفافیت، رشد فساد و بی‌انگیزگی را تشویق می‌کند. تغییر دولت‌ها تنها سطح ظاهری این مشکل را لمس می‌کند؛ در حالی که هسته بحران در بدنه میانی باقی می‌ماند. حتی برنامه‌های عالی اقتصادی و طرح‌های رفاهی، اگر از این حلقه عبور نکنند، بی‌اثر خواهند ماند.

این کتاب، بر اساس تجربه‌های میدانی، مصاحبه‌ها، مطالعات موردی و پژوهش‌های طولانی، تصویری روشن از این بحران ارائه می‌دهد. روایت‌ها و داده‌ها نشان می‌دهد که بی‌انگیزگی و فساد نه تنها به زیان دولت‌هاست، بلکه به زیان شهروندان و اقتصاد ملی تمام می‌شود. در عین حال، نمونه‌هایی از کشورها و مناطق موفق نیز بررسی شده‌اند که چگونه باز توانی مدیران میانی و بهره‌گیری از طبقه متوسط، باعث پیشرفت چشمگیر شده است.



سیاست





## از برجام تا بازگشت تحریم‌ها؛ روایت ناتمام دیپلماسی و منطق قدرت



محمد حسین واحدی



نبود، چون کشورهای غربی از نظر تعداد و لابی‌های قدرتمند، به‌ویژه آمریکایی‌ها، در شورای امنیت دست بالا را دارند. در کنار این ساختارهای رسمی، برخی کشورها هم به شکل مستقل علیه ایران اقدام می‌کنند و نیروهای نظامی ما را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار می‌دهند. کشورهایی مثل پاراگوئه، استرالیا و دیگران از جمله این مواردند. مجموعه این اقدامات، زمینه بازگشت تحریم‌های سنگین و حتی احتمال درگیری نظامی میان ایران و اسرائیل را فراهم کرده است. اما پرسش مهم اینجاست: چطور چنین بندی وارد برجام شد؟ و فعال شدن آن چه پیامدهایی برای ایران دارد؟ محمدجواد ظریف در سال ۱۳۹۸ گفته بود که مکانیسم ماشه در متن اولیه برجام وجود نداشت. اما بعدها اشاره کرد که در لحظات پایانی، فردی به نام فرانچسکو بندی را به توافق اضافه کرده است؛

**مکانیسم ماشه بار دیگر به نماد تناقض‌های سیاست بین‌الملل بدل شده است؛ سازوکاری که در ظاهر برای حفظ توافق طراحی شد، اما در عمل ابزار فشار مضاعف بر ایران گشت. اکنون، بازخوانی مسیر برجام تا امروز، نه تنها بازنگری در دیپلماسی، بلکه واکاوی نسبت ما با ساختار قدرت جهانی را ضروری می‌کند.**

مکانیسم ماشه، بندی در برجام است که درست مثل شلیک یک تفنگ، به صورت خودکار تحریم‌ها را بازمی‌گرداند. این بند طوری طراحی شده که با یک فرمان، بدون نیاز به رأی‌گیری در شورای امنیت، فقط با یک مشورت، تحریم‌ها فعال می‌شوند؛ حتی وتوی روسیه و چین هم تأثیری ندارد. در قطعنامه اخیر، علاوه بر روسیه و چین، الجزایر و پاکستان هم مخالفت کردند، اما باز هم کارساز



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۹۹

۱۰ آبان سال ۱۴۰۴



بندی که عملاً دست طرف غربی را باز گذاشته است. به نظر من، این بند احتمالاً همان اختیارات گسترده‌ای است که حالا تحت عنوان مکانیسم ماشه شناخته می‌شود.

در هر حال، آنچه رخ داده نتیجه تصمیم جمعی تیم مذاکره‌کننده است و نمی‌توان تقصیر را به گردن فرد خاصی انداخت. اگر در آن زمان توافق محکم‌تری بسته می‌شد و پارلمان آمریکا هم آن را تأیید می‌کرد، شاید ترامپ بعدها نمی‌توانست به راحتی از آن خارج شود. در ماه‌های اخیر، از سخنان سناتور مارکو روبیو و دیگر مقامات آمریکایی می‌توان این نتیجه را گرفت که هدف اصلی آن‌ها، چیزی جز «تسلیم کامل ایران» نیست. چرا که اکنون مسئله موشکی هم به میز مذاکرات اضافه شده و حتی پیشنهادهایی مثل تشکیل کنسرسیوم هسته‌ای فقط برای خریدن زمان است، نه برای حل مشکل. اسرائیل و کشورهای اروپایی در جنگ ۱۲ روزه دیدند که موشک‌های ایرانی چه قدرتی دارند و حالا با هر نوع توان موشکی ایران مخالف‌اند. طبق بندهای قطعنامه ۲۲۳۱، هر آزمایش موشکی با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای، نقض برجام محسوب می‌شود اگر این دو گزاره را کنار هم بگذاریم، تصویر روشنی از نیت آن‌ها به دست می‌آید.

اما فعال‌شدن مکانیسم ماشه چه تبعاتی برای ایران دارد؟ اولین پیامد آن بازگشت تحریم‌های گسترده است، ولی ما پیش‌تر هم تحت سنگین‌ترین تحریم‌های تاریخ قرار داشتیم. تا پیش از جنگ

روسیه و اوکراین، ایران تحریم‌شده‌ترین کشور جهان بود و پس از آن، فقط جای خود را به روسیه داد. بنابراین، فعال‌شدن ماشه بیش از آنکه تحریم جدیدی بیاورد، ایران را بیش‌تر منزوی و خطرناک جلوه خواهد داد.

در این وضعیت، برخی کشورهای اروپایی حتی می‌توانند به‌استناد قطعنامه‌های پیشین، اجازه فرود به هواپیماهای ایرانی ندهند یا آن‌ها را بازرسی کنند. طبق قطعنامه ۱۹۲۹، کشورها در صورت لزوم مجازند محموله‌های ورودی و خروجی ایران را بازرسی نمایند. بیشتر این قطعنامه‌ها در دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد صادر شد؛ همان زمانی که او تحریم‌ها را «کاغذپاره» می‌نامید و از «چهارراه دنیا بودن ایران» سخن می‌گفت، بی‌آنکه به ضعف زیرساخت‌های صنعتی و مدیریت ناکارآمد اشاره کند. ضعف‌هایی که هنوز هم مانع استفاده موثر از موقعیت ژئوپولیتیک و منابع انرژی کشورند.

در نهایت، می‌توان گفت مکانیسم ماشه همان «گلوله آخر در تفنگ اروپا» است که شلیک آن، پیش از پایان مهلت، آغازگر مرحله‌ای خطرناک خواهد بود؛ مرحله‌ای که ممکن است ایران را به سمت درگیری مستقیم با اسرائیل یا بحران‌های داخلی و اقتصادی جدی‌تر بکشانند.

برای مقابله با این وضعیت، ایران باید پیش از هر چیزی، در سیاست‌های اقتصادی و نظامی خود بازنگری کند و عوامل بازدارنده واقعی را تقویت نماید؛ تنها در این صورت است که می‌توان از «شلیک دوم» جلوگیری کرد.



## مکانیسم ماشه: «مرگ تدریجی امید در پازلی از تحریم و بحران»



علی اسدیان  
دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی



بازآرایی اضطراری قرار خواهد گرفت.

درک پیامدهای فعال شدن مکانیسم ماشه مستلزم تحلیل سطوح متداخل اثرگذاری آن است. نخست، در سطح سیاسی داخلی، پیامد اولیه این رویداد تحکیم گفت‌وگوهای امنیتی و ایدئولوژیک در رأس ساختار قدرت است. تجربه‌های پیشین تحریمی نشان می‌دهد که در زمان بحران خارجی، دولت‌ها گرایش به تمرکز قدرت، محدودسازی فضای رسانه‌ای و تقویت سازوکارهای کنترلی دارند تا از شکل‌گیری ناهمخوانی‌های داخلی و اعتراضات اجتماعی پیش‌گیری کنند. در این شرایط، روایت مقاومت و مظلوم‌نمایی در برابر فشارهای بین‌المللی، به‌عنوان ابزاری برای کسب مشروعیت مجدد مورد استفاده قرار می‌گیرد و تلاش می‌شود انسجام درونی از طریق برساخت دشمن خارجی بازتولید گردد. اما این انسجام معمولاً کوتاه‌مدت، شکننده و تابع متغیرهای اقتصادی است. به‌محض آن که آثار اقتصادی تحریم‌ها در سطح معیشت عمومی ظاهر شود، همبستگی اجتماعی کاهش یافته و شکاف‌های درون‌ساختاری نظام سیاسی دوباره سر باز می‌کنند.

فعال شدن مکانیسم ماشه علیه ایران، بیش از آن که صرفاً یک رویداد حقوقی یا فنی در چارچوب سازوکارهای شورای امنیت سازمان ملل باشد، به‌مثابه یک لحظه ژئوپولیتیکی پیچیده تلقی می‌شود که در هم‌تنیدگی سطوح حقوقی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی درون و بیرون کشور را به نمایش می‌گذارد. تأثیر این اتفاق نه‌تنها در متن مناسبات دیپلماتیک ایران با بازیگران جهانی بازتاب دارد، بلکه مستقیماً بر معیشت شهروندان، تعادل نیروهای سیاسی داخلی، سیاست‌گذاری اقتصادی، روابط منطقه‌ای و حتی شکل‌گیری افکار عمومی در داخل مرزهای ملی اثرگذار خواهد بود. مکانیسم ماشه به‌عنوان ابزاری برای بازگرداندن تحریم‌های تعلیق‌شده ذیل برجام، اساساً نماد شکست فرآیندهای دیپلماتیکی است که با امضای برجام در سال ۲۰۱۵ آغاز شد و طی سال‌های بعد، به‌واسطه خروج یک‌جانبه ایالات متحده و ناتوانی اروپا در جبران خسارات آن، به مرحله‌ای از فرسایش رسیده بود. اکنون، با فعال شدن این مکانیسم، عملاً ایران در وضعیت بازگشت به ساختار تحریم‌های پیش از برجام قرار می‌گیرد؛ ساختاری که در آن، نه تنها دولت بلکه کل ساختار اجتماعی-اقتصادی کشور در معرض اختلال و



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۹۹

۱۰ آبان سال ۱۴۰۴



نقش آفرینی گروه‌های مختلف سیاسی در برابر این وضعیت تابع وزن‌گیری آن‌ها از نسبت هزینه-فایده تداوم تنش یا بازگشت به مذاکره است. جریان‌هایی که پیش از این، بر تعامل با غرب و مزایای اقتصادی ناشی از آن تأکید داشتند، در فضای سیاسی جدید به حاشیه رانده می‌شوند و زمینه برای تقویت جناح‌هایی فراهم می‌شود که اصرار بر خودکفایی، نگاه به شرق و اقتصاد مقاومتی دارند. این جابه‌جایی گفتمانی، در سیاست‌گذاری اقتصادی نیز بازتاب می‌یابد. اولویت‌ها از توسعه صادرات به سمت تأمین کالاهای اساسی و مدیریت بحران ارزی حرکت می‌کند. در این وضعیت، اغلب برنامه‌های توسعه‌ای به حالت تعلیق در می‌آیند و اقتصاد کشور وارد فاز بقا و تثبیت حداقلی می‌شود. در سطح اقتصادی، فعال شدن مکانیسم ماشه تبعاتی به مراتب گسترده‌تر از تحریم‌های مقطعی دارد، زیرا با احیای تحریم‌های چندجانبه شورای امنیت، زمینه برای اجماع جهانی علیه ایران تسهیل می‌شود. بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، کشتیرانی بین‌المللی و شرکت‌های چندملیتی که حتی در دوران پساجرام نیز با احتیاط با ایران همکاری می‌کردند، با بازگشت فضای تحریمی، به‌طور کامل از هرگونه تعامل مالی و تجاری خارج می‌شوند. نتیجه مستقیم این وضعیت، محدود شدن دسترسی دولت به منابع ارزی حاصل از صادرات نفت، کاهش واردات کالاهای حیاتی، افزایش نرخ ارز، تشدید تورم و عمیق‌تر شدن رکود است. برای کشوری که همچنان بخش زیادی از بودجه عمومی آن وابسته به درآمدهای نفتی است، محدود شدن فروش نفت در بازارهای جهانی به معنای افزایش کسری بودجه، کاهش سرمایه‌گذاری دولتی و در نتیجه، بروز بحران‌های زنجیره‌ای در حوزه‌های عمرانی، اجتماعی و صنعتی است. افزایش نرخ ارز که هم‌زمان با کاهش درآمدهای ارزی اتفاق می‌افتد، سبب بالا رفتن قیمت کالاهای وارداتی می‌شود؛ این مسأله نه تنها کالاهای مصرفی بلکه دارو، تجهیزات پزشکی و نهادهای تولیدی را نیز شامل می‌شود. تورم ناشی از این وضعیت، تأثیر مستقیمی بر قدرت خرید اقشار متوسط و پایین دارد و در فقدان سیاست‌های جبرانی مؤثر، احتمال بازتولید فقر ساختاری و گسترش حاشیه‌نشینی وجود دارد. افزون بر این، در چنین شرایطی، احتمالاً نرخ بیکاری افزایش می‌یابد چرا که بسیاری از واحدهای تولیدی کوچک و متوسط به دلیل افزایش هزینه‌های واردات مواد اولیه و کاهش تقاضای داخلی، قادر به ادامه فعالیت نخواهند بود. رشد بخش غیررسمی اقتصاد و افزایش اشتغال غیررسمی از دیگر پیامدهای محتمل خواهد بود که خود به کاهش درآمدهای مالیاتی دولت، تضعیف نظام تأمین اجتماعی و گسترش ناامنی شغلی منجر می‌شود.

هم‌زمان با تشدید فشارهای اقتصادی، افکار عمومی داخلی نیز وارد فاز جدیدی از بحران اعتماد خواهد شد. پیش‌تر، توافق برجام برای بسیاری از شهروندان به مثابه راه نجات از تنگناهای اقتصادی تلقی می‌شد و فروپاشی آن، چه در اثر خروج آمریکا و چه در اثر فعال شدن مکانیسم ماشه، به‌عنوان شکستی استراتژیک در سیاست خارجی دولت‌ها در ذهن جامعه ثبت می‌شود. این احساس شکست، در غیاب روایت‌های جایگزین قانع‌کننده، می‌تواند به سرخوردگی عمومی و انفعال سیاسی منجر شود. تجربه سال‌های گذشته نیز نشان داده است که در شرایط فشار اقتصادی و سیاسی، جامعه تمایل به بیان ناراضی‌های خود در قالب اعتراضات خیابانی، کمپین‌های مجازی یا هجرت از کشور پیدا می‌کند. به‌ویژه، نسل جوان و تحصیل‌کرده، که بیشترین آسیب را از کاهش فرصت‌های شغلی، تورم و انسداد افق‌های پیشرفت می‌بیند، در معرض یأس و مهاجرت قرار می‌گیرد. افزایش تقاضا برای خروج از کشور، از سوی دیگر، موجب از دست رفتن سرمایه انسانی می‌شود که بلندمدت‌ترین و پرهزینه‌ترین خسارت ناشی از تحریم‌هاست.

### هم‌زمان با تشدید فشارهای اقتصادی، افکار عمومی داخلی نیز وارد فاز جدیدی از بحران اعتماد خواهد شد

در بعد منطقه‌ای، فعال شدن مکانیسم ماشه ممکن است تهران را به سمت افزایش سطح تنش‌های ژئوپلیتیکی سوق دهد. ایران برای جبران کاهش درآمدها و اثبات اینکه تحریم نمی‌تواند سیاست خارجی آن را محدود سازد، ممکن است دست به اقدامات نمادین در خاورمیانه بزند؛ از جمله افزایش حمایت از گروه‌های نیابتی، تقویت حضور نظامی در مناطقی چون سوریه و عراق، یا حتی تهدید خطوط کشتیرانی در خلیج فارس. این اقدامات، ضمن آن که می‌تواند تنش را با برخی دولت‌های عربی و رژیم اسرائیل افزایش دهد، توجیهی برای تداوم فشار بین‌المللی علیه ایران فراهم می‌کند و فضا را برای ورود به چرخه‌ای از «تهدید، تحریم، تلافی» آماده می‌سازد. از سوی دیگر، روابط ایران با قدرت‌های جهانی غیرغربی مانند چین و روسیه وارد فاز



چرخه‌ای از تصمیمات اضطراری و موقتی می‌شود که نه تنها مشکل را حل نمی‌کند، بلکه اعتماد جامعه به عقلانیت حاکمیت را نیز فرسایش می‌دهد. در چنین شرایطی، یکی از اصلی‌ترین تبعات، فروپاشی نسبی طبقه متوسط است. این طبقه که در دهه‌های اخیر ستون فقرات توسعه، مصرف داخلی، و ثبات سیاسی بوده است، با کاهش درآمد واقعی، فرسایش دارایی‌های ریالی، و بسته شدن مسیرهای پیشرفت اجتماعی، بتدریج به حاشیه اقتصادی رانده می‌شود. مهاجرت نخبگان از این طبقه، کاهش مشارکت سیاسی و پناه آوردن به بازارهای غیررسمی، از جمله پیامدهای این روند هستند. طبقات فرودست نیز، در فقدان حمایت‌های مؤثر اجتماعی و با فشارهای تورمی بر سبک معیشت، با خطر گسترش فقر مطلق مواجه‌اند. از سوی دیگر، طبقات بالادستی اقتصادی که عمدتاً از مسیرهای خاص تجاری یا رانت‌های ارزی بهره‌مندند، ممکن است از شرایط تحریم حتی سود نیز ببرند؛ زیرا بازارهای رانتی، قاچاق و تجارت غیررسمی در شرایط فشار رشد می‌کنند. این واگرایی طبقاتی، اگر چه در ابتدا خاموش و تدریجی است، اما در میان مدت به گسترش شکاف‌های اجتماعی و تقابل‌های طبقاتی خواهد انجامید که خود می‌تواند بستر بحران‌های سیاسی آینده را فراهم کند.

یکی دیگر از ابعاد کمتر دیده‌شده‌ی پیامدهای فعال شدن مکانیسم ماشه، تأثیر آن بر سرمایه اجتماعی و انسجام ملی است. در شرایطی که مردم حس کنند هزینه‌های تحریم بر دوش آنان سنگینی می‌کند، در حالی که نخبگان حکومتی از آن مصون‌اند، احساس بی‌عدالتی تعمیق می‌یابد. کاهش سرمایه اجتماعی، همبستگی ملی را تضعیف می‌کند و توانایی حکومت در مدیریت بحران‌های بعدی را به شدت کاهش می‌دهد. فقدان شفافیت در سیاست‌گذاری، نبود گفت‌وگوی اجتماعی، سرکوب فضای مدنی و بی‌اعتمادی مرمزین به نهادهای رسمی، همگی عوامل تسریع‌کننده در این مسیر هستند. مهم‌تر آن که، نسل جدید که تجربه‌ای از شرایط عادی اقتصادی یا تعامل جهانی ندارد، در این فضای بسته و متشنج، فرصت‌های خود را محدود می‌بینند و یا به ناامیدی و انزوا روی می‌آورد، یا به مخالفت فعال و اعتراض. در هر دو حالت، آینده سیاسی و اجتماعی کشور در معرض بی‌ثباتی بلندمدت قرار می‌گیرد.

### یکی دیگر از ابعاد کمتر دیده‌شده‌ی پیامدهای فعال شدن مکانیسم ماشه، تأثیر آن بر سرمایه اجتماعی و انسجام ملی است

در عرصه سیاست خارجی، گزینه‌های ایران نیز محدود می‌شود. در حالی که تحریم‌ها باز می‌گردند، امکان چانه‌زنی در فضای دیپلماتیک نیز به شدت کاهش می‌یابد. کشورهای همسایه که نگران بازتاب ناآرامی در ایران بر امنیت مرزهای خود هستند، روابط اقتصادی را کاهش داده و تنها به حفظ حداقلی از تعامل برای کنترل پیامدها بسنده می‌کنند. در سطح بین‌المللی، رقابت قدرت‌های بزرگ از جمله ایالات متحده، چین و روسیه بر سر پرونده ایران، باعث می‌شود که ایران بیش از آن که باز بگریزید مستقل باشد، به سوزهای برای رقابت میان آن‌ها تبدیل شود. چین ممکن است به صورت مقطعی حمایت‌هایی ارائه دهد، اما منافع کلان خود در روابط با آمریکا را فدای ایران نخواهد کرد؛ روسیه نیز بسته به شرایط جنگی یا منافع راهبردی خود، از ایران به عنوان برگ چانه‌زنی بهره خواهد برد، بی‌آن که تعهدی پایدار به آن داشته باشد. اروپا نیز در وضعیت دوگانگی باقی خواهد ماند: از یک سو مایل به حفظ ساختار برجام و جلوگیری از تنش نظامی در خاور میانه است و



جدیدی خواهد شد. اگر چه ممکن است در ظاهر این روابط تقویت شود، اما عملاً این وابستگی یک سویه به شریک‌هایی که خود دغدغه‌های ژئوپولیتیکی پیچیده دارند، موقعیت چانه‌زنی تهران را تضعیف خواهد کرد و به واگذاری امتیازات راهبردی در زمینه‌های انرژی، منابع طبیعی، یا نفوذ منطقه‌ای منجر می‌شود.

در عرصه بین‌المللی، چالش حقوقی ایران در برابر مشروعیت فعال شدن مکانیسم ماشه نیز از اهمیت برخوردار است. ایران احتمالاً تلاش خواهد کرد با استناد به خروج آمریکا از برجام و کاهش تعهدات سایر طرف‌ها، استدلال کند که فعال شدن این مکانیسم فاقد وجهت حقوقی است. با این حال، تجربه نشان داده که در فضای سیاسی حاکم بر نهادهای بین‌المللی، تفسیر حقوقی تابعی از اراده‌های سیاسی است و در فضای سیاسی حاکم بر نهادهای بین‌المللی، تفسیر حقوقی تابعی از اراده‌های سیاسی است و در نتیجه، حتی اگر ایران از نظر فنی و حقوقی استدلالی قابل اتکا ارائه دهد، تضمینی برای پذیرش آن از سوی بازیگران کلیدی یا بدنه اجرایی سازمان ملل وجود ندارد. به ویژه با توجه به نفوذ ایالات متحده در نظام مالی جهانی و ساختارهای فراملی نظیر نظام سوئیفت، سازمان بین‌المللی کشتیرانی، یا بازارهای بیمه و ترانزیت، ایران عملاً با تحریمی روبه‌رو خواهد بود که گرچه ممکن است نام آن چندجانبه نباشد، اما در عمل از تحریم‌های چندجانبه نیز گسترده‌تر خواهد بود. این پارادوکس حقوقی-عملیاتی موجب می‌شود ایران وارد وضعیتی شود که آن را می‌توان «تحریم‌شدگی بدون اجماع حقوقی» نامید؛ وضعیتی که در آن کشورها، شرکت‌ها و مؤسسات مالی بنا به ترس از مجازات ثانویه، از همکاری با ایران امتناع می‌ورزند حتی اگر به طور رسمی آن را تحریم نکرده باشند. در چنین فضایی، فضای اقتصادی و سیاسی ایران به نوعی در یک پویایی فشرده قرار می‌گیرد که در آن تصمیم‌سازی باید دائماً بین ملاحظات هویتی، نیازهای اقتصادی، خطرات اجتماعی و مخاطرات امنیتی تعدیل یابد.

در این میان، مدیریت اقتصادی کشور به شدت آسیب‌پذیر می‌شود. ابزارهای کلاسیک سیاست‌گذاری پولی و مالی تا حد زیادی کارایی خود را از دست می‌دهند. دولت برای جبران کسری بودجه در غیاب دسترسی به منابع خارجی، یا باید به چاپ پول روی آورد که منجر به تورم افسارگسیخته می‌شود، یا ناچار به حذف یارانه‌ها و کاهش هزینه‌های عمومی خواهد شد که پیامد اجتماعی آن، افزایش ناراضی‌های عمومی و گسترش نابرابری است. حتی در صورت بهره‌گیری از راهکارهایی نظیر فروش اوراق بدهی یا سرمایه‌گذاری در بورس، عدم اعتماد عمومی، محدودیت نقدینگی و افق تاریک اقتصادی، این ابزارها را از اثربخشی باز می‌دارند. در نتیجه، دولت وارد



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۹۹

۱۰ آبان سال ۱۴۰۴





از سوی دیگر، تحت فشار واشینگتن و ناتوان در ارائه تضمین‌های اقتصادی مؤثر، عمل‌نقشی منفعل ایفا می‌کند.

در این میان، آنچه می‌تواند نقطه تحول باشد، نه تحولات دیپلماتیک بیرونی، بلکه تصمیمات سیاسی و اقتصادی درونی است. اگر حاکمیت ایران بتواند با اتخاذ رویکردی واقع‌گرایانه، از مواجهه ایدئولوژیک با جهان فاصله بگیرد، گفت‌وگوی داخلی را احیا کند، فضای کسب‌وکار را با اصلاحات ساختاری بهبود بخشد، و مسیرهایی برای کاهش فشار بر اقشار آسیب‌پذیر طراحی کند، ممکن است در میان مدت از یک بحران به یک گذار ساختاری عبور کند. اما اگر روند موجود ادامه یابد، و پاسخ نظام به فشارهای خارجی صرفاً در قالب تشدید کنترل داخلی، انسداد سیاسی و پافشاری بر سیاست‌های گذشته باشد، چشم‌انداز کشور به سمت افزایش هزینه‌های انسانی، فرسایش منابع داخلی و وابستگی بیشتر به قدرت‌های بیرونی سوق پیدا خواهد کرد.

### در این میان، آنچه می‌تواند نقطه تحول باشد، نه تحولات دیپلماتیک بیرونی، بلکه تصمیمات سیاسی و اقتصادی درونی است.

در نهایت، مکانیسم ماشه، گرچه اسماً سازوکاری حقوقی در چارچوب یک توافق بین‌المللی است، اما در بطن خود حامل پیام شکست گفت‌وگوهای مصالحه و اعتماد متقابل در سیاست جهانی است. این شکست، نه تنها پیامدی برای روابط ایران و غرب دارد، بلکه به نوعی نماد پایان مرحله‌ای از سیاست‌ورزی در داخل ایران است؛ مرحله‌ای که در آن امید به اصلاحات تدریجی، تعامل حساب‌شده، و توسعه از مسیر همکاری‌های بین‌المللی مطرح بود. اکنون، با فروپاشی آن افق، ایران در آستانه یک دوران جدید قرار گرفته است؛ دورانی که ویژگی اصلی آن ترکیبی از فشارهای اقتصادی، تنگنای دیپلماتیک، بحران مشروعیت داخلی، و ابهام راهبردی است. در چنین فضایی، تنها راه نجات، بازاندیشی عمیق در منطق تصمیم‌سازی، نوسازی ظرفیت‌های حکمرانی و بازتعریف رابطه میان مردم و حاکمیت است. چرا که تحریم‌ها و فشارهای خارجی، هر اندازه هم که شدید باشند، تنها در بستری از ناتوانی داخلی می‌توانند به بحران‌های بنیادین منجر شوند.

بازگشت تحریم‌های همه‌جانبه با فعال شدن مکانیسم ماشه، ضمن این که بار مضاعفی بر اقتصاد کشور وارد می‌آورد، روند تضعیف شبکه‌های تأمین اجتماعی را تسریع می‌کند. دولت در شرایط کاهش شدید درآمدهای نفتی، با محدودیت منابع روبه‌روست و ناگزیر است از هزینه‌های جاری بکاهد. یکی از اولین قربانیان این کاهش هزینه، برنامه‌های حمایتی از اقشار کم‌درآمد و خدمات عمومی است. در شرایطی که تورم بی‌وقفه در حال افزایش است، کاهش یارانه‌ها و خدمات رفاهی، فقر مطلق را گسترش می‌دهد و باعث تشدید آسیب‌پذیری گروه‌های محروم می‌شود. به دلیل کاهش پوشش بیمه‌های سلامت، آموزش و خدمات اجتماعی، فقر ساختاری به بحران‌های چندوجهی سلامت، آموزش و اشتغال دامن می‌زند. افزایش شمار خانوارهای دچار محرومیت غذایی، کاهش سطح تحصیلات و افت کیفیت سلامت عمومی، در بلندمدت باعث افت بهره‌وری نیروی کار و افزایش بار هزینه‌های اجتماعی بر دولت خواهد شد.

افزایش نرخ ارز و تورم شدید، با کاهش قدرت خرید مردم، تحولات عمیقی در الگوی مصرف ایجاد می‌کند. کالاهای مصرفی پایه‌ای جایگزین کالاهای مصرفی لوکس و غیر ضروری می‌شوند و بازار داخلی دچار رکود می‌شود.

کاهش تقاضا در صنایع مختلف، بیکاری گسترده را تشدید می‌کند. بنگاه‌های کوچک و متوسط، که بیشترین حجم اشتغال را به خود اختصاص داده‌اند، در وضعیت بحرانی قرار می‌گیرند. این امر نه تنها نابرابری اقتصادی را افزایش می‌دهد، بلکه موجب افزایش مهاجرت از مناطق روستایی به شهرها و رشد حاشیه‌نشینی می‌شود. این نوع مهاجرت‌های داخلی، فشارهای جمعیتی و زیست‌محیطی را در کلان‌شهرها افزایش می‌دهد و زیرساخت‌های شهری را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر، افزایش بیکاری و فقر زمینه‌ساز افزایش جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی خواهد شد، که به نوبه خود تهدیدی برای امنیت داخلی بشمار می‌رود.

فضای سیاسی داخلی در نتیجه تشدید فشارهای اقتصادی وارد مرحله‌ای از تشنج می‌شود که کنترل آن برای حکومت دشوارتر خواهد بود. کاهش رضایت عمومی، افزایش اعتراضات اجتماعی و گسترش نارضایتی سیاسی می‌تواند منجر به ظهور گروه‌های اپوزیسیون و تشدید فشارهای سیاسی داخلی شود. البته این فشارها بسته به ظرفیت‌های سرکوب و مدیریت بحران سیاسی، می‌تواند در اشکال مختلف ظاهر شود؛ از محدودیت‌های شدید آزادی‌های مدنی و سرکوب اعتراضات تا بازتعریف ترتیبات قدرت در قالب تغییرات ساختاری. در هر صورت، این مرحله از تحریم‌ها، آزمونی برای ثبات سیاسی و حکمرانی در ایران است. تجربه نشان داده است که حکومت در مواجهه با فشارهای خارجی، غالباً به دو رویکرد متوسل می‌شود: اول، تقویت ایدئولوژیک و امنیتی ساختار قدرت برای حفظ انسجام درونی؛ دوم، تلاش برای جلب حمایت بخشی از جامعه از طریق سیاست‌های اجتماعی محدود یا اصلاحات اقتصادی تدریجی. اما ترکیب این دو رویکرد در شرایط

تحریم‌های همه‌جانبه دشوارتر شده و توازن میان آن‌ها شکننده است. از سوی دیگر، تحریم‌های گسترده، فرآیند جهانی شدن اقتصاد ایران را معکوس می‌کنند و ایران را به بازاری بسته و محدود به تعاملات غیررسمی و منطقه‌ای بدل می‌سازند. محدودیت در ورود سرمایه‌گذاری خارجی، فناوری پیشرفته و انتقال دانش، علاوه بر کاهش فرصت‌های رشد اقتصادی، باعث کاهش نوآوری و توسعه صنایع فناوری محور خواهد شد. اقتصاد ایران در این شرایط با تهدید رکود تکنولوژیک مواجه می‌شود که در بلندمدت تأثیرات منفی خود را بر تولید، بهره‌وری و رقابت‌پذیری نشان خواهد داد. تمرکز بر خودکفایی، هر چند در ظاهر راه‌حلی منطقی نظر می‌رسد، اما بدون منابع مالی، فناوری و همکاری بین‌المللی، نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای توسعه‌ای کشور باشد و در نهایت منجر به استفاده ناکارآمد از منابع محدود خواهد شد.

در عرصه روابط بین‌الملل، ایران با چالش جدی کمبود گزینه‌های راهبردی مواجه می‌شود. تداوم فشارها، احتمالاً تهران را به سمت تقویت اتحادیه‌های منطقه‌ای غیررسمی سوق می‌دهد که این اتحادها عمدتاً بر پایه منافع مشترک امنیتی و اقتصادی کوتاه‌مدت شکل می‌گیرند. همکاری با کشورهایی مانند روسیه، چین، ترکیه و برخی کشورهای منطقه، هر چند می‌تواند موقتی و تاکتیکی باشد، اما ماهیت وابستگی را برای ایران تشدید



و نوآوری کشور را در معرض تهدید قرار می دهد. همچنین، تضعیف شبکه های ارتباطی و کاهش تبادل فرهنگی، باعث می شود که جامعه ایرانی از جریان های بین المللی فرهنگی و علمی جدا شده و انسجام اجتماعی دچار آسیب شود.

در چنین شرایط پیچیده ای، اهمیت بازسازی سرمایه اجتماعی و تقویت گفت و گوهای ملی بیش از پیش برجسته می شود. بازسازی اعتماد میان حکومت و مردم، شفاف سازی فرآیندهای تصمیم گیری و پذیرش انتقادات سازنده می تواند به کاهش تنش های اجتماعی و تقویت ثبات سیاسی کمک کند. همچنین، ارتقاء همکاری های فرابخشی میان نهادهای دولتی، بخش خصوصی، جامعه مدنی و نخبگان، لازمه مواجهه موفق با بحران های چندوجهی تحریم هاست. سیاست گذاری های اقتصادی باید با هدف حفظ قدرت خرید اقشار آسیب پذیر، بهبود فضای کسب و کار و حمایت از تولید داخلی همراه باشد تا زمینه ای برای رشد تدریجی فراهم گردد.

در نهایت، عبور از بحران ناشی از فعال شدن مکانیسم ماشه مستلزم استراتژی ای چندلایه است که هم به مدیریت بحران های کوتاه مدت اقتصادی و اجتماعی بپردازد و هم بر برنامه ریزی بلندمدت توسعه اقتصادی، ارتقاء ظرفیت های فناورانه، و بازتعریف جایگاه ایران در نظام بین المللی تمرکز کند. در این مسیر، اتخاذ سیاست های انعطاف پذیر و متناسب با تغییرات محیط بین المللی، تقویت نهادهای دموکراتیک و افزایش مشارکت مردم در فرآیندهای تصمیم گیری، از اهمیت حیاتی برخوردار است. همچنین، بازسازی روابط دیپلماتیک با همسایگان و قدرت های منطقه ای، با هدف کاهش تنش ها و افزایش همکاری های اقتصادی، می تواند به کاهش اثرات تحریم ها کمک کند.

گرچه فعال شدن مکانیسم ماشه، چالشی بزرگ و پیچیده برای ایران است، اما در عین حال فرصتی برای بازنگری در سیاست ها و ایجاد تغییرات ساختاری نیز محسوب می شود. تاریخ ایران نشان داده است که بحران ها می توانند به عنوان کاتالیزور تغییرات بنیادی عمل کنند؛ اگرچه این تغییرات معمولاً هزینه های سنگینی به همراه دارند. بنابراین، پاسخ به این چالش نیازمند مدیریت هوشمندانه، پذیرش واقعیت ها و توانمندسازی جامعه است تا از بحران به فرصت تبدیل شود و مسیر توسعه پایدار ایران هموار گردد.

می کند. این وابستگی می تواند بر حاکمیت ملی تأثیر منفی گذاشته و زمینه ساز از دست رفتن بخشی از استقلال تصمیم گیری در عرصه های مختلف شود. در عین حال، ایران در مواجهه با فشارهای آمریکا و متحدانش، ممکن است سیاست خارجی فعال تری را در منطقه اتخاذ کند که در کوتاه مدت باعث افزایش تنش ها و در بلندمدت منجر به تشدید عدم ثبات منطقه ای خواهد شد.

### افزایش نرخ ارز و تورم شدید، با کاهش قدرت خرید مردم، تحولات عمیقی در الگوی مصرف ایجاد می کند

مسیر دیپلماسی نیز با بن بست های جدی مواجه می شود. فقدان اعتماد متقابل میان ایران و غرب، به ویژه آمریکا، و همچنین بی اعتمادی میان تهران و دیگر اعضای برجام، مذاکرات را دشوار کرده است. با فعال شدن مکانیسم ماشه، هرگونه تلاش برای احیای برجام با مشکلات بیشتری مواجه خواهد شد و فضای سیاسی داخلی در ایران نیز برای پذیرش توافق های جدید محدودتر می شود. به همین دلیل، حتی سناریوهای میان مدت برای کاهش تحریم ها یا بازگشت به مذاکرات، پیچیده تر و بعیدتر می شود. این وضعیت، سیاست خارجی ایران را به سمت سیاست هایی می راند که بیشتر مبتنی بر مقاومت و تداوم فشارهای خارجی است تا تعامل و مذاکره.

از منظر اجتماعی، پیامدهای روانی و فرهنگی تحریم ها و فشارهای بین المللی نیز نباید نادیده گرفته شود. تحریم ها علاوه بر اثرات ملموس اقتصادی، حس انزوای بین المللی و محدودیت در تعاملات فرهنگی و علمی را افزایش می دهند. این موضوع، هم به شکل کاهش فرصت های تحصیلی و شغلی برای جوانان و نخبگان خود را نشان می دهد و هم در زمینه ایجاد فضای عمومی ناامیدی و کاهش اعتماد به آینده کشور مؤثر است. در نتیجه، روند فرار مغزها شدت یافته و این امر آینده توسعه



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۹۹

۱۰ آبان سال ۱۴۰۴



# استراتژی ایران در شرق: موازنه قدرت یا طراحی نظم منطقه‌ای؟



فاطمه قدم



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۹۹

۱۰ آبان سال ۱۴۰۴

را در بلندمدت تضمین کند. این دیدگاه مثبت است، اما گاهی در برابر قدرت‌های مسلط‌تر در شرق، رویکرد منفعلانه‌ای اتخاذ می‌کند و صرفاً در ساختارهای موجود نقش ایفا می‌کند. تحلیل سوم، که مسیر میانی و سازنده را پیشنهاد می‌کند، بر «توازن هوشمند میان واقعیت و آرمان» استوار است. این رویکرد، ضمن پذیرش واقع‌بینی در حفظ قدرت و امنیت ملی، معتقد است که هدف غایی نباید تکرار الگوی قدیمی قدرت باشد. این استراتژی، از فضای شرق به‌عنوان فرصتی برای نقد و تلاش برای نهادسازی منصفانه، در سطح منطقه استفاده می‌کند. این دیدگاه، با درک فضای رقابتی، هدف را نه صرفاً حفظ موجودیت، بلکه مشارکت در طراحی قواعد جدیدی می‌داند که منافع بلندمدت کشور را در چارچوبی عادلانه‌تر تثبیت نماید. در نهایت، موفقیت این استراتژی وابسته به عبور از تفاسیر واکنشی است. توانایی سیاست خارجی در استفاده از قدرت برای رسیدن به میز مذاکره، و استفاده از مذاکره برای شکل‌دهی به ساختارهای پایدار و عادلانه، استراتژی را از سطح تاکتیکی به سطح ژرفای استراتژیک ارتقا خواهد داد.

مسیر دیپلماتیک کشور به سمت محور شرق، فراتر از یک انتخاب ساده تاکتیکی، یک تحول استراتژیک بنیادین است. این رویکرد، در کانون تحلیل‌های داخلی، سه تفسیر متضاد را به وجود آورده است که هر کدام، آینده نفوذ و امنیت منطقه را به شکلی متفاوت رقم می‌زنند. نگاه غالب، این استراتژی را عمدتاً در چارچوب «موازنه قدرت مطلق» می‌بیند. این دیدگاه، منطقه را همچنان میدان رقابت ناگزیر تعریف می‌کند و همکاری‌ها را تابعی از ضرورت‌های کوتاه‌مدت و مقابله با فشار خارجی می‌داند. تمرکز صرف بر تقویت بازدارندگی و حفظ تعادل قوا، هرچند برای بقا ضروری است، اما زمینه را برای تشدید تنش‌ها فراهم می‌سازد. این رویکرد، ظرفیت استراتژی شرق را تنها در حد یک سپر دفاعی تنزل می‌دهد و از پتانسیل آن برای ایجاد تحول ساختاری غافل می‌ماند. در نقطه مقابل، تفسیری دیگر، بر اهمیت «توسعه نهادهای همکاری منطقه‌ای» تأکید دارد. این جریان، شرق را بستری برای تعریف روابط پایدار می‌داند. تمرکز بر پروژه‌های مشترک اقتصادی و زیرساختی، به دنبال ایجاد شبکه‌های وابستگی مثبت است که ثبات

## توصیه نامه سیاسی

مرضیه نیک فلاح



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۹۹

۱۰ آبان سال ۱۴۰۴

از جریمه‌های نقدی تا کتاب‌خوانی؛ تبدیل تخلفات جزئی به فرصت‌هایی برای یادگیری مدنی  
تاریخ تهیه: ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۵  
تهیه‌کننده: مرضیه نیک‌فلاح - دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
مخاطبان: وزارت کشور، پلیس راهنمایی و رانندگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

صرفاً مالی، جنبه تأملی داشته باشد.  
- تشویق به عادت کتاب‌خوانی در میان شهروندان و ایجاد علاقه تدریجی به کتاب و آموزش مدنی.  
به عبارت دیگر، این سیاست «با یک تیر دو نشان می‌زند».

### بیان مسأله

- مشارکت پایین در کتاب‌خوانی: پژوهش‌ها نشان می‌دهد نرخ کتاب‌خوانی در ایران کمتر از بسیاری از کشورهای مشابه است. این امر رشد فردی و سواد مدنی را محدود می‌کند.  
- جریمه‌های نقدی به‌عنوان ابزار ناکارآمد: جریمه‌های فعلی برای تخلفات جزئی، هم ناعادلانه‌اند (بیشتر بر دوش اقشار ضعیف می‌افتند)، هم پرهزینه برای دولت، و هم تغییر رفتاری پایدار ایجاد نمی‌کنند.  
فرصت از دست‌رفته مدنی مجازات‌های فعلی پیامد مثبتی مانند یادگیری یا تقویت مسؤلیت مدنی ایجاد نمی‌کنند.

### پیشینه و شواهد

برنامه‌های بین‌المللی مانند «تغییر زندگی از طریق ادبیات» (Changing Lives Through Literature) در آمریکا و تحقیقات اصلاحی، نشان داده‌اند که مجازات‌های آموزشی (مانند کتاب‌خوانی) در کاهش تکرار جرم و ایجاد منافع اجتماعی مؤثرترند.  
تبدیل جریمه نقدی به خدمات اجتماعی در بسیاری کشورها عملی

### خلاصه اجرایی

نرخ کتاب‌خوانی در ایران همچنان پایین است، در حالی که جریمه‌های نقدی برای تخلفات جزئی، مانند سرعت غیرمجاز یا پارک غیرقانونی فشار زیادی بر شهروندان، به‌ویژه اقشار کم‌درآمد وارد می‌کند. در عین حال، این جریمه‌های نقدی اغلب در ایجاد تغییر واقعی در رفتار مؤثر نیستند.  
این مقاله پیشنهاد یک برنامه آزمایشی را مطرح می‌کند که در آن متخلفان می‌توانند به‌جای پرداخت جریمه، در جلسات مطالعاتی / آموزشی سازمان‌یافته شرکت کنند. در صورت تکمیل موفقیت‌آمیز، جریمه لغو یا کاهش می‌یابد.

### این برنامه دو هدف اصلی دارد:

- کاهش تخلفات از طریق معرفی یک مجازات جایگزین که به‌جای



و پذیرفته شده است، زیرا مجازات‌های غیرمالی تغییرات پایدارتری ایجاد می‌کنند.

### گزینه‌های سیاسی

- گزینه A: ادامه وضع موجود - اعمال جریمه‌های نقدی برای تخلفات جزئی همچون گذشته.  
- گزینه B: تبدیل جریمه‌ها به خدمات اجتماعی عمومی مانند نظافت معابر.

### توصیه سیاسی

این مقاله پیشنهاد می‌کند گزینه C: (برنامه جایگزین کتاب‌خوانی) به صورت آزمایشی در چند شهر منتخب طی دوره ۱۲ تا ۱۸ ماهه اجرا شود. تخلفات جزئی مانند سرعت اندکی بالاتر از حد مجاز یا پارک غیرقانونی مشمول این طرح خواهند بود. اجرای این برنامه باید توسط پلیس راهنمایی و رانندگی و با همکاری کتابخانه‌های عمومی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام شود. نکته مهم: بهتر است این طرح در شهرهای بزرگ اجرا شود؛ زیرا هم میزان تخلفات در آن‌ها نسبتاً بیشتر است و هم امکانات بیشتری برای اجرای موفق چنین برنامه‌ای وجود دارد.

### طراحی برنامه

۱. شمول پذیری: تنها تخلفات جزئی مشمول طرح هستند؛ جرایم سنگین همچنان تحت مجازات‌های استاندارد باقی می‌مانند.
۲. ثبت نام: متخلفان انتخاب می‌کنند که جریمه نقدی بپردازند یا در جلسات کتاب‌خوانی شرکت کنند.
۳. ساختار: برنامه شامل ۳ تا ۶ جلسه (هر جلسه حدود ۲ ساعت) است، با کتاب‌های کوتاه و در دسترس در موضوعات مدنی، اخلاقی یا رمان‌های اندیشه‌برانگیز.

گزینه C: (توصیه شده) - اجرای برنامه جایگزین کتاب‌خوانی: متخلفان واجد شرایط در جلسات مطالعه سازمان یافته که توسط کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی برگزار می‌شود، شرکت می‌کنند. با تکمیل موفقیت‌آمیز این جلسات، جریمه لغو یا کاهش می‌یابد.

### بخش‌های تکمیلی برنامه

۴. تسهیل‌گران: جلسات توسط کتابداران آموزش دیده، مربیان یا کارکنان دارای گواهی از سازمان‌های مردم‌نهاد هدایت می‌شوند.

۵. بازتاب پایانی (ارزیابی اصلاح شده): به جای آزمون رسمی، شرکت‌کنندگان باید بنویسند یا توضیح دهند کدام بخش کتاب را بیشتر دوست داشتند، چه درسی گرفتند، و برداشت شخصی خود را خلاصه کنند تا جذابیت افزایش یابد و پیوند کتاب با زندگی شکل گیرد.  
۶. ضمانت‌ها: عدم حضور یا تکمیل نکردن برنامه توسط شرکت‌کننده منجر به جریمه افزوده (مثلاً ۲۰ درصد بیشتر) علاوه بر جریمه اصلی می‌شود.

### جدول زمان‌بندی اجرا

- ماه‌های ۱ تا ۳: اخذ مجوزها، انتخاب محتوا و جذب تسهیل‌گران.  
- ماه‌های ۴ تا ۶: اجرای آزمایشی کوچک و کمپین اطلاع‌رسانی.  
- ماه‌های بعد: اجرای آزمایشی کامل در مقیاس بزرگ.

### پایش و ارزیابی

- میزان مشارکت و تکمیل برنامه.  
- مقایسه نرخ تکرار تخلف میان شرکت‌کنندگان برنامه و کسانی که جریمه پرداخت کرده‌اند.  
- بازخورد شرکت‌کنندگان درباره علاقه به کتاب‌خوانی و تجربه حضور در برنامه.  
- میزان هزینه‌اثر بخشی برنامه در مقایسه با جمع‌آوری جریمه نقدی.

### \*نتیجه‌گیری

این برنامه یک منفعت دوگانه ایجاد می‌کند: هم تخلفات جزئی را کاهش می‌دهد و هم شهروندان را به مطالعه بیشتر تشویق می‌کند. با تبدیل جریمه‌ها به فرصت رشد فردی، دولت می‌تواند هم رفتار ایمن‌تر را ترویج کند و هم سواد مدنی جامعه را تقویت نماید. یک اجرای آزمایشی دقیق نشان خواهد داد که آیا این رویکرد نوآورانه قابلیت گسترش در سطح ملی را دارد یا خیر. اغلب ایده‌ها و پیشنهادهای ارائه شده در این مقاله سیاسی، اصیل و توسط نویسنده تدوین شده‌اند.

### \*منابع

- Changing Lives Through Literature (CLTL) Program, University of Massachusetts, USA.  
- Bazos, A., & Hausman, J. (۲۰۰۴). Correctional Education as a Crime Control Program. UCLA School of Public Policy.





اقتصاد





## معرفی کلی مدل اقتصادی سوئد:



محمد رضالشینی  
ارشد علوم سیاسی



پیموده و توانسته است الگویی قابل تحسین در عرصه اقتصاد جهانی ارائه دهد.

### تاریخچه و تحول مدل اقتصادی سوئد:

نخست باید توجه داشت که مدل اقتصادی سوئد محصولی است از یک فرایند تاریخی طولانی، که از دوران صنعتی شدن کشور تا قرن بیستم به تدریج شکل گرفت. در آغاز قرن بیستم، سوئد کشوری عمدتاً کشاورزی با ساختار اقتصادی نسبتاً ساده بود اما با تحول صنعتی و ورود به عرصه تولیدات صنعتی و خدمات، ضرورت ایجاد چارچوبی که بتواند همزمان رشد اقتصادی را تضمین و عدالت اجتماعی را تأمین کند، بیش از پیش احساس شد.

در دهه‌های میانی قرن بیستم، بویژه پس از جنگ جهانی دوم، دولت سوئد با به کارگیری سیاست‌های کلان اقتصادی مبتنی بر سیاست رفاه اجتماعی، برنامه‌هایی را برای توسعه عمومی و کاهش نابرابری‌ها طراحی کرد. این سیاست‌ها شامل افزایش شدید مالیات‌ها بر درآمدهای بالاتر به منظور تأمین هزینه‌های گسترده خدمات عمومی، توسعه همه جانبه آموزش و بهداشت رایگان و ایجاد مجموعه‌ها از بیمه‌های اجتماعی جامع می‌شد.

مدل اقتصادی سوئد، به عنوان یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های مدل نوردیک در جهان شناخته می‌شود، الگویی است که با ترکیب دقیق و پویایی از اصول بازار آزاد و گسترده‌ترین نظام رفاه اجتماعی شکل گرفته است. این مدل را می‌توان نمونه‌های موفق از همزیستی تولید ثروت در فضای رقابتی سرمایه‌داری و توزیع عادلانه فرصت‌ها و درآمدها در سطح جامعه دانست. سوئد، کشوری با منابع محدود طبیعی، اما با بهره‌گیری از نظم ساختاری و رویکرد حکمرانی مستحکم، توانسته است به شکلی کم نظیر، توازن میان بهره‌وری اقتصادی و عدالت اجتماعی را حفظ کند. شالوده این مدل بر سه پایه اساسی استوار است: بازار آزاد و رقابت اقتصادی به مثابه موتور محرکه تولید، دولت فعال و مسؤول در مدیریت سیاست‌های مالی و اجتماعی و ساختاری پویا برای حمایت همه جانبه از شهروندان در زمینه‌های آموزش، سلامت و تأمین اجتماعی. این مدل نه تنها تولید و رشد را تسریع می‌بخشد، بلکه با بهره‌مندی از سیاست‌های مالیاتی پیشرو، به بازتوزیع درآمدها و کاهش شکاف‌های طبقاتی که در اغلب نظام‌های سرمایه‌داری بروز می‌کند، می‌پردازد.

در ادامه این مقاله تلاش خواهد شد تا با نگاهی تاریخی و تحلیلی، مؤلفه‌ها و دستاوردهای این مدل اقتصادی، چالش‌های موجود و چشم‌انداز پیش روی آن بررسی گردد؛ مسیری که سوئد طی بیش از یک قرن اخیر



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۹۹

۱۰ آبان سال ۱۴۰۴

### نقش دولت رفاه و سیاست‌های مالیاتی:

یکی از ارکان بنیادین مدل اقتصادی سوئد، وجود نظام دولت رفاه فراگیر و فعال است که به‌عنوان ستون اصلی سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی کشور بشمار می‌آید. این نظام بر پایه ایده عدالت اجتماعی و تضمین حداقلی از رفاه برای همه شهروندان استوار است و دولت به صورت مستقیم در تأمین خدمات اساسی مانند آموزش، بهداشت، بیمه بیکاری، بازنشستگی و مستمری‌های اجتماعی دخالت دارد. این دخالت دولت نه تنها به کاهش نابرابری‌های درآمدی کمک کرده بلکه باعث افزایش سرمایه انسانی و بهبود کیفیت زندگی شده است.

برای تأمین هزینه‌های این نظام رفاهی گسترده، سوئد یکی از بالاترین نرخ‌های مالیاتی را در جهان دارد. مالیات‌های بر درآمد، دارایی، ارزش افزوده و شرکت‌ها به شکلی سازمان یافته و هدفمند وصول می‌شوند؛ به طوری که طبقات بالاتر با مالیات‌های بالاتر، نقش تعیین کننده‌ای در تأمین منابع دولت دارند. این سیاست‌های مالیاتی شدید، ضمن حمایت از توزیع عادلانه درآمد، موجب تقویت ثبات اقتصادی و توان مالی دولت در اجرای برنامه‌های رفاهی شده است.

در کنار مالیات‌های مستقیم، سیاست‌های دولت در بهینه سازی هزینه‌های عمومی و مدیریت کارآمد منابع، توانسته است هزینه‌های تأمین اجتماعی را در مسیر پایدار حفظ کند، به گونه‌ای که این نظام از نظر اقتصادی نه تنها بار اضافی بر دوش تولید و سرمایه‌گذاری نیست، بلکه در بلندمدت با افزایش سرمایه انسانی و مصرف پایدار، یک موتور محرک رشد اقتصادی محسوب می‌شود.

این تعادل ظریف و هوشمندانه میان مالیات‌گیری و ارائه خدمات رفاهی، به مدل سوئد هویت خاص و الگوی موفق برای دیگر کشورها بخشیده است که همزمان توجه به عدالت اجتماعی و کارایی اقتصادی را ممکن می‌سازد.

در کنار مالیات‌های مستقیم، سیاست‌های دولت در بهینه سازی هزینه‌های عمومی و مدیریت کارآمد منابع، توانسته است هزینه‌های تأمین اجتماعی را در مسیر پایدار حفظ کند

### برنامه‌های اجتماعی و تأمین اجتماعی:

در قلب مدل اقتصادی سوئد، شبکه‌های گسترده و همه جانبه از برنامه‌های اجتماعی و تأمین اجتماعی قرار دارد که هدف اصلی آن ایجاد تضمینی برای رفاه هر شهروند، از آغاز زندگی تا مراحل پایانی آن است. این برنامه‌ها شامل بیمه‌های بیکاری، بازنشستگی، مراقبت‌های بهداشتی رایگان، حمایت‌های مالی از خانواده‌ها و کودکان و خدمات توانبخشی می‌شود. دولت با فراهم آوردن این حمایت‌ها، از آسیب‌پذیری افراد در برابر ناملایمات اقتصادی و اجتماعی جلوگیری می‌کند و به افزایش ثبات اجتماعی کمک می‌کند.

این نظام تأمین اجتماعی در سوئد برخلاف بسیاری از کشورهای دیگر، نه تنها به‌عنوان هزینه‌های صرف بلکه به مثابه سرمایه‌های استراتژیک در نظر گرفته می‌شود که از طریق آن امکان رشد و توسعه پایدار اجتماعی و اقتصادی فراهم می‌گردد.

بدین ترتیب، سرمایه‌گذاری مؤثر در سلامت و آموزش، نرخ مشارکت نیروی کار را بالا نگه می‌دارد و بار سنگین بحران‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد.

یکی از نقاط عطف این تحول، تشکیل ائتلاف‌های قوی میان دولت، اتحادیه‌های کارگری و نمایندگان بخش خصوصی بود که ساختاری مبتنی بر همکاری سه جانبه را شکل داد. این ائتلاف نه تنها ثبات اقتصادی را بهبود بخشیدند بلکه سیاست‌های بازار کار انعطاف پذیر و حمایت‌های اجتماعی جامع را تسهیل کردند.

در طول دهه‌های بعد، سوئد توانست با توسعه صنایع دانش بنیان و تکنولوژی‌های نوین و حفظ سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، مدل اقتصادی خود را به سطحی از کارایی و عدالت اجتماعی ارتقا دهد که الگویی برای بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه قرار گرفت.

### یکی از نقاط عطف این تحول، تشکیل ائتلاف‌های قوی میان دولت، اتحادیه‌های کارگری و نمایندگان بخش خصوصی بود

تحولات اخیر نیز نشان می‌دهد که این مدل، علی‌رغم فشارهای جهانی شدن و چالش‌های اقتصادی متنوع، همچنان توانسته با اصلاحات هوشمندانه خود، ترکیب مناسبی از بهره‌وری و عدالت را حفظ کند. نقش دولت در زمینه سیاست‌های پولی، مالی و بازار کار، به همراه حمایت اجتماعی پایدار، همچنان محور اصلی استراتژی اقتصادی سوئد محسوب می‌شود.

### ساختار اقتصادی سوئد و بخش‌های کلیدی:

اقتصاد سوئد بر پایه ترکیبی از بخش‌های مختلف تولیدی، خدماتی و فناوری پیشرفته است که هر یک نقش مهمی در پویایی و توازن کلان اقتصادی کشور ایفا می‌کنند. در این ساختار، صنعت تولیدی از جمله صنایع خودرو، تجهیزات مخابراتی، ماشین آلات صنعتی و داروسازی، ستون فقرات اقتصاد را شکل می‌دهد. شرکت‌هایی همچون ولوو، اریکسون و آسترازنکا، نمادهای این صنعت پیشرفته بشمار می‌آیند که نه تنها در بازارهای داخلی بلکه در عرصه بین‌المللی نیز سهم قابل توجهی دارند.

از سوی دیگر، بخش خدمات به‌ویژه خدمات مالی، سلامت و آموزش، سهم بزرگی در تولید ناخالص داخلی دارند و به دلیل حمایت‌های گسترده دولت، این حوزه‌ها از کیفیت و دسترسی بالا برخوردارند. این حمایت‌ها باعث شده است که نیروی کار توانمند و بهبود مستمر در سرمایه انسانی، یکی از مزیت‌های رقابتی اقتصاد سوئد باشد.

کشاورزی در این مجموعه سهم کوچکتری دارد اما همچنان تأمین مواد خام و تولیدات کشاورزی با بهره‌وری بالا به این بخش هویت می‌بخشد. بخش صادرات که شامل فرآورده‌های صنعتی، فناوری اطلاعات و محصولات دارویی است، از عوامل کلیدی رشد اقتصادی پایدار سوئد محسوب می‌شود و ارتباط متقابل میان بخش‌های تولیدی و صادراتی، جایگاه ویژه‌ای در تعادل اقتصادی دارد.

نکته مهم در این ساختار، تأکید بر نوآوری و تحقیق و توسعه است که با سرمایه‌گذاری قابل توجه دولت همراه شده است. این سیاست، زمینه رشد تولیدات با ارزش افزوده بالا و ارتقای استانداردهای زندگی را فراهم کرده است و مدل اقتصادی سوئد را از دیگر مدل‌های مشابه متمایز ساخته است.



علاوه بر این، برنامه‌های حمایتی سوئد به گونه‌های طراحی شده‌اند که اسیر چرخه فقر و وابستگی بلندمدت به دولت نشوند بلکه افراد را به سمت استقلال اقتصادی و اجتماعی هدایت کنند. برای این منظور، سیاست‌های ادغام اجتماعی، آموزش‌های توانمندسازی و تشویق به کارآمدی فردی و جمعی بشدت پیگیری می‌شود.

ترکیب این برنامه‌ها با نظام مالیاتی و سیاست‌های بازار کار، ستونی استوار خلق کرده است که ضامن تحقق عدالت توزیعی و پایداری اقتصادی مدل سوئد بشمار می‌آید، الگویی که بسیاری از اقتصاددانان و سیاستمداران جهان به دنبال درک و تقلید آن هستند.

### سیاست‌های بازار کار در مدل اقتصادی سوئد:

یکی از ویژگی‌های برجسته و قابل توجه در مدل اقتصادی سوئد، سیاست‌های بازار کار انعطاف‌پذیر و همزمان حمایت‌گرا آن است که با عنوان «انعطاف پشتیبانی» (Flexicurity) شناخته می‌شود. در این رویکرد، بازار کار به گونه‌های طراحی شده است که ضمن حفظ امنیت شغلی قابل قبول برای نیروی کار، امکان جابجایی آسان و به سرعت انطباق با تغییرات اقتصادی فراهم شود.

نقش کلیدی در این سیاست‌ها، تعادل دقیق میان حمایت‌های اجتماعی کارگران و نیازهای بازار است؛ به طوری که جنگل از بیکاری بلندمدت و آسیب‌های اجتماعی جلوگیری شود و در عین حال بنگاه‌های اقتصادی برای افزایش تولید و بهره‌وری آزاد باشند. این تعادل با همکاری نزدیک میان دولت، اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایان شکل گرفته است و ضمن تعیین حداقل حقوق و حمایت‌های مالی، زمینه آموزش‌های حرفه‌ای و مهارتی مداوم برای نیروی کار را فراهم می‌کند.

علاوه بر این، نرخ بیکاری در سوئد به نسبت بسیاری از کشورهای غربی پایین تر است، که این امر نتیجه اجرای سیاست‌های کارآمدی است که نه تنها ایجاد اشتغال را تسهیل می‌کند، بلکه به افزایش کیفیت اشتغال و رضایت شغلی کمک قابل توجهی می‌کند.

سیاست‌های بازار کار سوئد، با تأکید بر مشارکت فعالانه در اقتصاد و تقویت مهارت‌ها، بازتابی از یک مدل اقتصادی پویا و مسؤولانه است که معتقد است امنیت اقتصادی نباید با کاهش انعطاف‌پذیری بازار

کار در تضاد باشد. این مکانیزم‌ها یکی از عوامل اصلی در حفظ پویایی و ثبات اقتصاد سوئد در دهه‌های اخیر بوده‌اند.

### روندهای اقتصادی اخیر و پیش‌بینی‌های آتی:

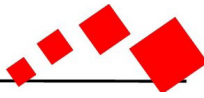
اقتصاد سوئد در سال‌های اخیر با چالش‌ها و فرصت‌های متعددی مواجه شده است که نمایانگر طبیعت پیچیده و پویای مدل اقتصادی این کشور است. در سال ۲۰۲۴، با وجود ورود به دوره‌ای از رکود اقتصادی و افزایش نسبی نرخ بیکاری تا حدود ۱۰ درصد، بخش‌های مختلف اقتصادی سوئد، از جمله سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی و هزینه‌های دولتی، همچنان تلاش کردند تا از شدت مشکلات اقتصادی بکاهند. کاهش مداوم نرخ تورم به کمتر از ۴ درصد در سال ۲۰۲۴، یکی از نشانه‌های تلاش موفق دولت برای کنترل فشارهای تورمی بود. دولت سوئد با ارائه لایحه بودجه بهار ۲۰۲۴، تمرکز ویژه‌ای بر تقویت فرصت‌های شغلی، بهبود زیرساخت‌ها و ارتقاء خدمات اجتماعی داشت. برنامه‌هایی همچون سرمایه‌گذاری در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، فراهم‌سازی اشتغال تابستانی برای جوانان و بازسازی بزرگراه‌ها، ضمن تقویت رشد اقتصادی، به بهبود کیفیت زندگی شهروندان منجر شده‌اند.

بر اساس داده‌ها و پیش‌بینی‌های معتبر، اقتصاد سوئد در سال ۲۰۲۵ با رشد تولید ناخالص داخلی حدود ۴.۱ درصد مواجه خواهد شد و انتظار می‌رود نرخ بیکاری با بهبود شرایط بازار کار کاهش یابد. همچنین، تورم در سال ۲۰۲۵ در محدوده هدف حدود ۲ درصد قرار خواهد گرفت که بیانگر ثبات نسبی اقتصاد است. رشد اقتصادی اخیر تحت تأثیر افزایش مصرف خانوارها، سرمایه‌گذاری ثابت و هزینه‌های دولتی است، اگرچه چالش‌هایی همچون افزایش بیکاری و فشار بر قدرت خرید خانواده‌ها همچنان وجود دارد.

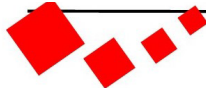
اقتصاددانان سوئدی اصلاحات هوشمندانه در سیاست‌های مالی و پولی را عامل اصلی حفظ ثبات و رشد اقتصادی می‌دانند که به رغم فشارهای جهانی، مدل اقتصادی سوئد را در مسیر مطمئن قرار داده است. همچنین با توجه به تأکید بر نوآوری و سرمایه انسانی، سوئد نقش کلیدی خود را در اقتصاد جهانی به‌عنوان کشوری با نظام اقتصادی پویا و پایدار حفظ خواهد کرد.



و هزینه‌های بالای خدمات اجتماعی وجود دارد، توانایی سوئد در مدیریت هوشمندانه این مسائل، آن را به الگویی قابل احترام در جهان تبدیل کرده است.



این مدل با تکیه بر یک دولت رفاه همه جانبه سیاست‌های مالیاتی پیشرفته بازار کار انعطاف‌پذیر و سرمایه‌گذاری مستمر در نوآوری و نیروی انسانی، توانسته است پایداری و رشد اقتصادی متعادل را به ارمغان آورد.



ادامه راه موفق سوئد مستلزم حفظ این تعادل ظریف میان حمایت‌های اجتماعی و رقابت‌پذیری اقتصادی، اصلاح سیاست‌های بازار کار و بهره‌گیری از فرصت‌های فناوری و نوآوری است. این مدل نشان می‌دهد که اقتصاد می‌تواند همزمان عادلانه و پویا باشد و دولت نقش کلیدی در تضمین امنیت اجتماعی و رشد اقتصادی ایفا کند.

\*فهرست منابع و مآخذ:

۱. Aiginger, Karl. "The Swedish Economic Model." WIFO Working Papers No. ۷۰۰۲.۳۰۲ [https://www.econstor.eu/bitstream/۱۱۲۸۸۶۴/۱۰۴۱۹/wp\\_۳۰۲.pdf](https://www.econstor.eu/bitstream/۱۱۲۸۸۶۴/۱۰۴۱۹/wp_۳۰۲.pdf)
۲. Sanandaji, Nima. "The Surprising Ingredients of Swedish Success." Institute of Economic Affairs, ۲۰۱۲. <https://iea.org.uk/sites/default/files/publications/files/Sweden۲۰۰۰Paper.pdf>
۳. Blyth, Mark. "The Transformation of the Swedish Model: Economic Ideas, Distributional Conflict, and Institutional Change." World Politics, ۱۰۰۲ <https://www.cambridge.org/core/journals/world-politics/article/transformation-of-the-swedish-model-economic-ideas-distributional-conflict-and-institutional-change/۴۵۵۶۰/F۸C۵۵۰۸D۰EF۰۹۹۳۸۰۹۲۴۳۱۲۸D۴۱>
۴. Sanandaji, Nima. "The Evolution of the Swedish Market Model." Wiley, ۳۲۰۲ <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/۱۰.۱۱۱۱/ecaf.۱۲۵۷۳>
۵. Le modèle économique suédois : entre marché et État-providence," Revue d'économie politique, ۲۰۱۸
۶. Dupont, Jean. "La Suède et son modèle économique : Une analyse critique." Éditions Economica, ۲۰۲۰
۷. La flexicurité en Suède : une stratégie innovante pour le marché du travail," Travail et Société, ۲۰۱۹

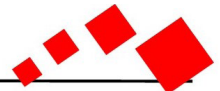
با این حال، چالش‌هایی همچون افزایش هزینه‌های دفاعی، نیاز به جذب نیروی کار مهاجر و مدیریت پایین بودن نرخ مشارکت جمعیت فعال، همچنان بخش‌هایی هستند که دولت باید برای حفظ مدل موفق اقتصادی خود بر آنها تمرکز کند.

چالش‌ها و فرصت‌هایی مدل اقتصادی سوئد مدل اقتصادی سوئد، علی‌رغم موفقیت‌های چشمگیر در ترکیب عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی، با مجموعه‌ای از چالش‌های مهم روبروست که باید به دقت مدیریت شوند. یکی از اصلی‌ترین این چالش‌ها، مسائل مربوط به جمعیت و مهاجرت است. سوئد به‌عنوان کشوری با جمعیتی رو به پیری و نرخ باروری پایین، برای حفظ نیروی کار مورد نیاز و پویایی اقتصادی، به جذب نیروی کار مهاجر متکی است.

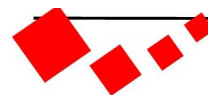
این موضوع مستلزم سیاست‌های یکپارچه و هماهنگ جهت ادغام اجتماعی و اقتصادی مهاجران به جامعه است که در غیر این صورت می‌تواند باعث افزایش فشار بر نظام‌های رفاهی و اجتماعی شود. افزون بر این، رشد هزینه‌های خدمات رفاهی و سلامت، بویژه با افزایش جمعیت سالمند، فشارهای بودجه‌ای بر دولت وارد می‌کند.

این امر نیازمند اصلاحات مالی و بهینه‌سازی کارآمدی دولت است تا بتواند بدون کاهش کیفیت خدمات، بار مالی را مدیریت نماید. از سوی دیگر، جهانی‌شدن و رقابت فراگیر بین‌المللی، ساختارهای اقتصادی سوئد را تحت تأثیر قرار داده است. حفظ توانمندی‌های نوآورانه و سرمایه انسانی، توسعه فناوری‌های جدید و سرمایه‌گذاری در بخش‌های با ارزش افزوده بالا، فرصت‌های بزرگی بشمار می‌آیند که می‌توانند به تقویت جایگاه سوئد در اقتصاد جهانی کمک کنند.

اقتصاددانان سوئدی معتقدند که ادامه مسیر توسعه پایدار نیازمند انعطاف‌پذیری بیشتر در سیاست‌های اقتصادی، کاهش موانع بوروکراتیک و ارتقاء همکاری‌های بین‌المللی است. همچنین، توجه ویژه به سیاست‌های آموزشی و توسعه مهارت‌ها، می‌تواند تضمین‌کننده توانمندی نیروی کار در مواجهه با چالش‌های آینده باشد. چنین راهبردهایی، در کنار حفظ مدل دولت رفاه پویا، سوئد را قادر می‌سازد تا در دهه‌های آینده نیز به‌عنوان الگویی موفق در ترکیب عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی باقی بماند.



سوئد به‌عنوان کشوری با جمعیتی رو به پیری و نرخ باروری پایین، برای حفظ نیروی کار مورد نیاز و پویایی اقتصادی، به جذب نیروی کار مهاجر متکی است.



\*جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

مدل اقتصادی سوئد نمایانگر تلفیقی موفق از عدالت اجتماعی و کارآمدی اقتصادی است که ریشه در تاریخ تحولات تدریجی و سیاست‌گذاری هوشمندانه دارد. این مدل با تکیه بر یک دولت رفاه همه جانبه سیاست‌های مالیاتی پیشرفته بازار کار انعطاف‌پذیر و سرمایه‌گذاری مستمر در نوآوری و نیروی انسانی، توانسته است پایداری و رشد اقتصادی متعادل را به ارمغان آورد. هرچند چالش‌هایی مانند تغییرات جمعیتی، فشارهای جهانی

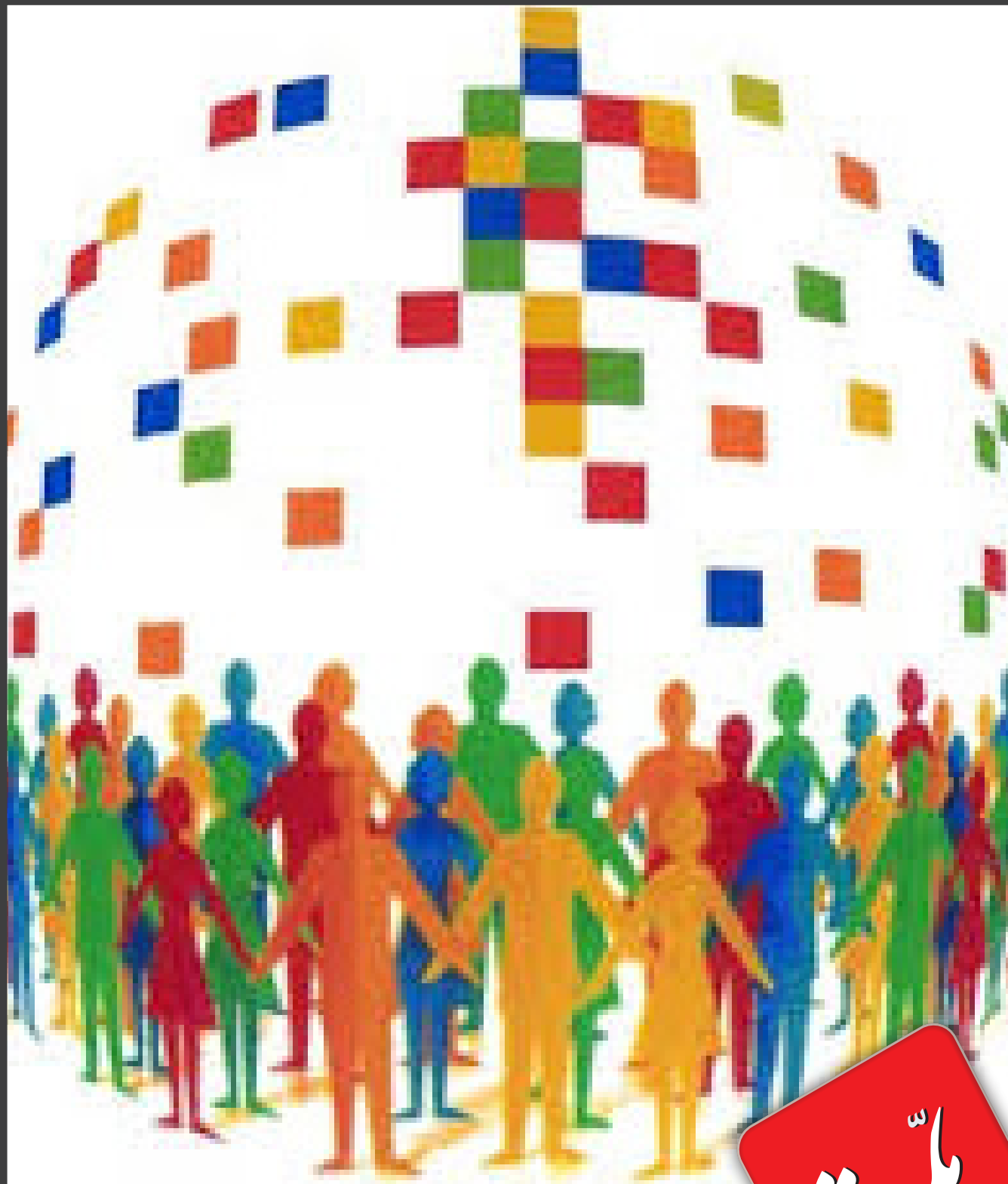


هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۹۹

۱۰ آبان سال ۱۴۰۴

# اجتماعی





## جین گودال تولد و دوران کودکی



بهزاد میقانی

فعال محیط زیست



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۹۹

۱۰ آبان سال ۱۴۰۴

ما (مانند شامپانزه‌ها)، می‌بایستی رفتار آن‌ها در محیط طبیعی مطالعه شود. او تصمیم گرفت جین را برای این کار تشویق کند. در ژوئیه ۱۹۶۰، وقتی ۲۶ ساله بود، او وارد منطقه حفاظت شده Gombe Stream در تانزانیا شد تا زندگی شامپانزه‌های وحشی را مطالعه کند.

روشش برخلاف سنت‌های علمی آن زمان بود: بجای دوری کردن و تلاش برای مشاهده از دور، او با صبر و آرامش، حضورش را کم‌کم به شامپانزه‌ها معرفی کرد تا آن‌ها به او عادت کنند.

یکی از کشفیات برجسته‌اش این بود که شامپانزه‌ها ابزار می‌سازند یا از اشیاء ساده برای دسترسی به غذا استفاده می‌کنند \_ امری که پیش از آن فرض می‌شد مختص انسان‌هاست.

او همچنین مشاهده کرد که شامپانزه‌ها در شکار گروهی شرکت می‌کنند، رفتارهای اجتماعی پیچیده دارند، روابط عاطفی برقرار می‌کنند، و احساساتی چون همدلی یا غم را نشان می‌دهند. این کشفیات باعث شد دیدگاه رایج در زیست‌شناسی و انسان‌شناسی درباره تفاوت انسان و دیگر حیوانات به چالش کشیده شود. در سال ۱۹۶۶ تز دکترای خود را با موضوع «رفتار شامپانزه‌های

والری جین موریس-گودال (Valerie Jane Morris-Goodall) در ۳ آوریل ۱۹۳۴ در لندن انگلستان به دنیا آمد.

پدرش مورتمور هربرت موریس-گودال (Mortimer Herbert Morris-Goodall) و مادرش مارگارت مای‌فانوی جوزف که با نام نویسنده‌گی (Vanne Morris-Goodall) شناخته می‌شد بودند.

خانواده بعدها به بورنموث (Bournemouth) منتقل شدند و جین در آنجا بزرگ شد.

از کودکی، علاقه شدیدی به جانوران داشت. گفته شده یکی از خاطره‌هایش این است که پدرش به او عروسکی از شامپانزه با نام (Jubilee) داده بود، و این عروسک نقش مهمی در شکل‌گیری علاقه او به دنیای حیوانات داشت.

در دوران مدرسه، او پرنده‌ها، حیوانات کوچک، خزندگان و دیگر گونه‌ها را مطالعه می‌کرد و علاقه‌اش به طبیعت وصال شد.

ورود به آفریقا و آغاز پژوهش شامپانزه‌ها جین در سال ۱۹۵۷ به شرق آفریقا رفت، ابتدا به کنیا، و در آنجا با لوئیس لیک (Louis Leakey)، دیرینه‌شناس تأثیرگذار، آشنا شد. لیک معتقد بود که برای درک تکامل انسان و خویشاوندان نزدیک



آزاد در طبیعت» (Behaviour of Free- Living Chimpanzee) ارائه داد.

\*زندگی شخصی و فعالیت‌ها فراتر از پژوهش در سال ۱۹۶۲، فیلمبرداری از جین در عرصه کار می‌کرد. تهیه‌کننده‌ای به نام هوگو وان لایوک (Hugo van Lawick)، هلندی، برای مستندسازی زندگی او در جنگل فرستاده شد. آنان رابطه‌ای عاطفی برقرار کردند و ازدواج کردند؛ مراسم عروسی‌شان در ۲۸ مارس ۱۹۶۴ برگزار شد.

جین و هوگو صاحب پسری بنام هوگو اریک لوئیس (Hugo Eric Louis)، که به اختصار «گراب» (Grub) نامیده می‌شد، شدند. با اینکه او بعدها ارتباط نزدیکی با زندگی پژوهشی داشت، اما همیشه علاقه داشت که خانواده‌اش نیز اهمیت داشته باشد. در دهه‌های بعدی، جین گودال وارد عرصه فعالیت‌های محیط‌زیستی و محافظت از جانوران شد. او مؤسسه Jane Goodall Institute را در سال ۱۹۷۷ تأسیس کرد تا پژوهش، آموزش و حفاظت از شامپانزه‌ها و زیستگاه‌هایشان را تسهیل کند. در سال ۱۹۹۱ نیز جنبش Roots & Shoots را راه‌اندازی کرد؛ طرحی جوان‌محور برای تلفیق محیط‌زیست، حقوق حیوانات و عدالت اجتماعی، که اکنون در بسیاری از کشورها فعال است. گودال به‌عنوان سخنران، نویسنده، مشاور محیط‌زیست و مدافع حقوق حیوانات شناخته شد. او در سراسر جهان سفر می‌کرد تا پیام‌های امیدبخش در مورد رابطه انسان با طبیعت را منتشر کند. او همچنین تلاش می‌کرد تا نگاه اخلاقی‌تری به حیوانات در تحقیقات علمی، کشاورزی و صنعت ارائه دهد و مردم را به داشتن همدلی و مسؤولیت در برابر محیط‌زیست تشویق کند.

در عرصه افتخارات، گودال جوایز متعددی کسب کرد:

(Kyoto Prize ۱۹۹۰)

(Hubbard Medal ۱۹۹۵)

(Tyler Prize for Environmental Achievement ۱۹۹۷)

Dame Commander of the Order of the British Empire

عنوان «دیم» از پادشاهی بریتانیا در سال ۲۰۰۴

(Templeton Prize ۲۰۲۱)

و در سال ۲۰۲۵، جایزه Presidential Medal of Freedom

از سوی رئیس‌جمهور ایالات متحده اعطا شد.

جالب است بدانید که جین گودال بدون دارا بودن مدرک کارشناسی وارد دنیای علمی شد و پس از سال‌ها پژوهش و دستاوردها، توانست دکترای خود را کسب کند.

### \*درگذشت و میراث

جین گودال در روز ۱ اکتبر ۲۰۲۵ در سن ۹۱ سالگی در لس‌آنجلس آمریکا دارفانی را وداع گفت.

بیانیه‌ها می‌گویند که او بر اثر علل طبیعی در حال برگزاری یک تور سخنرانی در ایالات متحده بود.

پس از خبر درگذشتش، پیام‌های تسلیت و ادای احترام از سرتاسر دنیا منتشر شد، از سوی علم‌مداران، رهبران سیاسی و فعالان محیط زیست.

### میراث جین گودال بسیار بزرگ است:

سیک روش تحقیق او - زندگی مشترک با حیوانات، مشاهده دقیق و با احترام - تأثیری عمیق بر علم رفتار حیوانات گذاشت.



## جاماندگی



عباس امامی



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۹۹

۱۰ آبان سال ۱۴۰۴

نخبگان جامعه جاماندگی را در هجرت و انزوا می جویند. ناسزاگویی بر در و دیوار شهر حاصل خشم و نفرت از جاماندگی است. در کنکور تقلب می کنند چون احساس می کند جا خواهند ماند. فرزندی به دنیا نمی آورند چون فکر می کنند جایی برای ماندن نیست. به پایتخت و شهرهای بزرگ مهاجرت می کنند تا از مواهب مرکز نشینی جانمانند.

به موازات افزایش تورم، قیمت دستگاه طلا یاب گران می شود چون می خواهند فاصله جاماندن را یکسبه جبران کنند.

به هر طریقی پایان نامه می خرد و دکتری می گیرد چون احساس می کند جامانده است.

به سیاست وارد می شود چون احساس می کند جبران جاماندگی در سیاست سهل الوصول است.

جاماندگان در هر منصبی که باشند طلب جاماندگی خواهند کرد. پزشک خارج از عرف دستمزد طلب می کند چون خود را جامانده از نردبان ترقی می بیند.

سیم برق و تلفن به سرقت می رود تا صدای جاماندگی اش را کسی بشنود.

روحانی نماز ظهر و عصر را در چند محراب اقامه می کند تا جانمانند.

مداح جاماندگی را در پاکت تقدیمی می جوید.

مربی فوتبال جاماندگی در جدول لیگ راز جادوگر طلب می کند.

استاد دانشگاه برای ارتقا رتبه ترجمه و مقاله دانشجو را پلکان خود می کند تا از نردبان ترقی جانمانند.

جامعه جامانده کاستی، رانتهی و خشمگین است.

حسرت و درد جاماندن در نظام نابرابر و عدم فرصت مساوی نسبت به دیگران و مقایسه خود با سایرین خشمی جانکاه و نفرتی بی حد در عمق وجود فرد می نشاند.

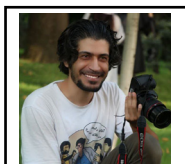
جاماندگی در مال و جاه خلاصه نمی شود:

- جاماندن دخترکان از حق تحصیل بواسطه ازدواج و کودکی نکردن.
- جاماندن از تحصیل پسران بواسطه کودک کار شدن
- جاماندن از عاشقی بواسطه ازدواج اجباری
- جاماندن از حق کار و تحصیل زنان بواسطه قوانین حاکم
- جاماندن مادران از حق طلاق
- جاماندن نخبگان از حق برابر با رانت خوران در شبکه پیچیده نظام اداری
- جاماندن هنرمندان از خلق اثر
- جاماندن کار آفرینان از حقوق برابر با رانت خواران اقتصادی
- جاماندن جوانان در نظام سهمیه از حق برابر تحصیل
- جاماندگی مهمترین عامل خشم و نارضایتی جامعه است.

به دنبال افزایش قیمت دلار و تورم میزان سرقت اولی ها افزایش میابد و این نشان می دهد سارق برای پر کردن جاماندگی سرقت را برگزیده است. میزان رشوه و حق و حساب در ادارات دولتی افزایش یافته؛ رشوه خوار جاماندگی را از دیگران طلب می کند.

جاماندگی در بالاترین سطوح سیاسی کشور رواج دارد حتی وزیر هم مستثنی نیست او هم دارد جاماندگی را از صاحبان ثروت مطالبه می کند. سارقین به عنف در کوچه و خیابان با خشونت جاماندگی را جبران می کنند.

## ریشه‌ها و ورود گوجه‌فرنگی به ایران



بهزاد میقانی

فعال محیط زیست

هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۹۹

۱۰ آبان سال ۱۴۰۴

❖ تأثیر گوجه‌فرنگی بر رنگ و زیبایی غذا در آشپزی ایرانی رنگ و بصری: گوجه‌فرنگی به غذاها رنگی روشن، گرم و جذاب می‌بخشد. رنگ قرمز یا نارنجی که از لیکوپن (یک رنگدانه‌ی کاروتنوئیدی) در گوجه‌فرنگی ناشی می‌شود، تأثیر بصری قوی دارد. این رنگ در فرهنگ غذایی ایران اهمیت خاص دارد؛ غذاهایی که خوش‌رنگ باشند، به لحاظ دیداری «اشتها آورتر» محسوب می‌شوند. گوجه‌فرنگی این امکان را می‌دهد که غذاها نه فقط از نظر طعم و عطر، بلکه از نظر ظاهر هم جذاب شوند.

ترکیب با سایر رنگ‌دهنده‌ها: در آشپزی ایرانی، ادویه‌هایی مثل زردچوبه (که رنگ زرد طلایی دارد) از زمان‌های قدیم نقش مهمی در ایجاد رنگ و درخشندگی غذاها داشته‌اند. افزودن گوجه‌فرنگی، بویژه در انواع خورش‌ها، آبگوشت، آش، غذاهای گوشتی و کباب‌ها، ترکیبی از رنگ‌ها را فراهم می‌کند: زرد زردچوبه + قرمز گوجه = طیفی چشم‌نوازی از رنگ‌های گرم (نارنجی، طلایی، قرمز روشن) که چشم را جذب می‌کند.

گوجه‌فرنگی نام علمی (Solanum lycopersicum) بومی مناطق آمریکای جنوبی و مرکزی است. پیش از ورود به اروپا در سده‌های قرون وسطی، بومیان آن قاره‌ها آن را به‌عنوان میوه یا سبزی بومی می‌شناختند.

پس از کاوش‌های اروپاییان، گوجه‌فرنگی به تدریج از طریق اسپانیا، ایتالیا و سایر کشورهای اروپایی به خاورمیانه رسید.

در ایران، ورود گوجه‌فرنگی مربوط به دوره قاجار است. یکی از اشخاص کلیدی در آوردن بذر و کاشت گوجه‌فرنگی به ایران، معیرالممالک بوده است. گفته می‌شود که وی در سفر به اروپا، بذر گوجه‌فرنگی و دستورالعمل کشت آن را به ایران آورد و در مزرعه‌ای مانند باغ فردوس (تجربش) کاشت نمود.

در ابتدا، استفاده از گوجه‌فرنگی در ایران با مقاومت فرهنگی همراه بود. برخی مردم به آن «بادمجان ارمنی» می‌گفتند و با ادعاهایی درباره این که «خارجی است» یا «غیرمجاز»، مخالفت‌هایی وجود داشت. به تدریج این مقاومت کمرنگ شد و مصرف گوجه‌فرنگی پذیرفته شد.

موجود در گوجه‌فرنگی خاصیت آنتی‌اکسیدانی دارد و برای سلامت پوست، قلب و پیشگیری از برخی بیماری‌ها مفید است. این ارزش غذایی به محبوبیت آن کمک کرده است.

#### ۴. جنبه اقتصادی و صنعتی

تولید گوجه‌فرنگی در بسیاری از استان‌ها رواج یافته است و صنایع تبدیلی - مانند تولید رب گوجه‌فرنگی، سس‌ها و کنسروها - یک بخش مهم از اقتصاد کشاورزی و غذایی محسوب می‌شوند. این سبب شده است که گوجه‌فرنگی به یک کالای استراتژیک برای امنیت غذایی و صنعت غذا تبدیل شود.

#### ۵. تطابق با ذائقه و فرهنگ غذایی ایرانی

غذاهای ایرانی معمولاً ترکیبی از مزه‌ها و رنگ‌ها را دوست دارند. ترشی مختصر، شیرینی ملایم، تندی اندک، روغن، ادویه و همچنین رنگ زیبا. گوجه‌فرنگی با خصوصیاتش امکان تنوع بسیار در طعم و رنگ را می‌دهد و به آسانی در فرهنگ آشپزی ایران جای گرفت.

#### ۶. روند تغییرات و چالش‌ها

در ابتدا گوجه‌فرنگی بیشتر به صورت گیاه زینتی یا کمیاب بود، یا فقط در فصل خاصی در دسترس بود.

با توسعه کشاورزی، واردات بذرهای مقاوم‌تر، و استفاده از گلخانه‌ها، تولید زیاد و قیمت مناسب‌تر باعث شد که گوجه‌فرنگی از یک کالای لوکس یا خارجی به یکی از اقلام اولیه و رایج تبدیل شود. علاوه بر این، تغییر در سلیقه مردم و افزایش آگاهی از فواید سلامتی باعث افزایش مصرف گوجه‌فرنگی خام، سالادها، یا به عنوان چاشنی شده است.

#### ۷. نتیجه‌گیری

گوجه‌فرنگی از یک محصول وارداتی و خارجی به مرور به یکی از پایه‌های آشپزی ایرانی تبدیل شده است. نقش آن نه فقط از نظر تغذیه‌ای، بلکه بصری - رنگی نیز بسیار مهم است. با ترکیب با ادویه‌هایی مثل زردچوبه، گوجه‌فرنگی به غذاها رنگ و جلوه‌ای می‌دهد که بر جذابیت و لذت غذا می‌افزاید. امروز، گوجه‌فرنگی نه تنها در سفره‌های روزمره، بلکه در صنایع غذایی، صادرات و فرهنگ آشپزی ایران جایگاهی استراتژیک دارد.

### \*زردچوبه، نقش آن و تعامل با گوجه‌فرنگی

نقش زردچوبه: این ادویه که از ریزوم گیاهی زردچوبه به دست می‌آید، علاوه بر عطر و طعم، رنگی طلایی-زرد دارد که در آشپزی ایرانی بسیار محبوب است. زردچوبه در غذاهایی مثل آبگوشت، انواع خورشت‌ها و دلمه‌ها به کار می‌رود و معمولاً باعث روشنی رنگ و لطافت بیشتر در ظاهر غذا می‌شود.

ترکیب زردچوبه و گوجه‌فرنگی: وقتی گوجه‌فرنگی و زردچوبه با هم استفاده می‌شوند، هم رنگ و هم طعم غذا غنی‌تر می‌شود. برای مثال، در خورشت‌هایی که با رب یا گوجه تازه تهیه می‌شوند، رنگ قرمز گوجه نقطه کانونی بصری است و زردچوبه به آن عمق می‌دهد، رنگ را گرم‌تر و تمایل به طلایی/نارنجی می‌دهد. علاوه بر زیبایی، این ترکیب تأثیری روی طعم غذا دارد: گوجه‌فرنگی ترشی مختصر، شیرینی و آبداری اضافه می‌کند، و زردچوبه علاوه بر کمی تلخی و عطری گرم، باعث ایجاد تعادل در طعم کلی می‌شود. چگونه گوجه‌فرنگی تبدیل شد به یک محصول استراتژیک در آشپزی ایران

### چند عامل در این تبدیل نقش داشته‌اند:

#### ۱. سازگاری اقلیمی و کشاورزی

گوجه‌فرنگی گیاهی است که در شرایط متنوع آب و هوایی ایران قابل کشت است (از مناطق گرمسیری تا معتدل)، و با پیشرفت فناوری‌هایی مانند گلخانه، تولید محصول در فصول مختلف ممکن شده است. این باعث شده که گوجه‌فرنگی همیشه در سبد غذایی مردم باشد.

#### ۲. کاربرد گسترده

گوجه‌فرنگی تنها ماده خام نیست، بلکه در اشکال مختلف استفاده می‌شود: تازه، پخته، رب، سس، خشک شده و کنسرو. در غذاهای سنتی ایرانی نظیر خورشت‌ها، آش‌ها، آبگوشت، کباب یا همراه با برنج، سالادها و چاشنی‌ها گوجه‌فرنگی نقش دارد.

#### ۳. مزایای تغذیه‌ای و سلامتی

گوجه‌فرنگی سرشار از ویتامین‌ها بویژه ویتامین C، ویتامین A به شکل بتاکاروتن، مواد معدنی، فیبر و آنتی‌اکسیدان‌ها است. لیکوپن



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۹۹

۱۰ آبان سال ۱۴۰۴





## زنان غیر نظامی در غزه: بار سنگین جنگ بر دوش بی صدایان



نیروانا مهر آیین



یتیم شوند. برآوردها نشان می‌دهند که نزدیک به یک میلیون زن و دختر آواره شده‌اند.

در یک نظرسنجی سریع از ۸۴٪ UN Women زنان اظهار کرده‌اند که خانواده‌شان اکنون نسبت به قبل جنگ کمتر یا نیمی از غذاهایی را که پیش از جنگ مصرف می‌کردند، دارند؛ همچنین ۸۴٪ گفته‌اند در دسترسی به غذا مشکلات بیشتری نسبت به مردان دارند. در ۹۵٪ موارد مادران کسانی بوده‌اند که از خوردن غذا صرف نظر کرده‌اند تا فرزندانشان بخورند.

وضعیت بهداشت و امکانات بهداشتی برای زنان شدیداً وخیم است: کمبود شدید آب پاک، سرویس بهداشتی مناسب، امکانات بهداشت قاعدگی و بهداشت مادری (برای زنان باردار و مادران شیرده)، همچنین خدمات بهداشتی و پزشکی مختص زنان، از مشکلات جدی‌اند.

تخریب زیرساخت‌ها، آسیب به بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی، فقدان دارو و تجهیزات پزشکی، و موانع لجستیکی در رساندن کمک به مناطق تحت محاصره، وضعیت سلامت زنان و نوزادان را به مرز فاجعه کشانده است.

✳️ **تحلیل حقوقی: تعهدات بین‌المللی، نقض‌ها و مسؤولیت‌ها**  
با توجه به اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر، و نیز

جنگ در غزه پس از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳، یکی از شدیدترین بحران‌های انسانی و حقوقی را در خاورمیانه به وجود آورده است. زنان غیرنظامی در این منازعه نه فقط از حملات مستقیم رنج برده‌اند بلکه پیامدهای بلندمدت مخرب ساختاری از قبیل آوارگی، فقر، فروپاشی سیستم‌های بهداشتی، تبعیض جنسیتی در دسترسی به منابع اساسی، و ضعف نمایندگی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی را تجربه می‌کنند. این مقاله در پی آن است تا با تکیه بر آمارهای بین‌المللی و اصول حقوق بین‌الملل و علوم سیاسی، به بررسی دقیق وضعیت این زنان پردازد، مسؤولیت‌ها را شناسایی کند و راه‌حل‌هایی پیشنهاد دهد.

✳️ **ابعاد آماري آسیب به زنان در غزه**

آمارها نشان می‌دهند که زنان و دختران غزه به شکل نگران‌کننده‌ای بیشترین آسیب را در این جنگ دیده‌اند:

طبق برآورد UN Women، از ابتدای جنگ تا ماه مه ۲۰۲۵ بیش از ۲۸,۰۰۰ زن و دختر در غزه کشته شده‌اند؛ به عبارتی تقریباً یک زن یا دختر در هر ساعت در حملات نیروهای اسرائیلی جان خود را از دست داده است.

در فاصله شش ماهه اول جنگ، یعنی حدود آوریل ۲۰۲۴، بیش از ۱۰,۰۰۰ زن کشته شده‌اند که از آن میان حدود ۶,۰۰۰ نفر مادر بوده‌اند؛ این تلفات زنان باعث شده تقریباً ۱۹,۰۰۰ کودک بی‌پدر یا



کامل نظام اجتماعی و وقوع فاجعه‌ای است که بسیاری از کارشناسان حقوق بین‌الملل آن را مصداق نسل‌کشی تدریجی (Genocide by attrition) می‌دانند.

بیش از ۱۷ هزار کودک یتیم‌شده تنها یک عدد نیست؛ بلکه نشان‌دهنده نابودی نهاد خانواده در مقیاسی بی‌سابقه است. در هر جامعه‌ای، خانواده نه فقط یک ساختار زیستی، بلکه محور انتقال ارزش‌های فرهنگی، عاطفی و اجتماعی است. از بین رفتن خانواده‌ها در غزه، یعنی از هم گسیختن تار و پود جامعه‌ای که دیگر امکان بازسازی طبیعی خود را از دست داده است.

نزدیک به ۱.۷ میلیون آواره - یعنی بیش از دو سوم جمعیت غزه - در شرایطی زندگی می‌کنند که دسترسی به آب، غذا، سرپناه و خدمات درمانی به حداقل رسیده است. بر اساس معیارهای حقوق بین‌الملل بشردوستانه، این میزان جابه‌جایی اجباری می‌تواند به‌عنوان کوچ اجباری جمعی (forced displacement) تلقی شود که در ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به‌صراحت جنایت علیه بشریت دانسته شده است.

از سوی دیگر، نابودی بزرگ‌ترین کلینیک باروری غزه ابعادی فراتر از تخریب زیرساخت دارد. این اقدام به لحاظ حقوقی می‌تواند نقض حق بنیادین بر تولیدمثل و حق بر سلامت زنان تلقی شود که در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) تضمین شده است.

در شرایطی که ۵۵ هزار زن باردار و تازه‌مادر از ابتدایی‌ترین مراقبت‌های پزشکی و دارویی محروم‌اند، این محرومیت نه تنها خطر جانی برای مادر و کودک ایجاد می‌کند، بلکه به‌طور نمادین تلاشی برای قطع چرخه‌ی زندگی و تداوم نسل در این منطقه است. گزارش‌ها از زایمان روزانه ۸۳ زن بدون داروی مسکن نشان می‌دهد که جنگ از سطح نظامی فراتر رفته و به عرصه‌ای از رنج سیستماتیک انسانی تبدیل شده است. این وضعیت مصداق روشن رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز (Inhumane and Degrading Treatment) است که طبق ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو، حتی در بحبوحه جنگ نیز به‌شدت ممنوع است.

از دست‌دادن بیش از ۱۰۰ کودک در روز به‌دلیل قطع برق و کمبود اکسیژن، نه یک حادثه جانی، بلکه پیامد مستقیم سیاست‌های محاصره و بمباران است اقداماتی که از منظر حقوق بین‌الملل، نقض اصل انسانیت و ممنوعیت مجازات جمعی بشمار می‌آید. این داده‌ها در مجموع نشان می‌دهند که جنگ غزه از مرحله درگیری نظامی گذشته و به حوزه‌ای رسیده است که در آن بقای فیزیکی، روانی و نسلی مردم فلسطین تهدید شده است. وقتی زنان در تاریکی اتاق‌های بدون برق فرزندان خود را به دنیا می‌آورند و کودکانی که تازه متولد شده‌اند در اثر نبود اکسیژن می‌میرند، مفهوم «امنیت» در معنای انسانی آن به کلی از بین می‌رود. در چنین شرایطی، سکوت جامعه جهانی نه بی‌طرفی، بلکه شکل دیگری از مشارکت در نقض انسانیت محسوب می‌شود.

#### \*تحلیل سیاسی: پیامدها، اقتضائات منطقه‌ای و بین‌المللی

وضعیت زنان غیرنظامی در غزه را نمی‌توان فقط بخشی از بحران انسانی دانست؛ بحران اجتماعی-سیاسی‌ای است که تأثیرات بلندمدت بر ثبات منطقه، روابط بین‌الملل، روان جمعی و حقوق نسل آینده خواهد داشت.

#### \*تأثیر بر بازسازی اجتماعی و خانواده:



قطعه‌نامه‌ها و معاهدات بین‌المللی، وضعیت زنان در غزه شکلی از نقض گسترده حقوق است:

۱. معاهدات و قطعه‌نامه‌های مربوط به کنوانسیون‌های ژنو به خصوص کنوانسیون چهارم و پروتکل‌های الحاقی، وظیفه حفاظت از غیرنظامیان در درگیری را بر عهده دارد، از جمله حفاظت در برابر حملات مستقیم، تضمین امکان خروج‌های امن، و فراهم آوردن کمک‌های پزشکی و بشردوستانه. قطعه‌نامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل (Women, Peace and Security) تأکید دارد بر نقش قوی زنان در مذاکرات صلح و فرآیندهای بازسازی بعد از جنگ، همچنین حفاظت از زنان از خشونت جنسی، بهره‌کشی، و نقض حقوق انسانی در زمان جنگ. سایر قطعه‌نامه‌های حقوق بشر و منشور بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) و حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) نیز بر حق زندگی، سلامت، رفاه و امنیت تأکید دارند.
۲. نقض اصول اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه اصل تمایز: (Distinction) نیروهای مسلح ملزم‌اند میان اهداف نظامی و غیرنظامی تمایز قائل شوند. اما حملات به مناطق مسکونی، مدارس، بیمارستان‌ها، و زیرساخت‌های حیاتی زنان، نشان‌دهنده نقض این اصل است.
- اصل تناسب: (Proportionality) حمله‌ای که باعث آسیب بیش از حد غیرنظامیان نسبت به منفعت نظامی بشود، ممنوع است. وقتی آسیب به زنان مادران، کودکان، غیرنظامیان زیاد باشد، تناسب را زیر سؤال می‌برد.
- اصل ضرورت انسانی: ضرورت برای کمک رسانی، امنیت، و محافظت از عوامل کلیدی زندگی مانند آب پاک، غذا، امکان دسترسی به خدمات بهداشتی و کمک‌های پزشکی برای زنان.
۳. مسؤولیت بین‌المللی و پاسخگویی کشورها و گروه‌های مسلح درگیر در غزه مکلف به رعایت معاهدات بین‌المللی هستند، و در صورت نقض آن، امکان تحقیق مستقل، مستندسازی و تعقیب قضایی وجود دارد.
- سازمان‌هایی مثل دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، اتاق‌های حقوق بشر منطقه‌ای یا بین‌المللی می‌توانند موردهای خشونت سازمان‌یافته یا سیستماتیک علیه زنان را به‌عنوان جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت بررسی کنند.
- نقش دولت‌های متبوع، کشورهای ثالث، و سازمان‌های بین‌المللی در تضمین دسترسی به عدالت، الزام‌آور بودن قوانین، و ارسال کمک‌های بشردوستانه بدون موانع است.
- آمارهای منتشرشده درباره وضعیت انسانی در غزه، نشانگر فروپاشی



هفته‌نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۹۹

۱۰ آبان سال ۱۴۰۴



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۹۹  
۱۰ آبان سال ۱۴۰۴

کودکانی که مادرانشان را از دست داده‌اند یا شاهد خشونت بوده‌اند، می‌توانند نسل آینده را در مخاطره قرار دهد.

**\* پیشنهادات عملی برای حمایت از زنان جنگ‌زده در غزه**  
با توجه به تحلیل‌های حقوقی و سیاسی، این راهکارها می‌توانند در کوتاه‌مدت و بلندمدت مؤثر باشد:

۱. آتش‌بس انسانی فوری و قابل تأیید بین‌المللی  
توقف حملات مستقیم به غیرنظامیان، تضمین مسیرهای امن جهت خروج زنان و کودکان آسیب‌پذیر، و برقراری نظارت بین‌المللی بر اجرای آتش‌بس.

۲. دسترسی کامل به کمک‌های بشردوستانه بدون مانع سیاسی یا امنیتی

شامل غذا، دارو، امکانات بهداشتی مخصوص زنان، آب پاک، سوخت، امکانات بهداشت قاعدگی، لوازم مادر و کودک، بازگشایی گذرگاه‌ها، و نظارت بین‌المللی برای اطمینان از توزیع عادلانه.

۳. تقویت مداوم خدمات پزشکی مخصوص زنان  
تجهیز بیمارستان‌ها و مراکز درمانی به امکانات مامایی، بهداشت باروری، تسهیلات بهداشتی برای مادران باردار و شیرده، تأمین امکانات کامل بهداشت مادر و نوزاد، و آموزش و تأمین خدمات روانی برای زنان آسیب دیده.

۴. ایجاد پناهگاه‌های مطمئن مختص زنان و خانواده‌ها  
فراهم آوردن پناهگاه‌هایی که در آن امنیت فیزیکی و روانی وجود داشته باشد، حریم خصوصی حفظ شود، امکانات بهداشتی و بهداشت قاعدگی موجود باشد، و خدمات حمایتی در مقابله با خشونت جنسیتی در درون خانواده و پس از آوارگی ارائه شود.

۵. مشارکت زنان در صلح و بازسازی  
نمایندگی واقعی زنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی محلی و بین‌المللی در مورد صلح، بازسازی زیرساخت‌ها، توزیع منابع، تعیین اولویت‌ها؛ حمایت مالی و فنی از سازمان‌های محلی زنان برای نقش‌آفرینی مؤثر.

۶. پاسخگویی حقوقی و مستندسازی نقض‌ها  
راه‌اندازی تحقیق مستقل و بی‌طرف درباره نقض حقوق بین‌الملل، خشونت‌های جنسی، استفاده از بمب‌ها و تسلیحات غیرقابل تفکیک

زنان در فلسطین، همانند بسیاری مناطق جنگ‌زده، ستون خانواده‌اند و نقش مهمی در مراقبت از کودکان، سالمندان، و بازسازی روانی جامعه دارند. از دست دادن مادران و همسران، و افزایش تعداد خانواده‌های بی‌سرپرست، باعث فشار روانی و اقتصادی عظیم بر آنان می‌شود. یتیمان بسیاری بدون محافظت مناسب، آموزش و مراقبت، و حمایت روانی باقی می‌مانند.

**\* پیوند میان جنسیت و فقر/کرامت انسانی:**  
فقر ناشی از جنگ، محرومیت غذایی، نبود دسترسی به آب پاک و بهداشت، نه تنها شرایط زندگی را دشوار کرده، بلکه بر کرامت زنان تأثیرگذار است. مسأله‌هایی مانند عدم امکان مدیریت بهداشت قاعدگی، بازار مناسب، سرویس بهداشتی ایمن، امکانات بهداشتی برای بارداری، همه نشان‌دهنده یک فقدان دید جنسیتی در کمک‌رسانی است.

**\* ضعف نمایندگی و تأثیر بر سیاست صلح:**  
فقدان حضور زنان در مذاکرات صلح، در تصمیم‌گیری‌های بازسازی، در برنامه‌ریزی کمک‌های بشردوستانه و تعیین سیاست‌های مرتبط با حقوق بشر سبب شده که نیازها و اولویت‌های زنان دیده نشده یا کم‌رنگ‌در نظر گرفته شوند. مشارکت زنان نه فقط مسأله برابری است، بلکه عاملی حیاتی برای صلح پایدار، کاهش تنش و تضمین بازگشت حقوق.

**\* نقش و مسؤولیت جامعه بین‌المللی و نهادهای دیپلماتیک:**  
کشورها، سازمان‌های غیردولتی، سازمان ملل و نهادهای حقوق بشر موظف‌اند فشار دیپلماتیک، مانیتورینگ حقوق بشر، حمایت مالی و لجستیکی از سازمان‌های محلی زنان، و تضمین دسترسی کامل کمک‌های بشردوستانه را اعمال کنند. همچنین شفافیت در گزارش‌ها، امکان دسترسی به داده‌های دقیق و مستقل، مستندسازی نقض‌ها، و پاسخگویی در سطح بین‌المللی اهمیت دارد.

**\* پیامدهای امنیت منطقه‌ای و روانی:**  
استمرار خشونت و نقض حقوق زنان می‌تواند به رادیکالیسم، فروش تسلیحات، عدم اعتماد در جامعه بشری، افزایش نفرت بین‌المللی و پیامدهای بین‌نسلی منجر شود. همچنین تأثیرات روانی بلندمدت بر

در برابر همه این فجایع، آنچه بیش از هر چیز وجدان جهانی را به چالش می کشد، سکوت سنگین جامعه بین المللی است. سکوتی که نه ناشی از ناآگاهی، بلکه نتیجه‌ی مصلحت‌سنجی‌های سیاسی و بی‌عملی نهادهایی است که خود را مدافع حقوق بشر می‌دانند. زنان غزه، در حالی که زیر بار بمباران، آوارگی و بی‌خانمانی در تلاش‌اند خانواده‌های خود را زنده نگه دارند، شاهدند که سازمان‌های جهانی، تنها به صدور بیانیه‌های هشدار اکتفا می‌کنند و هیچ اقدام الزام‌آوری برای توقف رنج آنان صورت نمی‌گیرد. این سکوت، از نظر حقوقی نیز معنای سنگینی دارد. ماده یک مشترک در کنوانسیون‌های ژنو، دولت‌های عضو را موظف می‌کند نه فقط خود از نقض حقوق بشر دوستانه پرهیز کنند، بلکه برای پیشگیری و توقف آن نیز اقدام مؤثر انجام دهند. اما امروز، در برابر محرومیت هزاران زن از حق زایمان ایمن، حق بر سلامت، و حتی حق بر حیات، هیچ سازوکار بین‌المللی کارآمدی فعال نشده است. این بی‌عملی، نقض ضمنی تعهدات بین‌المللی و نوعی شراکت در تداوم رنج انسانی محسوب می‌شود.

در سطح نمادین نیز، سکوت جهانی به معنای انکار تجربه زنان فلسطینی است. زنانی که سال‌ها نقش حافظ زندگی و پایداری را بر عهده داشتند، اکنون نه به‌عنوان قربانیان یک جنگ، بلکه به‌عنوان صداهایی خاموش و نادیده گرفته شده در حاشیه سیاست بین‌الملل دیده می‌شوند. نبود واکنش مؤثر جهانی، پیامی غیرمستقیم به آنان می‌فرستد: اینک رنجشان، هر چند آشکار، ارزش مداخله ندارد. از منظر اخلاق سیاسی، چنین سکوتی خطرناک‌تر از خشونت است؛ زیرا خشونت را عادی و استمرار آن را ممکن می‌کند. تاریخ نشان داده است که بی‌تفاوتی در برابر رنج زنان و کودکان، نخستین گام در مشروعیت‌بخشی به بی‌عدالتی است. امروز، در سایه آوارهای غزه، جهان نه تنها با آزمونی انسانی، بلکه با آزمونی اخلاقی مواجه است:

آیا کرامت زن فلسطینی - که در میان ویرانه‌ها فرزند خود را در آغوش دارد - هنوز در وجدان جهانی جایگاهی دارد یا خیر؟ بیایید صدای زنان غزه باشیم. بیایید کمک کنیم تا قوانین، سیاست‌ها، و وجدان بین‌المللی نه فقط کلمات روی کاغذ باشند، بلکه در زمین واقعی زندگی زنان تأثیر بگذارند.

در مناطق مسکونی؛ جمع‌آوری شواهد برای استفاده در دادگاه‌های بین‌المللی؛ فشار بر دولت‌ها و گروه‌ها برای رعایت اصول حقوق بشر و بشردوستانه.

۷. کمک مالی هدفمند و منابع پایدار

تخصیص بودجه بیشتر به سازمان‌های زنان محلی، تضمین اینکه کمک‌ها به نحوی طراحی شوند که نیازهای متفاوت زنان را دیده و تامین کنند؛ کمک‌های اضطراری و بلندمدت برای آموزش، معیشت، بهبود امکانات زیست‌محیطی.

۸. آگاه‌سازی بین‌المللی و رسانه‌ای

انتشار گزارش‌ها و داستان‌های زندگی زنان به‌طور معتبر، ایجاد کمپین‌های جهانی برای حمایت حقوق بشر، فشار افکار عمومی بر دولت‌ها برای مداخله انسانی، رعایت حقوق بین‌المللی و قطعنامه‌ها.

### \*نتیجه‌گیری:

در قلب حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مفهومی وجود دارد که همه قواعد دیگر از آن سرچشمه می‌گیرند: اصل انسانیت. این اصل، فراتر از هر مصلحت نظامی یا سیاسی، بر ارزش ذاتی حیات انسانی و کرامت هر فرد تأکید دارد. طبق ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی باید همواره با احترام به حقوق بشر و شأن انسانی همراه باشد. وقتی جنگ به مرحله‌ای می‌رسد که زنان - به‌ویژه مادران، دختران و سالخوردگان - هدف مستقیم یا غیرمستقیم خشونت می‌شوند، این اصل بنیادین نقض شده است.

غزه امروز نمادی است از آنچه می‌تواند برای زنان غیرنظامی در جنگ به وقوع بپیوندد وقتی تعهدات حقوقی بین‌المللی نقض شوند، وقتی ساختارهای سیاسی و بشردوستانه پاسخگو نباشند، و وقتی زنان به درجات انسانی‌شان نادیده گرفته شوند. زنان غزه نه تنها قربانی خشونت فیزیکی‌اند، بلکه قربانی فقر، گرسنگی، بیماری، بی‌سرپناهی، و فقدان کرامت شده‌اند.

حمایت از آنان فقط یک وظیفه بشردوستانه یا اخلاقی نیست؛ یک الزام حقوقی، سیاسی و اخلاقی است برای کل جامعه بین‌المللی. آنچه امروز در غزه رخ می‌دهد، آزمونی است برای مفاهیم عدالت، قوانین بین‌المللی و برای این‌که چگونه ما انسانیت را در عمل تعریف می‌کنیم.



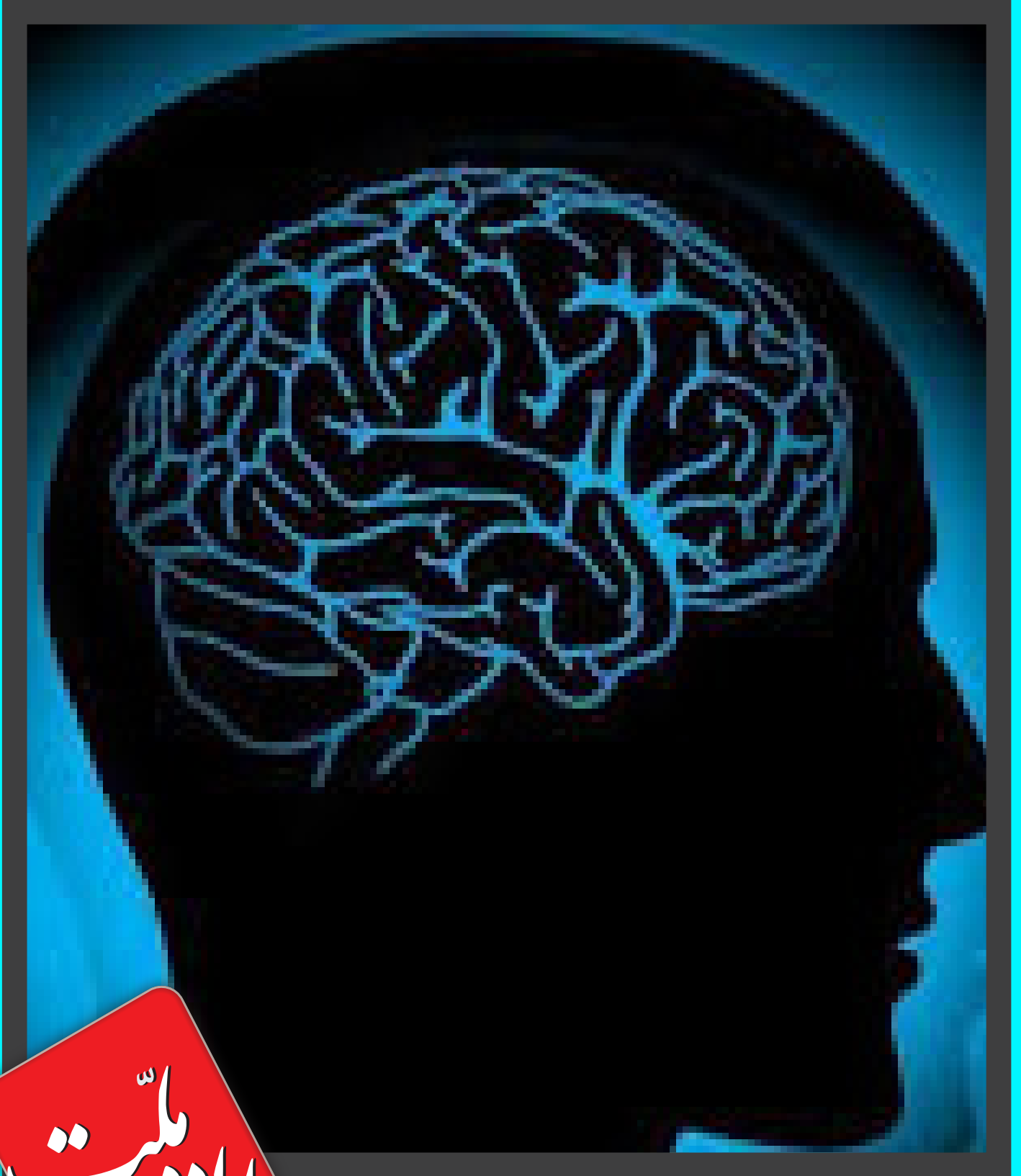
هفته‌نامه غیربرخط  
اراده ملت

شماره ۹۹

۱۰ آبان سال ۱۴۰۴



اندیشه



## من پاییز سرد می خواهم



فاطمه امامی

Femami53@gmailcom



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۹۹

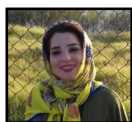
۱۰ آبان سال ۱۴۰۴

وای چقدر دلم باران با هوای سرد پاییزی می خواهد.  
درخت انار شهر سهراب هنوز حس سرما نکرده اگر سرما نبیند  
انار، بر درخت جاودانه خواهد شد.  
بدجوری به صدای گاو بانکی مارال عادت کردم اگر سرد نشود  
آوازش را گم خواهد کرد؟!  
دلم باران با سوز پاییزی می خواهد.  
دلم خوابی شیرین برای هر موجود زنده ای می خواهد.  
وای بر روزی که هیچ چیز و هیچ کس نخواهد و باران نیارد.  
من از روزی که سنجاب فندق را در خاک پنهان نکند و کلاغ،  
گردو را در خاک نهد و شته ها بر روی درخت انار هنوز جولان  
دهند و خرس به خواب زمستانی نرود، می ترسم!  
من باز هم پاییز پر باران و سرد را دوست دارم، اگر بیاید همه  
چیز زیبا، مثل قبل خواهد شد.

وای دلم باران در پاییز می خواهد  
باران نقطه شروعی برای رفتن به خواب است.  
دلم می خواد درخت گردوی باغچه خانه، برگ هایش بیفتد.  
وقتی درخت زردآلوی خانه هنوز بیدار است سنجاقک فکر  
می کند باید در پاییز هم برقصد.  
کلاغ را دیدم دانه در خاک می گذارد او برای پاییز آماده می شود  
ولی راهش را گم کرده می بیند درخت گردو هنوز برگ تازه  
می دهد.  
گل یاس در باغچه، تابستان برگ نداشت در پاییز سبز شده او  
فکر می کند باید دوباره گل بدهد.  
گره های خانه نمی دانند بخوابند یا باید بزنند.  
درخت سیب خانه ما هر سال بعد از بهار آفت می زند الان در  
پاییز هم آفت می زند، آفت ها هم راه زایش را گم کرده اند.



## فشار اقتصادی و بحران خاموش خودکشی



طیبه معصومی



شوک روانی، آسیب جدی به کودکان، و گاه ترک تحصیل یا ورود زود هنگام به بازار کار و چرخه آسیب اجتماعی مواجه می‌شود. این روند در نهایت می‌تواند به افزایش حاشیه‌نشینی و شکاف‌های اجتماعی منجر شود.

### \* تجربه جهانی

کشورهایی مانند ژاپن و ایتالیا در بحران‌های اقتصادی مشابه، موج‌های خودکشی را تجربه کرده‌اند؛ اما با ایجاد شبکه‌های حمایتی روانی و مالی توانستند نرخ رشد این تراژدی را کاهش دهند. در مقابل، در کشورهایی فاقد چنین حمایت‌ها، مانند افغانستان، پیامدها به نسل‌های بعدی نیز منتقل شده است.

### \* راهکارها

- ایجاد صندوق‌های حمایت فوری، برای خانوارهای در آستانه فروپاشی.  
- گسترش مشاوره روانی رایگان و اورژانسی.  
- آموزش عمومی مدیریت بحران مالی و تاب‌آوری روانی.  
- همکاری سازمان‌های خیریه و نهادهای دولتی برای شناسایی سریع خانواده‌های در معرض خطر.

### \* جمع‌بندی

بحران خودکشی ناشی از فشار اقتصادی واقعیتی دردناک و رو به گسترش و رشد است. هر آمار، زندگی و خانواده‌ای را پشت خود دارد. اقدام سریع، تنها راه جلوگیری از این بحران است.

چند روز پیش در یک خیریه، مادری جوان با دختر شش‌ساله‌اش برای دریافت لوازم‌التحریر آمده بود. با چشمانی پر از اشک گفت: «سه روز پیش، همسرم خودش را دار زد. طاقت این همه فشار مالی را نداشت.» حالا او مانده با دو کودک و مخارج کمر شکن زندگی و نیازهای بچه‌ها و اجاره‌خانه‌ای که هر روز سنگین‌تر می‌شود. این روایت، فقط یک نمونه از بحرانی است که بی‌صدا در سراسر کشور در جریان است. برآوردهای انجمن پیشگیری از خودکشی ایران نشان می‌دهد سالانه ۵ تا ۷ هزار مورد فوت بر اثر خودکشی ثبت می‌شود. در برخی استان‌ها، ۲۰ تا ۳۰ درصد این موارد مستقیماً ناشی از مشکلات اقتصادی، بیکاری یا بدهی سنگین است. بیشترین گروه آسیب‌پذیر، مردان ۲۵ تا ۴۵ ساله هستند. نان‌آوران اصلی خانواده.

### \* عوامل اصلی

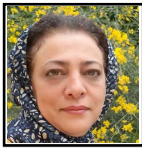
۱. تورم و کاهش قدرت خرید که توان تأمین نیازهای اولیه را از خانوارها گرفته است.
۲. بدهی و فشار طلبکاران که حس بی‌راهی را تشدید می‌کند.
۳. بی‌کاری یا بی‌ثباتی شغلی با قراردادهای موقت و اخراج‌های ناگهانی.
۴. نبود حمایت روانی و اجتماعی، برای افراد در بحران.
۵. فشار فرهنگی نقش نان‌آور که بار مسئولیت را به‌طور نابرابر بر یک فرد می‌گذارد.

### \* پیامدها

وقتی نان‌آور خانواده جان خود را می‌گیرد، خانواده با فقر فوری،



## سالاد کاهو



فاطمه امامی

Femami53@gmail.com



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۹۹

۱۰ آبان سال ۱۴۰۴

گفتند نمی خورند؟!

پدرم نسبت به ما بیشتر حالش بد شد، دیدم نشست روی اولین صندلی رنگ صورتش مثل گچ شده بود.

مجبور شدیم فرنوش را در بیمارستان بستری کنیم.

پدرم در این مدت حالش بسیار منقلب و پریشان بود، پدرم یک رستوران دارد، مجبور شدم از فرشاد مدیر داخلی رستوران پدرم، حال او را جویا شوم؛ بهش گفتم: یک مدتی است پدرم پریشان است شما می دانید چی شده؟!

گفت: نه پدر شما بسیار کمک حرف شده ولی از وقتی خواهر شما مریض شده به کارگرا گیر می دهد که سبزیجات و کاهو را خوب و تمیز بشورند.

بهش گفتم: «مگر قبلاً نمی شستید؟!»

گفت: «نه».

پدر شما نمی گذاشت می گفت نیاز به شستن نیست تمیز است، نشسته یا خوب نشسته سالاد می کردیم من یک بار یواشکی دادم کارگرا شستند فهمید مرا تهدید به اخراج کرد ولی الان گیر داده چند بار بشوید نمی دانم چه شده؟!

حالم خیلی خراب شد حالا فهمیدم پدرم چرا در رستوران خودش نمی گذاشت سالاد و سبزیجات سفارش بدهیم.

فرنوش خواهرم سخت بیمار شده بود، مدتی بود تنگی نفس داشت و بی حال بود و رنگ پوستش زرد شده بود و دل دردهای شدید داشت، از این دکتر به آن دکتر او را می بردیم؛ ولی فایده نداشت هیچ دارویی روی آن اثر نداشت تب کرد و به هیچ جوری تب قطع نمی شد. آخرش یک دکتر عفونی به ما معرفی کردند پس از آزمایش و عکس ریه دکتر تشخیص داد که کیست هیداتید گرفته است.

انگار دنیا روی سرمان خراب شد چطور خواهر عزیزم به این انگل وحشتناک آلوده شده بود؟!

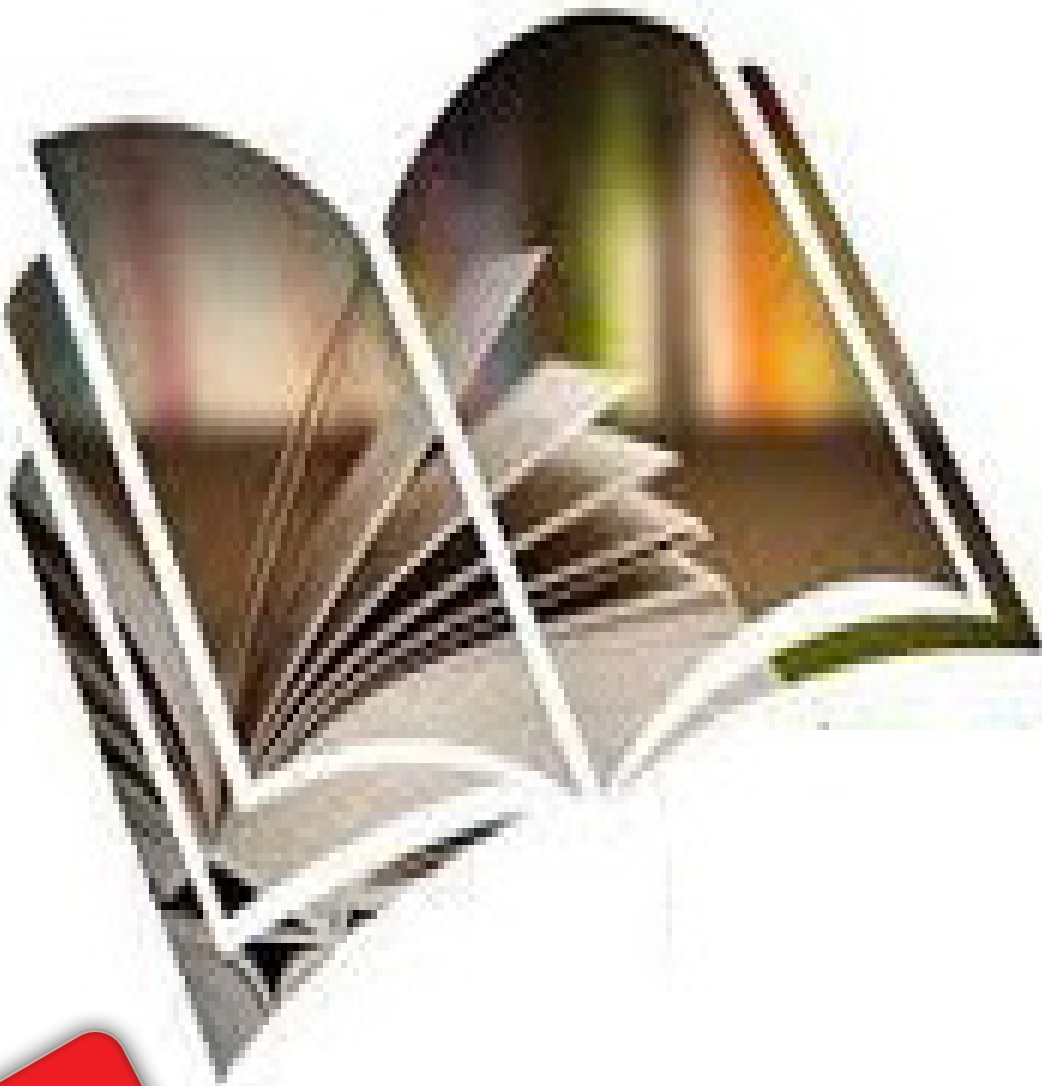
به دکتر گفتیم چطور فرنوش تو خانواده آلوده شده؟ دکتر گفت: «آلودگی از راه های مختلف است از میوه و سبزیجات آلوده و یا گوشت گوسفند آلوده، سگ آلوده و یا حتی مدفوع گوسفند آلوده».

به دکتر گفتیم ما در خانه که سگ نداریم؟

میوه و سبزیجات را هم خوب می شوئیم پس چطور گرفته؟! دکتر گفت: با توجه به رفتار زندگی و رعایت بهداشت شما یک احتمال قوی وجود دارد آن هم استفاده از سبزیجات یا سالاد رستوران که گزارش شده معمولاً خوب شسته نمی شود یا اصلاً نمی شورند.

از فرنوش سؤال کردیم تو رستوران رفتی؟ که سالاد بخوری؟! گفت: آره چند وقت پیش با دوستانم که رفتیم برای خرید کتاب میدان انقلاب، گفتیم رستوران برویم، من فقط سالاد خوردم بقیه

# معرفی کتاب



## معرفی کتاب

## تامی توانی بنویس



مریم کوشکی

تا یاد بگیریم داوری نکنیم، تا جهان را همان گونه که هست ببینیم. او می گوید: «هر چه ژرف تر گوش بسپارید، بهتر می نویسید.» گوش دادن برای او یعنی تسلیم شدن به زندگی، یعنی بیرون آمدن از قضاوت و ترس، و باز گذاشتن درهای ذهن.

نویسنده: ناتالی گلدبرگ

مترجم: گیتی خوشدل

ناشر: پیکان

سال انتشار: ۱۳۹۹

قطع: رقعی

تعداد صفحات: ۱۸۴

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۲۸-۹۰۷-۲

## \*اهمیت و فلسفه نوشتن در نگاه گلدبرگ

در نگاه او، هر نویسنده‌ای باید بپذیرد که نوشتن، بخشی از زیست آگاهانه است. نوشتن نه فقط بازتاب بیرون، بلکه شناخت درون است. اگر می‌خواهیم جهان را بفهمیم، باید از ثبت جزئیات آغاز کنیم؛ از همان چیزهایی که شاید بی‌اهمیت بنظر برسند. زیرا به گفته‌ی گلدبرگ، «اگر جزئیات زندگی ما اهمیت نداشتند، پس چه چیز مهم است؟»

او بارها یادآوری می‌کند که هدف، نوشتن «متن بی‌نقص» نیست، بلکه عبور از سد درونی سانسور است. نویسنده واقعی کسی است که می‌نویسد حتی وقتی نمی‌داند چه بگوید؛ می‌نویسد تا بفهمد چه چیزی در درونش پنهان است. از دید او، هر سکوت، یک دروغ است و هر واژه، قدمی است در جهت حقیقت.

گلدبرگ می‌گوید باید (بی‌شرم نوشت). بی‌آن‌که نگران نظر دیگران باشیم یا منتقد درونی را قاضی کنیم. زیرا نوشتن، مثل تنفس است: اگر بخواهیم آن را به تأخیر بیندازیم، می‌میریم؛ اما وقتی آزادانه بنویسیم، زنده می‌شویم.

## \*نثر و لحن کتاب

نثر کتاب صمیمی، گرم و بی‌تکلف است، اما در پس سادگی ظاهری‌اش، اندیشه‌ای ژرف و شاعرانه جریان دارد. گلدبرگ با بیانی روایت‌گونه و نثر مراقبه‌ای، خواننده را به خلوت خویش می‌برد. او با زبانی که به آرامی جریان دارد، ذهن پراکنده‌ی خواننده را آرام می‌کند و یادش می‌آورد که نوشتن نه مبارزه با کلمات، بلکه دوستی با آن‌هاست.

هر فصل کوتاه است، چون یک جرعه تأمل. ساختار کتاب به گونه‌ای است که هر بخش مستقل اما در عین حال پیوسته و منسجم است: از تجربه‌های ساده‌ی روزمره تا اندیشه‌های عمیق فلسفی.

## \*جوهره و درون‌مایه اثر

نویسنده در متن این کتاب مرز میان «یادگیری نوشتن» و «یادگیری زندگی کردن» را از میان برمی‌دارد. همه‌چیز را به نوعی «تمرین نوشتن» بدل می‌کند: راه‌رفتن، نگاه کردن، گوش دادن، گفت‌وگوهای روزمره، و حتی سکوت.

او در فصل‌ها و جستارهای کوتاه خود، بارها با زبانی روان و بی‌پیرایه یادآور می‌شود که نوشتن، فقط نشستن پشت میز و تولید جمله نیست؛ لیکن زدن به زندگی است، دیدن رنگ‌هاست، و جسارت لمس لحظه‌ها.

در اندیشه گلدبرگ، نوشتن تمرین پذیرش است: ما می‌نویسیم



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۹۹

۱۰ آبان سال ۱۴۰۴



### \* درباره ترجمه

گیتی خوشدل با تسلط مثال‌زدنی بر متن‌های فلسفی و روان‌شناختی، توانسته است روح و طراوت نثر گلدبرگ را در فارسی زنده کند. در ترجمه او، ریتم نرم و مراقبه‌آمیز متن حفظ شده و جمله‌ها گرمای زبانی نویسنده را با زبانی لطیف و طبیعی منتقل می‌کنند. ترجمه مزین به شیوایی و صداقت است، نه متکلف و نه مصنوع، بلکه آینه‌ای برای اندیشه‌ی نویسنده.

### \* پیام‌های محوری کتاب

-نوشتن یعنی زندگی - زندگی را نمی‌توان از نوشتن جدا کرد. هر دو بر پایه‌ی آگاهی، مشاهده و حضور در لحظه استوارند.

-نوشتن یعنی گوش‌دادن - نویسنده‌ی خوب کسی نیست که زیاد بداند، بلکه کسی است که خوب گوش می‌دهد؛ به صداهای درون، به جهان و به خاموشی‌ها.

-نوشتن یعنی مهربانی - باید نخست با خود مهربان بود. تا خود را نپذیریم، نمی‌توانیم جهان را بفهمیم و روایتش کنیم.

-نوشتن یعنی عشق - نویسنده‌ی واقعی، عاشق است: عاشق واژه‌ها، عاشق نویسندگان دیگر، عاشق گزارشی صادق از لحظه‌ها.

-نوشتن یعنی جرأت - جرأت بیان ناپخته، ترسناک، و حتی شرم‌آور؛ زیرا حقیقت در همان‌جاست که سکوت کرده‌ایم.

### \* نقاط قوت کتاب

۱. ترکیب نادر از سادگی و عمق

کتاب در عین روانی بیان، پر از بینش‌های فلسفی است؛ خواننده نه تنها نوشتن را می‌آموزد، بلکه به شناختی تازه از خویش می‌رسد.

۲. ساختار الهام‌بخش و قابل اجرا

هر فصل شامل تجربه‌ای کوتاه، نکته‌ای آموزنده و توصیه‌ای کاربردی است. همین ساختار، کتاب را از یک نظریه‌نامه به راهنمای عملی بدل می‌کند.

### ۳. نگاه انسانی و همدلانه

گلدبرگ با خواننده همچون دوستی صمیمی سخن می‌گوید، نه همچون استادی از بالا. او به جای آموزش از بیرون، بیدارسازی از درون را پیشنهاد می‌کند.

### ۴. قابلیت استفاده برای همه

این کتاب فقط برای نویسندگان یا اهل ادبیات نیست؛ هرکس بخواهد ذهنی آرام‌تر، نگاهی دقیق‌تر یا بیانی آگاه‌تر داشته باشد، از آن بهره می‌گیرد.

### ۵. توان ترجمه در انتقال عاطفه و سادگی زبان

نثر فارسی روان و صادق گیتی خوشدل باعث شده اثر برای خواننده‌ی ایرانی نه بیگانه، بلکه آشنا و ملموس باشد.

### ۶. جنبه درمانی و روان‌پالایی

خواندن و عمل به آموزه‌های کتاب، ذهن را از پریشانی و انباشت افکار بی‌شکل می‌رهاند و نوعی «نوشتار درمانی» پدید می‌آورد؛ گویی هر جمله فرصتی است برای تنفس و شست‌وشوی ذهن.

### \* ارزش و تأثیر اثر

«تا می‌توانی بنویس» کتابی است که هر کس اهل اندیشه، تخیل یا نوشتن باشد باید در کتابخانه‌اش داشته باشد. این اثر، بارها و بارها الهام‌بخش کلاس‌های نویسندگی در سراسر جهان بوده و هنوز یکی از محبوب‌ترین منابع خلاقیت محسوب می‌شود.

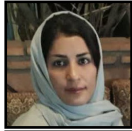
اما فراتر از ارزش آموزشی، این کتاب یادآور حقیقتی انسانی است: این‌که نوشتن، راهی برای نجات از خاموشی است. وقتی واژه‌ای بر صفحه می‌نشیند، ما وجود خود را اعلام می‌کنیم؛ ما شهادت می‌دهیم که زنده‌ایم.

در پایان خواندن کتاب، مخاطب درمی‌یابد که هیچ فصل و هیچ جمله‌ای در آن صرفاً درباره «چگونه نوشتن» نیست، بلکه درباره «چگونه بودن» است. نوشتن در این نگاه، تمرینی است برای دیدن، برای حضور، برای دوستی با خود و جهان.



## آینده؛ از آن کودکان

# کتاب نهنگ که بیشتر می خواست



فاطمه وهابی زاده

### \*ضعف‌ها و محدودیت‌ها\*

۱. سادگی بیش از حد برای مخاطب بزرگ‌تر؛ اگر مخاطب پیش دبستانی یا دبستانی بزرگ‌تر باشد، پیام کتاب ممکن است خیلی آشکار و ساده به نظر برسد؛ یعنی اندکی کم عمق جلوه کند.
۲. تمرکز زیاد روی پیام اخلاقی؛ در برخی لحظات، داستان ممکن است به سمت «درس اخلاقی دادن مستقیم» پیش رود؛ یعنی خواننده حس کند هدف کتاب بیشتر القای پیام است تا خلق یک داستان مستقل.
۳. محدودیت در توسعه شخصیت‌ها؛ به دلیل مختصر بودن کتاب و تمرکز بر پیام، شخصیت‌ها فزونی برای عمق یابی ندارند. مثلاً زندگی داخلی نهنگ، گذشته‌اش یا انگیزه‌های بیشتر او کمتر کاوش می‌شود.
۴. ممکن است تکراری بنظر برسد؛ در بخش‌هایی از داستان که هم‌مغری مرتباً آشیا به بیشتری جمع می‌کند، ممکن است برای برخی خوانندگان (یا شنوندگان کودکان) احساس تکرار ایجاد شود.
۵. چالش ترجمه و انتقال وزن شعر به فارسی؛ اگر ترجمه فارسی کتاب به خوبی انجام نشده باشد، ریتم قافیه‌وزن بیابایی شعر ممکن است ضعیف شود یا پیام لطمه ببیند.

### \*تحلیل عمیق تر: نمادها و پیام‌ها\*

- نهنگ «همغری» به عنوان نماد بشر امروز؛ میل به جمع آوری بیشتر، فکر این که چیزهای مادی ما را کامل تر می‌کنند، آرزوی نامحدود بودن؛ نهنگ همیشه خواستار نمادی از این وضعیت است.
- صخره‌ها و ساکنان آن؛ صخره‌های رنگارنگ با موجوداتی که درون خود درگیری دارند، نماد جامعه‌ای است که زیبایی و نعمت دارد اما به دلیل تمرکز بر اختلافات کوچک و نزاع‌ها، نمی‌تواند آن را درک کند.
- خرچنگ کر بیستال به عنوان صدای خرد؛ موجود کوچکی که با نگاه متفاوت و پرسشگری، نهنگ را به مسیر درست هدایت می‌کند؛ نماد صدای خرد، همدلی یا کسی است که می‌تواند به دیگران کمک کند تا خود را بشناسند.
- آواز همغری؛ کشف استعداد و به اشتراک گذاشتن آن با دیگران نماد این است که هر فرد ممکن است چیزی ارزشمند داشته باشد که به دیگران کمک کند. شادی جمعی در نتیجه همیاری خلاقانه.
- تضاد بین داشتن و بودن؛ این تضاد یکی از مفاهیم کلیدی فلسفی در ادبیات اخلاقی است که در این کتاب به صورتی ساده بیان می‌شود؛ داشتن بیشتر لزوماً به خوشبختی بیشتر منجر نمی‌شود؛ بلکه «بودن» با دیگران و «دادن چیزی از خود» اهمیت دارد.

### \*نتیجه‌گیری و توصیه‌ها\*

- کتاب «نهنگ که بیشتر می‌خواست» اثری ارزشمند برای کودکان کم‌سال است که پیام‌های مهمی درباره ارزش دوستی، مهربانی، اشتراک گذاشتن و کشف استعداد شخصی ارائه می‌دهد؛ اگر بخواهیم جمع‌بندی کنیم:
- این کتاب ارزش خواندن یا کودکان را دارد، مخصوصاً به عنوان نقطه آغاز برای بحث درباره ارزش‌ها و معنا.
- برای مخاطبان بزرگ‌تر یا کسانی که به دنبال داستان‌های عمیق‌تر و پیچیده‌تر هستند، ممکن است کتاب کمی سطحی به نظر برسد.
- اهمیت خوبی دارد که ترجمه فارسی آن نیز از جنبه شعر، ریتم و زیبایی زبان مورد توجه قرار گیرد تا اثر بخشی پیام کاهش نیابد.



کتاب «نهنگ که بیشتر می‌خواست» (The Whale Who Wanted More) داستان تصویری‌ای است درباره نهنگی به نام همغری که همیشه دنبال چیزهای جدید است و آشیا گوناگون جمع می‌کند با این امید که احساس خوشبختی کند. اما هر چه بیشتر جمع می‌کند، رضایتش بیشتر نمی‌شود. وقتی به صخره‌های رنگارنگ می‌رسد و ساکنان صخره نیز درگیر نزاع و خصومت‌اند، نهنگ تلاش می‌کند که مقصودش را عملی کند. یکی از جانوران کوچک خرچنگی به نام کر بیستال - به او پیشنهاد می‌دهد که شاید شادی واقعی در بخشیدن، مهربانی و استفاده از استعدادهايش باشد. در نهایت همغری با آواز خواندن برای بقیه موجودات، به آن‌ها شادی می‌بخشد و خودش نیز احساس آرامش بیشتری می‌کند.

کتاب به صورت شعر (قافیه‌دار) نوشته شده و جملات آن ریتمیک و آهنگین‌اند. تصاویر بسیار رنگارنگ و پر جنب و جوش اند که زیبایی بصری کتاب را تقویت می‌کنند.

### \*نقاط قوت کتاب\*

۱. پیام اخلاقی مؤثر و مثبت: کتاب به طری ساده و کودکانه، ولی عمیق، پیام می‌دهد که خوشبختی واقعی در داشتن آشیا و جمع کردن آن‌ها نیست، بلکه در مهربانی، بخشیدن و به اشتراک گذاشتن با دیگران است.
۲. استفاده از تضاد میان خواستن بیشتر و رضایت درونی باعث می‌شود پیام کتاب در ذهن کودک اثرگذارتر باشد.
۳. زبان شعری و آهنگین: نظم، قافیه و آهنگ شعر سبب می‌شود کتاب جذاب‌تر برای کودکان باشد و لذت شنیداری هم داشته باشد هنگام خواندن بلند.
۴. تصاویر زیبا و جذاب: تصاویر جیم فیلد از نظر رنگ، جزئیات و ترکیب‌بندی چشم‌نواز هستند. این تصاویر به همراه متن، تجربه خواندن را تقویت می‌کنند و قابلیت توجه کودک را بیشتر می‌کنند.
۵. قابلیت ارتباط با زندگی واقعی: بسیاری از والدین یا مربیان ممکن است موضوع مصرف‌گرایی (میل به داشتن چیزهای بیشتر) را در دنیای امروز برای کودکان مطرح کنند. این کتاب ابزاری مناسب برای آغاز گفت‌وگو با کودکان در مورد ارزش‌ها، خوشبختی، اشتراک‌گذاری و مهربانی است.
۶. کشش داستانی مناسب کودکان: داستان دارای نقطه عطف، کشمکش (درگیری ساکنان صخره، میل نهنگ به جمع کردن بیشتر) و راه‌حل است، که برای مخاطب کودک ساختار قابل درکی دارد و او را درگیر می‌کند.

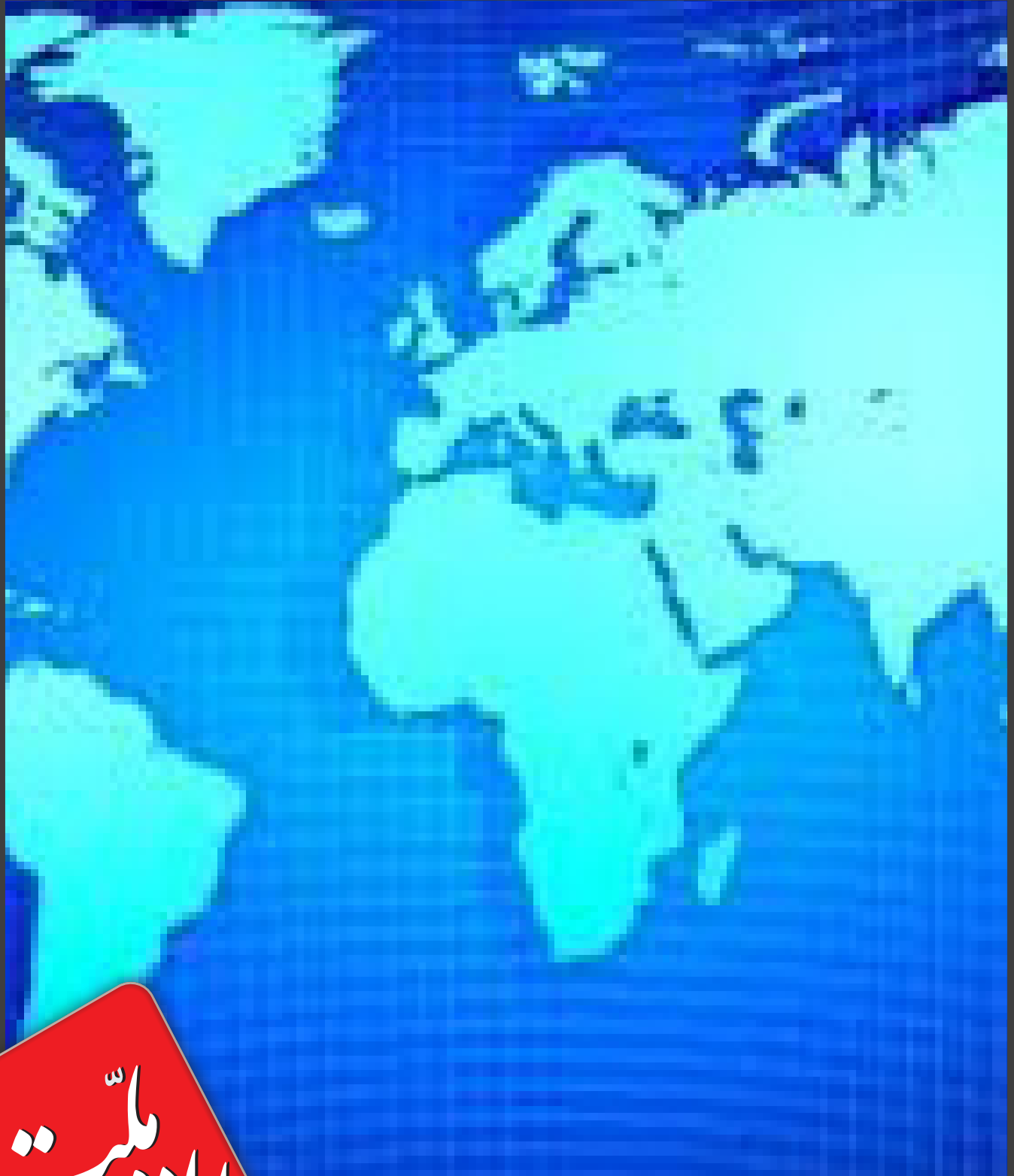


هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۹۹

۱۰ آبان سال ۱۴۰۴

# جهان در هفته ای که گذشت







مهتاب قصابی

در قالب جنبش موسوم به «نسل زد ۲۰۱۲» به خیابان‌ها آمده‌اند تا علیه افزایش هزینه‌های آموزش و بهداشت و حکومت اقتدارگرای کشور اعتراض کنند. انجمن مراکشی دفاع از حقوق بشر (ADMH) که یک سازمان مردم‌نهاد محلی است، پیش از تعطیلات آخر هفته اعلام کرد که این اعتراضات منجر به تشکیل ۱۵۰۰ پرونده قضایی علیه شرکت کنندگان در اعتراضات شده است. بازداشت یکی از معترضان به دست نیروهای لباس شخصی مراکش بازداشت یکی از معترضان به دست نیروهای لباس شخصی مراکش APPPhoto گفته می‌شود افرادی که با پیگرد قانونی مواجه هستند، به ارتکاب مجموعه‌ای از اقدامات متهم شده‌اند که از «تخریب اموال عمومی» تا «سازماندهی اعتراضات غیر مجاز» و «خشونت علیه نیروهای امنیتی» را شامل می‌شود. به اینستاگرام پیرونیوز فارسی پیوندید در روزهای اخیر، اعتراضات کمتر شده‌اند زیرا جنبش انرژی خود را از دست داده است. برخورد خشن پلیس مراکش با معترضان نسل زد برخورد خشن پلیس مراکش با معترضان نسل زد APPPhoto پادشاه مراکش، محمد ششم، در تاریخ ۱۰ اکتبر اعلام کرد که اصلاحات اجتماعی با سرعت بیشتری انجام خواهد شد و دولت متعهد شد که در بودجه ۲۰۲۶ برای بهبود دسترسی به خدمات بهداشت و آموزش بودجه‌ای بی‌پیشینه معادل ۱۳ میلیارد یورو در نظر بگیرد. انجمن ADMH خواستار آزادی همه بازداشت‌شدگان و برگزاری محاکمات عادلانه شده است.

عقب‌نشینی نیروهای حزب کارگران کردستان به عراق؛ پک‌ک‌از آنکارا خواست سهم خود را در صلح ایفا کند



در بیانیه رسمی حزب که توسط خبرگزاری «فرات» نزدیک به آن منتشر شد، آمده است: «ما گام عقب‌نشینی نیروهای خود را از ترکیه را به دلیل احتمال وقوع درگیری‌ها و ایجاد زمینه برای رخدادهای ناخواسته آغاز کرده‌ایم. در بیانیه‌ای که از سوی این سازمان مسلح منتشر شد، تأکید شده است که «قانون عفو ویژه مرتبط با حزب کارگران کردستان باید به‌عنوان پایه و اساس به تصویب برسد و همچنین برای فراهم کردن امکان مشارکت واقعی در عرصه سیاسی دموکراتیک، صدور قوانین مرتبط با آزادی‌ها و ادغام دموکراتیک باید بدون هیچ تأخیری انجام شود. درگیری میان ترکیه و حزب کارگران کردستان ریشه در دهه ۱۹۷۰ میلادی دارد؛ زمانی که عبدالله و جلالان این حزب را تأسیس کرد و با اعلام شعار مبارزه مسلحانه برای تأسیس یک دولت کرد مستقل، مسیر تقابل با دولت ترکیه را آغاز نمود.

## جهان در هفته‌ای که گذشت

کاترین کانولی، سیاستمدار چپ‌گرای منتقد اتحادیه اروپا و اسرائیل، رئیس‌جمهور ایرلند شد



کاترین کانولی، نامزد مستقل چپ‌گرا، با پیروزی قاطع در انتخابات ریاست‌جمهوری ایرلند به عنوان رئیس‌جمهور جدید این کشور انتخاب شد. در پی اعلام شمارش اولیه آراء که از برتری چشمگیر کاترین کانولی حکایت داشت، «هیدر هامفریز»، نامزد حزب راست‌گرای فاین گائل، بعد از ظهر شنبه ۲۵ اکتبر (۳ آبان) شکست خود را پذیرفت. شمارش آراء روز شنبه آغاز شد و نتایج اولیه نشان داد که کانولی با اختلاف قابل توجهی در مسیر جانشینی «هایکل دی هیگینز»، رئیس‌جمهور کنونی ایرلند، قرار دارد. به گزارش روزنامه آیریش تایمز، بسیاری از حوزه‌های رأی‌گیری میزان مشارکت رأی‌زیر ۴۰ درصد گزارش کرده‌اند و احتمالاً از هر هشت رأی‌دهنده، بیش از یک نفر رأی خود را باطل کرده است. رئیس‌جمهور ایرلند در سطح جهانی نماینده کشور است، از رهبران کشورهای دیگر در سفرهای رسمی استقبال می‌کند و دارای اختیارات مشخصی در قانون اساسی است، اما این مقام عمدتاً جنبه تشریفاتی دارد و نقش مستقیمی در تدوین قوانین یا سیاست‌گذاری‌ها ایفا نمی‌کند.

اعتراضات نسل زد مراکش؛ بیش از ۱۵۰۰ پرونده قضایی برای معترضان تشکیل شد



نگارش از یورونیوز فارسی یک سازمان غیرانتفاعی محلی در مراکش اعلام کرد بیش از ۱۵۰۰ نفر از افرادی که در اعتراضات گسترده اخیر در این کشور شرکت کرده و خواستار بهبود خدمات بهداشتی، آموزش و پایان دادن به فساد شدند، با پیگرد قانونی مواجه شده‌اند. جوانان مراکشی از یک ماه پیش به طور مداوم



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۹۹

۱۰ آبان سال ۱۴۰۴



## فعالیت پنهان روسیه با عوامل رده پایین در آلمان؛ مر تس: نه در جنگیم، نه در صلح کامل



مسکو در حال گسترش حملات ترکیبی خود علیه آلمان است، از جاسوسی و نشر اطلاعات نادرست گرفته تا پرواز پهپادها در حریم هوایی این کشور. مقامات بر این گمانند که برخی از پروازهای نوع دوم را احتمالاً همان «عوامل رده پایین» انجام داده‌اند، یعنی افرادی که در حاشیه شبکه‌های اطلاعاتی روسیه فعالیت می‌کنند. دکتر کریستوفر نهرینگ، کارشناس اطلاعات نادرست و مدیر مؤسسه اطلاعات سایبری، در گفت‌وگو با یورنیوز چنین توضیح می‌دهد: «عوامل رده پایین معمولاً برای انجام اقدامات عینی و ملموس به کار گرفته می‌شوند. اف فرونتال» آلمان، این مسئله همچنان یکی از معضلات دائمی سرویس اطلاعات داخلی آلمان است؛ حتی پس از تحقیقات کامل، عاملان آ یا ایدئولوژی کافی است تا کسی «عامل رده پایین» شود؟ شیندلر این مفهوم را بسیار ساده توصیف می‌کند: «هدف، انجام هر چه بیشتر عملیات‌های کوچک مقیاس است، اقداماتی کم‌هزینه که در مجموع می‌توانند مؤثر باشند و در عین حال خطر برای طرف روسی بسیار اندک است. شیندلر این مفهوم را بسیار ساده توصیف می‌کند: «هدف، انجام هر چه بیشتر عملیات‌های کوچک مقیاس است، اقداماتی کم‌هزینه که در مجموع می‌توانند مؤثر باشند و در عین حال خطر برای طرف روسی بسیار اندک است. گفته می‌شود اهداف احتمالی را شناسایی و عکس‌ها و ویدئوهای مثلاً ترابری‌های نظامی برای طرف تماس خود ارسال کرده‌اند. گفته می‌شود اهداف احتمالی را شناسایی و عکس‌ها و ویدئوهای مثلاً ترابری‌های نظامی برای طرف تماس خود ارسال کرده‌اند. اف فرونتال» آلمان، این مسئله همچنان یکی از معضلات دائمی سرویس اطلاعات داخلی آلمان است؛ حتی پس از تحقیقات کامل، عاملان اصلی اغلب به‌طور قطعی قابل شناسایی نیستند.

## آزمایش «موفق» موشک هسته‌ای توسط روسیه؛ پوتین: بوروستنیک در جهان بی‌همتاست



ارتش روسیه از آزمایش «موفق» موشک هسته‌ای «بوروستنیک» (Bu-revestnik) خبر داد؛ موشکی که ولادیمیر پوتین آن را «بی‌همتا در جهان» توصیف کرد. انتشار این خبر در حالی است که آزمایش‌های موشک بوروستنیک سال‌هاست که ادامه دارد. دولتی رسانه‌ای کردن آن در این ابعاد می‌تواند بخشی از پروژه ارسال پیام هسته‌ای کرملین در مواجهه با فشارهای غرب برای تن دادن به برقراری آتش پس در جنگ اوکراین و هشدارهای تند آمریکا و ناتو در باره صدور مجوز استفاده از تسلیحات دوربرد غربی برای حمله به عمق خاک روسیه توسط اوکراین باشد. بر اساس گزارش تاس، پنتاگون نیز اذعان کرده است که

موشک بوروستنیک می‌تواند «به لطف بُرد و ابتکار عمل پروازی فوق‌العاده‌اش، تقریباً می‌تواند توسط هر حامل یا از هر سکویی شلیک شود. به گفته آقای پوتین و وزارت دفاع روسیه، بوروستنیک از نظر ابعاد به موشک کروزر Kh-101 شباهت دارد، اما به دلیل بر خور داری از پیش‌ران هسته‌ای کوچک، برد عملیاتی آن چندین برابر بیشتر است.

## وزن و نلادر واکنش به گسترش حضور نظامی آمریکا: از سواحل خود در برابر «عملیات مخفی» محافظت می‌کنیم



لادیمیر پادرینو، وزیر دفاع وزن و نلادر، روز شنبه اعلام کرد که ارتش این کشور هم‌زمان با اعزام ناو هواپیمابر آمریکایی در منطقه، در حال انجام آزمایش‌هایی برای دفاع از سواحل خود در برابر هر گونه «عملیات مخفی» احتمالی است. این اقدام یک روز پس از آن صورت گرفت که پنتاگون دستور اعزام یک ناو هواپیمابر به منطقه را صادر کرد؛ اقدامی که به‌عنوان مرحله تازه‌ای از کارزار آمریکا علیه قایق‌های مظنون به قاچاق مواد مخدر تلقی می‌شود و تاکنون به کشته شدن دست کم ۴۳ نفر انجامیده است. تنش‌ها در منطقه پس از آن شدت گرفت که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، اعلام کرد مجوز انجام عملیات سازمان سیا در خاک وزن و نلادر صادر کرده و در حال بررسی احتمال انجام حملات زمینی علیه کارتل‌های مواد مخدر ادعایی در این کشور آمریکای لاتین است.

## حمله جدید آمریکا در اقیانوس آرام و رزمایش در پاناما؛ رئیس‌جمهور وزن و نلادر: ۵ هزار موشک روسی داریم



واشنگتن روز چهارشنبه اعلام کرد که در جریان حمله‌ای جدید در اقیانوس آرام، سه نفر از مظنونان به قاچاق مواد مخدر را کشته است. به گزارش خبرگزاری فرانسه، در حالی که آمریکا اعلام کرده یک شناور حامل مظنونان به قاچاق مواد مخدر را هدف قرار داده است، مادروروز چهارشنبه اعلام کرد که وزن و نلادر ۵۰۰۰ موشک ضد هوایی قابل حمل ساخت روسیه در اختیار دارد تا در برابر تهدید نظامی ایالات متحده آماده باشد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در میانه ماه اکتبر اعلام کرده بود که به سازمان اطلاعات مرکزی، سیانیز اجازه عملیات مخفیانه علیه وزن و نلادر داده است. در حالی که واشنگتن شمار زیادی از نیروهای دریایی خود را در نزدیکی وزن و نلادر مستقر کرده است، ارتش آمریکا روز چهارشنبه در سواحل کارائیب پاناما آزمایش‌های کوچک بقا و نبرد در جنگل برگزار کرد. این رزمایش‌ها در بحدوحه تنش میان ایالات متحده و وزن و نلادر انجام می‌شود؛ تنش‌هایی که در آن، نیکلاس مادروروز رئیس‌جمهور وزن و نلادر واشنگتن را به تلاش برای سرنگونی خود متهم می‌کند.

اخبار حزبى

مديران  
حزب اراده

تاسيس ۱۳۶۹

اراده ملت  
هفته نامه



# اخبار حزبی



حسن غلامی

## ارسال کتاب «پلنوم چهارم حزب اراده ملت ایران» به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



کتاب «پلنوم چهارم حزب اراده ملت ایران» که گزارشی مستند و تحلیلی از مذاکرات، دیدگاه‌ها و تصمیمات داخلی این حزب در چهارمین دوره‌ی پلنوم است، از سوی انتشارات حزب اراده ملت ایران به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارسال شد تا در فرایند بررسی و صدور مجوز انتشار قرار گیرد.

این اثر، به کوشش افشین فرهنگچی تدوین و با نظارت علمی و فنی تیم انتشاراتی حزب آماده شده است. کتاب پیش‌رو ضمن انعکاس گفت‌وگوهای حزبی درباره‌ی سیاست‌های دولت، رویکرد حزب نسبت به حاکمیت، و ارزیابی برنامه‌های زیست‌محیطی و اجتماعی، تصویری روشن از تحولات فکری و تشکیلاتی این جریان اصلاح‌طلب در دهه اخیر ارائه می‌کند.

همچنین بخشی از متن کتاب به گزارش عملکرد حزب در قالب کارگروه‌های تخصصی محیط‌زیست، سیاست اجتماعی و برنامه‌ی «چشمه» اختصاص دارد؛ بازتابی از تلاش جمعی برای بازآفرینی گفتمان سوسیال دموکراسی ایرانی و تقویت مشارکت سیاسی آگاهانه درون ساختار حزبی.

انتشارات حزب اراده ملت ایران اعلام کرد ارسال این کتاب به وزارت ارشاد در راستای سیاست شفافیت و مستندسازی فعالیت‌های حزبی صورت گرفته است و انتشار آن می‌تواند سهمی در ارتقای گفت‌وگو و اعتماد عمومی نسبت به مسیر اصلاحات ملی داشته باشد.

## انتصاب مدیر جدید پژوهشسرای ملاصدرا زنجان

با حکم مدیر کل آموزش و پرورش استان زنجان، فاطمه محمدی به سمت مدیر پژوهشسرای ملاصدرا منصوب شد.

به گزارش روابط عمومی آموزش و پرورش ناحیه دو زنجان، در آیینی با حضور فیروز مهدی مدیر ناحیه دو، رستمی رئیس اداره تکنولوژی و گروه‌های آموزشی استان، و جمعی از فرهنگیان، ضمن قدردانی از خدمات علی رفیعی مدیر پیشین، (فاطمه محمدی) به‌عنوان مدیر جدید پژوهشسرا معارفه شد.

این انتصاب در راستای تقویت فعالیت‌های علمی و پژوهشی دانش‌آموزان و ارتقای برنامه‌های تربیتی در سطح متوسطه صورت گرفت. مدیر ناحیه دو با تأکید بر نقش مؤثر پژوهشسراها در تحقق اهداف سند تحول بنیادین افزود: «پژوهشسرای ملاصدرا با مدیریت جدید، به الگویی پویا در حوزه نوآوری آموزشی و پژوهشی بدل خواهد شد.»

روابط عمومی آموزش و پرورش ناحیه دو زنجان





## برگزاری پلنوم چهارم حزب اراده ملت ایران پیش از کنگره سراسری یازدهم

“پلنوم چهارم حزب” با محوریت تعیین استراتژی و راهبردهای کلان تشکیلات، روز هجدهم مهرماه در تهران برگزار شد. این نشست مهم، پیش از کنگره سراسری یازدهم و با هدف تحلیل مسیر آینده حزب، با حضور ۳۹ نفر از اعضا و مسؤولان به صورت حضوری و سایر اعضا به صورت آنلاین و هم‌زمان در بستر مجازی برگزار گردید.

در این پلنوم، اعضای شورای مرکزی، دبیران استانی، مسؤولان کمیته‌ها و دفاتر، و جمعی از چهره‌های فکری و اجرایی حزب، به بررسی دقیق اولویت‌های راهبردی، گزارش‌های عملکرد و اسناد تشکیلاتی پرداختند. مباحث در فضایی گفت‌وگومحور و منظم دنبال شد و تصمیم‌های کلان در زمینه‌ی (نوسازی ساختار، تقویت مناسبات حزبی و آماده‌سازی دستور کار کنگره یازدهم) اتخاذ گردید.

بر پایه‌ی مصوبات این نشست، محورهای اجرایی پلنوم چهارم شامل تعیین و دعوت مدعوین، تصویب دستور کار، دریافت حق عضویت سالانه، تشکیل گروه ارتباطی اختصاصی، ساماندهی گزارش‌ها و پاسخ‌گویی به پرسش‌ها، توزیع و تحلیل نظرسنجی‌ها و ارجاع موارد اختلافی به نشست عمومی بود. همچنین در ادامه، روند تدوین برنامه‌ی بلندمدت حزب و تشکیل کارگروه برنامه‌نویسی ویژه کنگره یازدهم آغاز شد.

پلنوم چهارم نمادی از بلوغ فکری و وحدت تشکیلاتی در آستانه کنگره یازدهم حزب اراده ملت ایران ارزیابی می‌شود؛ نشستی که با مشارکت گسترده اعضا و مدیریت علمی دبیر کل، چشم‌اندازی روشن برای آینده این جریان اصلاح‌طلب ترسیم کرد.



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۹۹

۱۰ آبان سال ۱۴۰۴

## برگزاری نشست اصلاح‌طلبان نیشابور برای انتخابات شورای شهر

نیشابور – نخستین نشست اصلاح‌طلبان شهرستان نیشابور با محوریت انتخابات شورای شهر آینده به میزبانی حزب اراده ملت برگزار شد. در آغاز، مهدی علی‌آبادی دبیر حزب، هدف جلسه را ایجاد هماهنگی سیاسی میان اصلاح‌طلبان برای حضور مؤثر در انتخابات اعلام کرد. نشست با حضور نمایندگان از احزاب مردم‌سالاری، اتحاد ملت، کارگزاران سازندگی و جمعی از فعالان سیاسی برگزار شد. بر اساس تصمیم اعضا، جلسات بعدی هر دو هفته یکبار و به تناوب به میزبانی احزاب تشکیل می‌شود. از مصوبات جلسه می‌توان به سخنرانی دکتر محسن لطفی درباره نقش پارلمان‌های محلی، ارزیابی عملکرد شورای راهبردی و تشکیل کارگروه‌های تخصصی شوراها برای تدوین برنامه عملیاتی و شیوه‌نامه ارزیابی نامزدها اشاره کرد. پاینده ایران



## نشست هم‌اندیشی اصلاح‌طلبان نیشابور با موضوع «برای انتخابات شوراها چه باید کرد؟»

نشست هم‌اندیشی احزاب و اشخاص حقیقی اصلاح‌طلب شهرستان نیشابور با موضوع «برای انتخابات شوراها چه باید کرد؟» روز یکشنبه ۴ آبان ساعت ۱۹ در تالار تشریفات برگزار می‌شود.

این برنامه شامل چهار بخش است:

در بخش نخست، دکتر مهدی علی‌آبادی دبیر حزب اراده ملت در نیشابور و دکتر محسن لطفی عضو حزب به ایراد سخنرانی می‌پردازند. بخش دوم با گزارش مهندس جواد غریبان، رئیس شورای راهبردی اصلاح‌طلبان نیشابور درباره‌ی پیگیری‌های انتخاباتی و گفت‌وگو با دکتر پرنندگان‌ی ادامه می‌یابد.

در بخش سوم اعضا به بررسی موضوع اصلی نشست یعنی «انتخابات شورای شهر» و جمع‌بندی دیدگاه‌ها می‌پردازند.

بخش پایانی نیز به قرائت بیانیه جمع‌بندی درباره‌ی پاسخ به پرسش محوری «برای انتخابات شوراها چه باید کرد؟» اختصاص دارد.

این نشست به همت شورای راهبردی اصلاح‌طلبان نیشابور برگزار می‌شود.



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

## تشکیل نخستین نشست کارگروه تدوین برنامه استراتژیک «حاما»

نخستین جلسه کارگروه تدوین برنامه استراتژیک حزب اراده ملت ایران (حاما) با حضور دبیر کل محترم حزب و اعضای منتخب از سوی ایشان، روز سی‌ام مهرماه ۱۴۰۷ در ساعت ۱۴:۳۰ برگزار شد.

در آغاز نشست، آقای دکتر فرهاد ناشی ضمن تشکر از اعتماد اعضا و دبیر کل حزب، درباره ضرورت تدوین برنامه استراتژیک سخن گفت و بر مدیریت زمان و تدوین سندی واقع‌بینانه تأکید نمود. ایشان افزودند که کارگروه با رویکرد تخصصی و رعایت نظم محتوایی، مراحل بررسی و نگارش خود را در سه محور اصلی پی خواهد گرفت.

بر پایه تصمیمات مصوب:

۱. جلسات کارگروه دو هفته یک‌بار از ساعت ۱۴ تا حداکثر ۱۷ برگزار خواهد شد.
۲. آقای دکتر ترحمی زاده به‌عنوان مشاور حقوقی تعیین شدند.
۳. با پیشنهاد دبیر کل، آقای امیروژنک حدادی به‌منظور هدایت پروژه تدوین برنامه استراتژیک هفت‌ساله حزب برگزیده شد.
۴. مدیر پروژه دارای حق رأی نخواهد بود و در جایگاه مشورتی فعالیت می‌کند.
۵. دبیر کل توصیه کرد اعضای کارگروه در مطالعه کتاب «به کدام راه می‌رویم» (۱۴۰۱-۱۳۷۹) و «پلن چهارم حاما» تأمل و بهره‌گیری تحلیلی داشته باشند.

نشست با آرزوی موفقیت برای اعضای حاضر و تأکید بر پیوند سازنده تجربه و پژوهش به پایان رسید.

پاینده ایران



شماره ۹۹  
۱۰ آبان سال ۱۴۰۴





# سازمان آگهیها

برای درج تبلیغات خویش، پوستر طراحی شده را  
به آدرس پایین ایمیل

**Hgolami1367@gmail.com**

و یا

به شماره زیر از طریق واتساپ ارسال نمائید

**۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵**



مدرسه حزبی حاما در ترم پاییز برگزار می کند

## امنیت پایدار آب

شنبه ها ساعت ۱۶  
شروع کلاس: ۱۲ مهر



**حسین حمیدی نیا**

### تحصیلات:

دکترای جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران ۱۳۸۲-۱۳۸۶.

### سوابق کاری:

- ۱ مدرس تاریخ سیاسی جنگ ایران و عراق در گروه معارف جنگ ارتش جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۵-۱۳۹۴).
- ۲ مدرس جغرافیای سیاسی در دانشگاه های تهران
- ۳ مدرس درس اقتصاد سیاسی آب در خاورمیانه در دانشگاه اورتا دوغو (میدل ایست) آنکارا.

### تالیف:

- ۱ اطلس روابط بین الملل (ترجمه)، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه: ۱۳۸۰.
  - ۲ کتاب سبز آمریکا، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه: ۱۳۸۱.
  - ۳ جغرافیای آفریقای جنوبی، تهران: انتشارات فواد، ۱۳۸۹.
  - ۴ فرهنگ ها و اقوام در سرزمین رنگین کمان (ترجمه)، تهران: انتشارات زیتون سبز، ۱۳۹۰.
- و ...



مدرسه حزبی حاما در ترم پاییز برگزار می کند

## حقوق اقوام

چهارشنبه ها ساعت ۲۱

شروع کلاس: ۱۶ مهر



### یوبک آقا ملایی

#### تحصیلات

در دو رشته ادبیات عربی (دانشگاه تهران) و ادبیات ترکی (دانشگاه دولتی باکو)

#### سوابق شغلی

دبیر و استاد مدعو دانشگاه

#### فعالیت فرهنگی

فعال حوزه اجتماعی، ادبی، آموزشی و سیاسی

مترجم عربی و ترکی، ویراستار



مدرسه حزبی حاما در ترم پاییز برگزار می کند

## مبانی علم سیاست

یکشنبه ها ساعت ۲۱  
شروع کلاس: ۱۳ مهر



### جواد گیاهشناس بن بازاری

#### تحصیلات:

دکترای تخصصی علوم سیاسی، سیاستگذاری عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات

#### سوابق سیاسی:

عضو شورای اسلامی شهر همدان  
رئیس مرکز مطالعات و پژوهش‌های شورای اسلامی شهر همدان  
عضو کمیسیون حقوقی شورای اسلامی همدان  
عضو کمیسیون اقتصاد و سرمایه‌گذاری شورای اسلامی همدان  
عضو کمیته دآوری جشنواره شهروند برگزیده همدان ۱۳۹۸

#### فعالیت‌های علمی:

- ۱- عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان از ۱۳۸۳ تا ادامه دارد ...
  - ۲- مدیر هیات عالی نظارت استان همدان از ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷.
  - ۳- مدیر پژوهشی - دانشجویی ستاد هماهنگی دانشگاه آزاد اسلامی استان همدان از ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴
  - ۴- عضو کمیسیون دائمی هیات امنای استان همدان ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶.
- و ...





مدرسه حزبی حاما

مدرسه حزبی حاما در ترم پاییز برگزار می کند

## کارگاه هنر درمانی

دوشنبه ها ساعت ۱۸

شروع دوره: ۱۴ مهر



### زهرا اطلس باف

#### تحصیلات:

هنر آموخته ارشد رشته تصویرسازی

#### سوابق کاری:

مدرس انجمن تجسمی (اداره ارشاد)

مدرس هنر درمانی

عضو انجمن تجسمی ایران

عضو خانه هنرمندان ایران

شرکت در چندین نمایشگاه داخلی و خارجی

برگزیده اثر دراکسیوایران ۱۳۹۲

طراحی جلد کتاب قوچ آسمانی سال ۹۹

طراحی جلد کتاب برابری حزب مدنی



مدرسه حزبی حاما در ترم پاییز برگزار می کند

## آخرین دستاوردهای علم اقتصاد

سه شنبه ها ساعت ۱۵  
شروع کلاس: ۱۵ مهر



**رحمان سعادت**

**تحصیلات:**

دکتری اقتصاد بین الملل (دانشگاه تربیت مدرس)

**سوابق علمی:**

عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه سمنان  
- نگارش مقالات متعدد در حوزه اقتصادی و اقتصاد سیاسی در نشریات معتبر داخلی

**تألیف کتاب**

«پرسی و شناسایی موانع و تنگناهای زیرساختی بخش بازرگانی برای تقویت صادرات کالاها و خدمات قابل صدور منطقه آذربایجان»

**دوره های تخصصی طی شده:**

فرصت مطالعاتی در دانشگاه رابرت گوردن انگلستان



# خاطرات سیاسی

[www.khsmag.ir](http://www.khsmag.ir)

## ۲۹ خاطرات سیاسی ۱۴۰۴

فصلنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی  
سال هشتم - شماره ۲۹ - تابستان ۱۴۰۴  
صفحه ۰۰۰ - ۲۰۰,۰۰۰ تومان





انتشارات حزب اراده ملت ایران

## تازه های انتشارات حزب اراده ملت ایران

مجموعه سازوکار حزبی

برای تهیه کتاب به غرفه انتشارات در بازار باسلام ([www.basalam.com](http://www.basalam.com)) مراجعه کنید.

نسخه الکترونیکی کتاب ها در سایت طاقچه موجود است.

مسئول فروش انتشارات: ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵

انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است



برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ تماس گرفته و یا در اپلیکیشن باسلام، ترب خرید نمایید.  
برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به اپلیکیشن یا سایت طاقچه مراجعه نمائید.



## انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است



برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ تماس گرفته و یا در اپلیکیشن باسلام، ترب خرید نمایید.  
برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به اپلیکیشن یا سایت طاقچه مراجعه نمایید.